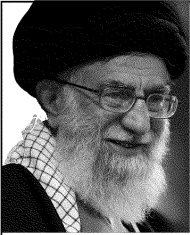
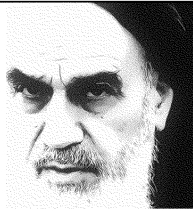


الله اعلم الزمن!

وَلَنْ نَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودَ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ ۗ



مرکز امریکا



شما تصور نکنید که اینها برای ما و برای صلاح ما يك قدم بردارند. هر که این را تصور بکند این جاهل است که اینها بخواهند ممالک شرق يك قدم رو به ترقی بروند! اینها نمی‌خواهند. ممالک شرق باید فکر خودشان باشند، نسیان کنند غرب را. و خودشان مشغول بشوند به اصلاح حالشان. اگر ما می‌توانستیم که بکلی منقطع بشویم از اینها، اجزه می‌داد این مسائل که بکلی منقطع بشویم از اینها، به صلاحمان بود. خیال نکنید که روابط ما با امریکا و روابط ما با می‌دانم شوروی و روابط ما با اینها يك چیزی است که برای ما يك صلاحی دارد. این مثل رابطه بره با گُرگ است! رابطه بره با گُرگ، رابطه صلاحمندی برای بره نیست، اینها می‌خواهند از ما بدوشند، اینها نمی‌خواهند به ما چیزی بدهند. اینها اعلام می‌کنند که این دوا در آنجا قدغن! بپرید در شرق بفروشید! به حال ما چه فکری می‌کنند اینها؟ آن دوايي که آنجا قدغن است دوايي است که مضر است لابد تا قدغن کردند. اگر مضر نباشد که قدغن نمی‌کنند. این باید آنجا فروش برود!

صحیفه نور، ج ۱، ص: ۳۶۱

این که می‌بینید ملت ما بعد از بیست و شش سال «مرگ بر امریکا» را فراموش نمی‌کند، به خاطر این است که غفلت از توطئه‌ی استکبار جهانی همان، و اسیر توطئه شدن همان. در واقع «مرگ بر امریکا» بی‌کس مردم ما می‌گویند، مثل همان «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم» است که اول هر سوره‌ی قرآن قبل از «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» گفته می‌شود. استعاده‌ی به خدا از شیطان رجیم برای چیست؟ برای این است که انسان مؤمن یک لحظه حضور شیطان را فراموش نکند؛ یک لحظه از یاد نبرد که شیطان آماده‌ی حمله به او و انهدام حصار معنوی و ایمانی اوست. «مرگ بر امریکا» هم برای این است که ملت فراموش نکند سلطه‌گران جهانی منافع سرشاری که در این کشور داشته‌اند و دست آنها کوتاه شده، از یاد نبرده‌اند. آنها همیشه دنبال این هستند که همان منافع را باز در داخل این کشور برای خودشان تأمین کنند و به قیمت نابودی استعداد جوانان و آینده‌ی این کشور، بر ثروت و علم و فناوری خود بیفزایند. پس ملت ایران دیر شروع کرد؛ از انقلاب اسلامی شروع کرد.

امام خامنه‌ای حفظه الله ۲۴/۱۲/۱۳۸۳

مرکز ادبی

گرگ و میش

رابطه با آمریکا؛ آری یا نه؟ چرا؟

نگاهی گذرا به دشمنی‌های آمریکا با ایران
استادگی ملت ایران و اثرات آن
آیا قطع ارتباط با آمریکا؛ همیشگی است؟
رابطه با آمریکا در منطق وحی
شناخت استکبار و راه‌های مبارزه با آن
نگاهی به شعر مرگ بر آمریکا
نگاهی خواننده در باره‌ی تفسیر لانه‌ی جاسوسی
چهار ده نتیجه، پیام و اثر تفسیر لانه‌ی جاسوسی از زبان امام
داستان‌های خواننده و عبرت آموز
به ضمیمه‌ی مطالبی پیرامون تبعید حضرت امام و کابینتولاسیون؛
روز دانش آموز و واقعه‌ی طیس

محمد رحمتی شهرضا

پيشگفتار..... ۹

فصل اول: رابطه با آمريكا؛ آرى يا نه؟ چرا؟ / ۱۲

سياستِ خارجى؛ بايدها و نبايدها

- ۱۲..... انقلابِ اسلامى و تعامل با ديگر كشورها
- ۱۳..... نگاهى گذرا به دشمنى‌هاى آمريكا با ايران
- ۱۴..... قطع ارتباط با آمريكا؛ چرا و به چه دليل؟
- ۱۶..... ايستادگي ملتِ ايران و اثراتِ آن
- ۱۸..... از حق نگذرديم.....
- ۱۹..... آيا قطع ارتباط با آمريكا؛ هميشگى است؟
- ۲۰..... رابطه با آمريكا در منطقِ وحى.....
- ۲۰..... لزومِ مقابله و پرهيز از سازش با استكبار.....
- ۲۲..... شناختِ استكبار در لغت و اصطلاح.....
- ۲۴..... پيشينه‌ى استكبار.....
- ۲۵..... زمينه‌ها و عواملِ خودنماييِ استكبار.....
- ۲۵..... ۱. تكيه بر سرابِ ثروت و قدرتِ دنيوى.....
- ۲۷..... ۲. القاء فقر فرهنگى و وابستگى فكرى به ملت‌ها.....
- ۲۹..... ۳. توهمِ برترى در آفرينش.....
- ۲۹..... ۴. غفلت از قدرت نامحدود الهى.....
- ۳۰..... ويژگى‌هاى استكبار.....
- ۳۰..... استكبار مى خواهد محور باشد.....
- ۳۱..... تهديد و ايجادِ رعب از ابزارهاى استكبار.....
- ۳۱..... ظاهرِ اصلاح طلب و پُر قدرت.....
- ۳۲..... تطميعِ ملت‌ها.....
- ۳۲..... تبليغاتِ رنگين.....
- ۳۳..... منفعت طلبى.....
- ۳۴..... عقب نگه داشتن مستضعفان از رشد واقعى.....
- ۳۴..... اضطراب و ترس درونى.....
- ۳۵..... استكبار، روحِ سياست‌هاى آمريكايى.....
- ۳۵..... قلمرو گسترده‌ى خويِ استكبارى آمريكا.....



سرشناسه : رحمتى شهرضا، محمد، ۱۳۵۸ -
 عنوان و نام پديدآور : رابطه با آمريكا؛ آرى يا نه؟ چرا؟، محمد رحمتى شهرضا
 مشخصات نشر : قم: جوانان موفق، ۱۳۹۵.
 مشخصات ظاهرى : ۱۱۲ ص. رقى.
 ۴۰۰۰۰ ريال

وضعيت فهرست‌نويسى : فيبا
 يادداشت : كتابنامه به صورت زيرنويس.
 موضوع : آمريكا- انقلاب اسلامى- ارتباط- مذاكره
 رده بندى كنگره : ۹۶۳۰ ج ۳۹۶ / BP۱۱
 رده بندى ديويى : ۲۳۷/۰۲
 شماره كتابشناسى ملي : ۲۴۰۹۶۷۸



انتشارات جوانان موفق؛ مركز پخش متين قم
 قم، بلوار بسيج، بعد از كوچه‌ى ۲۳، پلاك ۲۱۳.
 ۰۹۱۲۷۴۹۶۵۷۰ - ۰۹۱۲۱۵۱۷۹۷۲ - ۳۲۹۴۰۷۱۹ - ۰۹۱۲۱۵۳۰۸۰۴
 شابك: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۸۵-۱۵-۴



گرگ و ميش
رابطه با آمريكا؛ آرى يا نه؟ چرا؟

محمد رحمتى شهرضا

انتشارات جوانان موفق

چاپ اول / ۱۳۹۵

۱۰۰۰ نسخه

بهاء: ۴۰۰۰ تومان

شابك: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۸۵-۱۵-۴





۳۶..... آمریکا به دنبال منافع سلطه طلبانه

۳۸..... استکبار اقتصادی

۴۰..... یک نکته‌ی مهم

۴۱..... جنگ افروزی آمریکا با هدف برتری در اقتصاد

۴۲..... استکبار سیاسی

۴۴..... نقش جنگ در استکبار سیاسی

۴۵..... روح استکباری در علم و فرهنگ

۴۷..... دانش‌های سلطه‌پذیری

۴۹..... دانش‌های سلطه‌گری

۵۱..... برخی از اصول مقابله و مقاومت پایدار

۵۱..... ایمان به تحقق وعده‌های الهی

۵۴..... صبر و پایداری

۵۵..... توجه به رهبری صالح و یاورانی صدیق

۵۶..... اتحاد و انسجام

۵۷..... عزم و اراده و تلاش

۵۷..... برخورد تهاجمی با استکبار

۵۸..... زنده نگهداشتن فرهنگ جهاد شهادت

۵۹..... پیشنهاد بازدید از بهشت زهرا

۶۰..... تحقیر و شکستن شکوه دروغین مستکبران

۶۱..... کسب استقلال

۶۲..... قاعده‌ی نفی سیل

۶۲..... عزت یا ذلت؟

۶۴..... اتخاذ ولی

۶۵..... سازش، همکاری و مشارکت با جنایتکار ممنوع است

۶۶..... آمریکا شیطان بزرگ

۶۷..... ارتباط با آمریکا از منظر عقل و تجربه

۶۷..... آمریکا راضی نمی‌شود!

۷۰..... استقلال ما چه می‌شود؟

۷۱..... مذاکره، عامل مخدوش شدن چهره‌ی نظام و ناامیدی علاقمندان

۷۲..... نیم قرن شرارت «برخی از اقدامات خصمانه‌ی آمریکا علیه ایران»

۷۴..... نگاهی به شعار مرگ بر آمریکا



۷۴..... شعار، تعیین موضع است

۷۴..... شعار، همان لعن است

۷۵..... شعار و روحیه به ملت‌های آزاده

۷۵..... آمریکا از این شعار می‌ترسد

۷۵..... حکم قرآن و شعار مرگ بر آمریکا

۷۷..... آثار حیات بخش شعار «مرگ بر آمریکا»

فصل دوم: ۱۳ آبان ۵۸؛ انقلاب دوم / ۷۹

نکاتی درباره‌ی تسخیر لانه‌ی جاسوسی

۷۹..... داستان تسخیر لانه‌ی جاسوسی

۸۱..... آیا تسخیر سفارت یک کشور در ابتدای انقلاب درست بود؟

۸۳..... امام و تسخیر سفارت آمریکا

۸۳..... بینش توحیدی و بت شکنی امام؛

۸۳..... تقابل در اوضاع بحرانی

۸۴..... استکبار ستیزی همیشگی ملت انقلابی و با بصیرت

۸۵..... چهارده نتیجه، پیام و اثر تسخیر لانه‌ی جاسوسی از زبان امام؛

۸۵..... چرا از زبان امام؟

۸۶..... کوتاه شدن دست شیطان بزرگ از ذخایر ایران

۸۶..... استیفای حق ملت ایران

۸۷..... برچیده شدن پایگاه اصلی توطئه علیه ملت

۸۷..... پاسخ کوبنده به قانون شکنی و تجاوز

۸۸..... اعتراض مردم انقلابی به حمایت آمریکا از شاه جنایتکار

۸۸..... لرزه به امنیت دولت‌های ستمگر

۸۸..... اعلام روحیه‌ی توحیدی-معنوی ملت ایران

۸۹..... بر هم زدن مانور تبلیغاتی رئیس جمهور آمریکا

۸۹..... فاش شدن نقش مخرب دیپلمات‌ها

۸۹..... شکستن هیبت پوشالی آمریکا

۹۰..... اعلان نقش ویژه و اراده‌ی ملت ایران در امور سیاسی

۹۰..... افشای نقض حقوق بین‌المللی از سوی مدعیان دروغگو

۹۱..... بی‌اثر شدن بزرگنمایی‌های دروغین

۹۱..... آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند

۹۱..... حُسن ختام و اتمام حجت

- ۹۳..... ذلت قبل از انقلاب
 - ۹۴..... عزت پس از انقلاب
 - ۹۴..... انقلاب کدام بساط را بر چید؟
 - ۹۵..... اعتراف اولین سفیر آمریکا به قدرت علما
 - ۹۶..... چطور ممکن است؟
 - ۹۷..... آری! حق با شماست...
 - ۹۹..... غیر از خودتان همه از آمریکا می ترسند!
 - ۹۹..... ما از آمریکا نمی ترسیم!
 - ۱۰۰..... بهشت یا جهنم؟
 - ۱۰۰..... خواستم دانشم در دست دشمن نباشد.
- اولین گام به سوی سرنوشت (۱۳/آبان/۴۲) / ۱۰۱**
- ۱۰۱..... کاپیتولاسیون چه بود؟
 - ۱۰۲..... از سخنرانی تا تبعید
 - ۱۰۴..... دو پیامد مهم کاپیتولاسیون
- گلوله... دانشگاه... خون... (۱۳/آبان/۵۷) / ۱۰۵**
- ۱۰۵..... داستان آن روز «روز دانش آموز».
- واقعه‌ی طیس؛ طوفان رسوایی و ذلت آمریکا / ۱۰۸**
- ۱۰۸..... «شکست حمله‌ی نظامی آمریکا به ایران در طیس».
 - ۱۰۹..... اوج حقارت آمریکائیان.
 - ۱۱۰..... سوالات مسابقه‌ی فرهنگی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



روز سیزدهم آبان ماه روز پُر حادثه‌ای در تاریخ ایران است که در خاطره‌ی ایرانیان هیچ‌گاه پیا ک نخواهد شد. به تقویم که نگاه کنیم خواهیم دید چند واقعه‌ی مهم در آن ثبت شده است. سه واقعه‌ای که در این کتاب به آن پرداخته‌ایم به این ترتیب است:

- ۱) تبعید حضرت امام علیه السلام در سال ۱۳۴۲، پس از سخنرانی علیه قرارداد ننگین کاپیتولاسیون که در واقع اولین جرقه‌ی تشکیل انقلاب اسلامی شد.
 - ۲) واقعه‌ی بعدی داستان تسخیر لانه‌ی جاسوسی آمریکا است ۱۳۵۸.
 - ۳) به شهادت رسیدن دانش آموز و دانش جویان انقلابی و معترض به سیاست‌های شاه و دولت در سال ۱۳۵۷.
- هر سه واقعه در یک امر مشترک اند...
- مبارزه با آمریکا به عنوان استکبار جهانی...
- از این رو، این روز، «روز ملی مبارزه با استکبار» نام گرفت.
- استکبار، نوعی فرهنگ است و ایدئولوژی است که از دیرباز در برابر حق ایستادگی کرده و جمعی را به خود مشغول نموده و امت‌هایی را هلاک و تمدن‌هایی را ویران کرده است و قطب غارتگری است که همواره زمینه



سقوط و انحطاط بشر را فراهم ساخته و می‌سازد. استکبار واژه نیست که تنها در چهارچوب لغت و یا اصطلاح خاص سیاسی اقتصادی مطرح شود، بلکه ریشه در عمق تاریخ دارد و در ادیان نقطه اوج قدرت باطل بیان شده است. اصل وقوع انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، برای رهایی از یوغ استکبار بود و حفظ آن و هم چنین تأمین اهداف و منافع کشور، ادامه این مبارزه را از همگی ما می‌طلبید. عمل به آموزه‌های دین مبین اسلام، حکم عقل، منطق و قانون اساسی است و ما را بر آن می‌دارد تا در جهت حفظ عزت، استقلال و رعایت منافع کشور خود و هم چنین دست یابی به پیشرفت و توسعه‌ی همه‌جانبه و دفاع از حقوق همه‌ی ستم‌دیدگان و مستضعفان جهان، مبارزه با استکبار جهانی را تا پیروزی نهایی ادامه دهیم. واضح است که منظور از مبارزه با استکبار، فقط مبارزه‌ی نظامی نیست؛ بلکه بیشترین تأکید بر مبارزه فرهنگی و تلاش برای بیداری و رشد سیاسی ملل مظلوم جهان است. حضرت امام علیه السلام می‌فرماید: «اگر ملتی بخواهد سر پای خود بایستد، لازم است که اوّل بیدار شود».

آمریکا هیچ‌وقت خدمتی به ایران نکرد و در عوض به منافع و منابع ارزشمند آن دستبرد زد و به تاراج برد. خوی استکباری و درنده‌بودن او سبب شد بعد از آن‌که رسوا و دستش از این دزدی کوتاه شد، دشمنی‌هایش را بیشتر کرد. در لباس خیرخواهی، سفارت کشورش را به محلی برای توطئه علیه ایران و جاسوسی تبدیل کرد. از جمله کارهای او چنین بود:

تماس با سرکردگان گروه‌های ضد انقلاب، ارتباط حمایتی با شبکه‌های کودتا و براندازی در داخل کشور و تأمین مالی گروهک‌های تروریستی که در غرب و جنوب ایران به انفجار لوله‌های نفتی یا ایجاد ناامنی و بی‌ثباتی در مناطق کردنشین مشغول بودند، از عملکردهای مأموران سیاسی فعال در

ساختمان سفارت امریکا بود. این حقایق در اسناد لانه جاسوسی نیز آمده است. برخی مسئولان بلندپای دولت کارتر، پس از شکست وی در انتخابات سال ۱۳۵۹ در خاطرات خود، به نقش نامطلوب و مخرب دستگاه حکومتی امریکا علیه ایران که از طریق سفارتخانه آن کشور در تهران هدایت می‌شد، اقرار کردند. سفارت امریکا در تهران، طی زمستان ۱۳۵۷ تا پاییز ۱۳۵۸ به مرکز فرماندهی عملیات جاسوسی و خراب‌کاری علیه نظام جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده بود، نظامی که عمر سیاسی آن به یک سال نمی‌رسید و مردم آن با چشم خود کودتای نظامی آمریکا در به سلطنت رسیدن محمدرضا را خوب به خاطر داشتند. در ۱۳ آبان صبر مردم لبریز شد و به سمت سفارت رفته و آن‌جا را اشغال کردند. به جهت اوضاع کنونی کشور که بحث برجام و مذاکره با آمریکا مطرح است، با نگاهی متفاوت به نحوی که جوانان عزیزمان بیشتر با ماهیت استکباری آمریکا آشنا شوند کتاب حاضر آماده شد... اگر این اثر، قابل باشد باعث افتخار خواهد بود که ثواب معنوی آن را تقدیم نمایم به: تمامی شهدای عزیزی که خون بابرکتشان سبب رسوایی خوی درندگی استعمارگران و در رأس آنان آمریکای جنایتکار شد... از خداوند متعال سپاسگزار تمامی نعماتش هستم، از خانواده‌ی عزیزم عذر تقصیر، و از شما خوانندگان محترم دعا مسألت دارم...

قم المقدسه؛ جوار بارگاه ملکوتی حضرت معصومه علیها السلام
کمترین؛ محمد رحمتی شهرضا
۹۵/۸/۷



فصل اول

●●● رابطه با آمریکا؛ آری یا نه؟ چرا؟

سیاست خارجی؛ بایدها و نبایدها

◀ انقلاب اسلامی و تعامل با دیگر کشورها

سیاست خارجی، خطّ مشی و روشی است که دولت‌ها در برخورد با امور و مسائل خارج از کشور برای حفظ حاکمیت و دفاع از موجودیت و منافع خود اتخاذ می‌کنند.

در عرصه روابط بین‌الملل، سیاست خارجی کشورها جایگاه ویژه و مهمی دارد. نظام‌های سیاسی می‌توانند با اتخاذ تصمیمات و سیاستگذاری‌ها منافع ملی خود را تبیین نمایند، ضمن اینکه سیاستهای مختلف، انعکاسی از خواستها و نیازهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی جامعه می‌باشند.

در هر کشور، اصول و مبانی و جهت‌گیری‌ها در سیاست خارجی از جمله مسائل درجه‌ی اول محسوب شده و با توجه به نوع حکومت و پیش و خواست مردم و حاکمان، متغیر و گوناگون است.

و اما آن سیاست خارجی که حکومت جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفت چه بود؟

انقلاب نوپای اسلامی در ایران که با خواست مردم، تحت رهبری فقیه جامع‌الشرائط به پیروزی رسید، بطور کلی بر اساس آموزه‌های اسلام عزیز قصد دخالت یا جنگ‌افروزی و لشگرکشی به هیچ کشوری را نداشته و در

اقدامات خویش خواهان صلح و آرامش و آسایش همه‌ی افراد بشر هستند. اما در عین حال همین انقلاب اسلامی به لحاظ ماهیتی و رسالت جهانی‌اش، دشمنی آشتی‌ناپذیر، در پیش رو دارد و آن ماهیت وجودی استکبار به رهبری آمریکا است و مبارزه با این دشمن اجتناب‌ناپذیر و از اهداف عمده و اصلی نظام اسلامی بوده و هست. امام مبارزه با این دشمن را نه تنها در کانون انقلاب یعنی جمهوری اسلامی ایران به نمایش گذاشت بلکه همه مسلمانان جهان و مستضعفین عالم را نیز برای مشارکت در آن، دعوت نمود و آن چه به عنوان شاهدهی زنده برای مسلمانان و مستضعفین جهان طرح می‌شود، تجربه پیروزی انقلاب اسلامی ایران بر نماد بارز استکبار جهانی، آمریکاست.

◀ نگاهی گذرا به دشمنی‌های آمریکا با ایران

بطور کلی سیاست خارجی قبل از انقلاب شکوهمند اسلامی با توجه به اوضاع فکری و اهداف حاکمان و تصمیم‌گیرندگان آن دوره، قابل تجزیه و تحلیل است. اما با توجه به موضوع خاص این کتاب، ناگزیریم بطور ویژه فقط درباره‌ی سیاست خارجی ایران با آمریکا آن هم پس از انقلاب شکوهمند اسلامی ایران صحبت کنیم.

برای ورود به بحث لازم است نگاهی به پیشینه‌ی رابطه‌ی ایران و آمریکا بپردازیم.

پس از جنگ جهانی دوم، ایالات متحده آمریکا که به سلاح‌های عمده اقتصادی و ملیتاریسم مسلح بود به عنوان یک قدرت جدید و برتر جهانی ظهور کرد.

خیلی سریع آمریکایی‌ها در صدد سیطره سیاسی بر سایر کشورها برآمدند.

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، و بازگرداندن شاه به تخت سلطنت، شکل‌گیری جدی این سیطره سیاسی آمریکا در ایران را رقم زد. در نقطه مقابل

مقاومت‌های بسیاری در برابر فزون خواهی آمریکا صورت گرفت مبارزات امام خمینی در اوایل دهه ۱۳۴۰ و اعتراض وی به کاپیتولاسیون و تبعید ایشان به ترکیه و مقاومت‌های گوناگون سیاسی، که هر کدام منطق ویژه‌ی خود را داشت.

از دیگر اقدامات خصمانه‌ی آمریکا در این دوران می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ۱- طرح کودتای نظامی
- ۲- به کارگیری اشراک
- ۳- طراحی کودتای سیاسی وریا کارانه
- ۴- طرح انهدام یا سرقت تجهیزات نظامی
- ۵- توطئه در تاخیر ورود رهبر انقلاب به میهن اسلامی و... مقاومت‌های مقابله با برتری طلبی و سلطه و زورگویی‌های آمریکا همزمان با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران به اوج خود رسید. انقلابی که با رهبری عالمی فقیه و اسلام شناس، ربّانی، نستوه و مجاهد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به ثمر نشست و در پی آن در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ به رسوایی چهره‌ی خبیث و توطئه گر آمریکا در اشغال سفارت آمریکا به دست دانشجویان پیرو خط امام انجامید. مدتی پس از این اقدام که بر مبنای ارزش‌ها و اصول اسلامی انقلاب ایران و مورد تأیید رهبر فرزانه‌ی آن صورت گرفت، آمریکا روابط سیاسی خود را با ایران قطع کرد. اما آمریکا که هیمنه‌ی خویش را شکسته می‌دید و منافعش به خطر افتاده بود، افول و زوال خویش را به روشنی دید. از این رو به شدت هر کار که می‌توانست علیه ایران انجام داد و با هدف نابودی و شکست انقلابی که بر اساس ارزش‌های اسلامی و انسانی بنا شده بود، از هیچ‌گونه اقدامی دریغ نکرد که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

◀ قطع ارتباط با آمریکا؛ چرا و به چه دلیل؟

پاسخ به دو سؤال مهم که شاید در ذهن خیلی‌ها جا خوش کرده باشد به نظرم ضروری است....

اولین سؤال اساسی و مهم آن است که عامل اصلی و سرچشمه‌ی این قطع ارتباط با آمریکا چه بود؟ اصولاً چرا در ابتدای انقلاب که اوضاع بحرانی در کشور حا کم است و سایه‌ی جنگ و کودتا نیز بر این نهضت نوپا به شدت سنگینی می‌کند، باید با آمریکایی که بالاخره ساکت نخواهد ماند، قطع ارتباط کنیم و بهانه به دست دشمنی کینه‌توز دهیم؟

پاسخ این سؤال بطور خلاصه آن است که:

- ۱) ملت ایران بر اساس اعتقادات خویش و دستور دین و مکتب اسلام در مقابل زیاده خواهان و منفعت طلبان و ظلم و ستم ساکت و بی تفاوت نیستند.
- ۲) به ملت ظلم ستیز و آزاده‌ی ایران ثابت شد که آمریکا مظهر استکبار و فرعونیت و دشمنی و جاسوسی است و دولت طاغوتی و بی‌کفایت طاغوت، تسلیم محض این ستمگران بوده به نحوی که تمام منابع مالی و حتی انسانی خویش را با خود باختگی و ذلت تمام، تقدیم این دولت زورگو نموده است. نتیجه این است که ملت ایران دست در دست هم و یکصدا به دنبال کوچکترین فرصت است که بغض فروخورده‌ی تاریخی خویش را تحت هدایت و رهبری شخصی جامع الشرائط و استکبار ستیز و مدافع مظلوم و... همچون امام راحل علیه السلام باز نماید.

این فرصت پس از صبر و تحمل و مجاهدت‌های همه‌ی اقشار و مطابق راه و رسم مکتب عزیز اسلام، پس از سخنرانی کوبنده و افشاگری امام علیه السلام علیه کاپیتولاسیون در سال ۱۳۴۲ شروع شده و بالاخره در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ به ثمر می‌نشیند. این پیروزی سبب می‌شود که نیروهای انقلابی - که همان عموم مردم بودند نه حزب و گروهی خاص - بلافاصله تکلیف خویش را نسبت به دشمن دیرینه‌ی خویش که آمریکا باشد، مشخص نمایند تا طعم

شیرین این پیروزی که مهم‌ترین ثمره‌ی آن قطع وابستگی همه جانبه به دیگران و کسب استقلال و عزت از دست رفته بود، با اقدامات خصمانه‌ی دشمنان در قالب جاسوسی و کودتا و... تلخ نشود. از این رو فردای پیروزی برای تسخیر سفارت‌خانه‌ی آمریکا اقدام می‌نمایند که به دلایل و مصالحی به ثمر نمی‌نشیند. بالاخره در روز ۱۳ آبان ماه سال ۵۸ با حرکت کاملاً خود جوش دانشجویان در خط امام علیه‌السلام، این لانه‌ی جاسوسی که مکانی جهت توطئه علیه ملت ایران با کشف اسناد بسیار زیادی برچیده می‌شود. دانشجویان با اتکاء به خواست و نیروی عظیم انقلابی مردم همچون سیلی خروشان بنیان استکبار را لرزاندند.

◀ ایستادگی ملت ایران و اثرات آن

ملت نجیب ایران از همان روز تا کنون در مقابل تمام توطئه‌ها و دشمنی‌های آمریکا قهرمانانه و با عزت ایستاد و برای ملت‌های دیگر نیز الگو شد.

آری! عمده‌ی این جنایات و تحریم‌ها و توطئه‌ها و نقشه‌ها به لطف خداوند متعال و به برکت خون شهداء و صبر مثال زدن ملت ایران و مجاهدت‌های فراوان همه‌ی اقشار ملت، با رهبری داهیانه‌ی امام راحل و مقام معظم رهبری مدیریت شد و تأثیر مخرب‌ی در نیل به اهداف ارزشی ملت عزیز ایران نداشته است. بر عکس سختی‌ها انسان‌ها را ورزیده می‌کند و او را در راه خویش ثابت قدم نگه می‌دارد.

ملت ایران به خوبی می‌داند ارتباط با آمریکا منفعت و رهاورد عجیب و غریبی برای او به ارمغان نخواهد آورد. امام راحل علیه‌السلام به زیبایی فرمودند: «اگر کارتر در عمر خود یک کار کرده باشد که بتوان گفت به خیر و صلاح مظلوم است، همین قطع رابطه است.»^۱

۱. صحیفه نور ۱۲: ۴.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار فرماندهان سپاه فرمودند: «مذاکره‌ی با آمریکا ممنوع است به خاطر ضررهای بی‌شماری که دارد و منفعتی که اصلاً ندارد.»^۱

البته این نکته ناگفته نماند که طبیعتاً دشمنی‌ها و تحریم‌ها برای ملت ما شیرین یا کاملاً بی‌اثر هم نبوده است. ایران از اقدامات خصمانه و دشمنی‌های آمریکا ضررهای فراوانی دیده است که همگی دلیل بر نامردی و بی‌اخلاقی آنان است. امام راحل علیه‌السلام با اشاره به این معنا که آمریکا علاوه بر زیر پا گذاشتن قوانین بین‌المللی، اصول اولیه‌ی انسانی را نیز در این سال‌ها رعایت نکرده است، می‌فرماید: «شرافتی نیست رابطه داشتن با امثال آمریکا، دولت آمریکا یک شرافت انسانی مع‌الاسف الان ندارد که ما بخواهیم به واسطه آن شرافت انسانی‌اش با آن رابطه داشته باشیم...»^۲

و در جایی دیگر هم از ایشان چنین نقل شده: «نظام آمریکا که امروز برای تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی ایران به انواع و اقسام روشهای خباثت‌آمیز و شیطانی توسل جسته است، یک نظام ضد اخلاقی است.»^۳

با نگاهی به اقدامات آمریکا در سال‌های بحرانی انقلاب از جاسوسی تا تلاش جهت دخالت در به دست گرفتن امور داخلی کشور با کودتای نظامی معروف به نوژه (پادگان نظامی واقع در نزدیکی همدان به نام شهید نوژه) یا واقعه‌ی طبس و برپا کردن آتش جنگ و کمک به دشمن ما گرفته... تا کمک و پشتیبانی به مغرضان و معاندان در جهت به آشوب کشیدن اوضاع داخلی ایران در وقایعی همچون انتخابات ۸۸ و... همه و همه ملت ایران و همه‌ی زخم خورده‌های از آمریکا را در بغض و فریاد و اقدام علیه او ثابت قدم،

۱. بیانات معظم له مورخ ۹۲/۴/۱۸.

۲. صحیفه نور ۱۱: ۳۵.

۳. مقام معظم رهبری، آیه‌الله خامنه‌ای «مدظله العالی».

متحد و یکپارچه کرده و سبب رسوایی مفتضحانه‌ی آمریکا در تمام عالم و جرأت بخشیدن به دیگر مظلومان تحت سیطره‌ی آمریکا شده است.

امیدواریم نتیجه‌ی این اقدامات به ناپودی این دشمن همیشگی شود.

◀ از حق نگذریم...

از انصاف به دور است به این نکته اشاره نکنیم که کمک‌های آمریکا به دشمنان ما، ایجاد موانع بسیار در راه پیشرفت علمی و اقتصادی، قطعنامه‌های رنگارنگ، ترورها، زندان‌ها، پرونده‌سازی‌ها، بلوکه کردن پول‌ها و تحریم‌های بسیار بانکی و دارویی و ... همه و همه تبعات ناگواری نیز برای ملت ایران با خود آورده است که از خاطره‌ها پا ک نخواهد شد و در عین حال تجربه‌ای گرانقدر برای آیندگان خواهد شد. اشک و آه و بغض فروخته‌ی پدر و مادری که گاهی جنازه‌ی فرزند شهیدش را ندید، یا دختر و پسری که هنوز با خاطره‌ی آخرین دیدار پدر شهیدش با گریه سر بر بالشت می‌گذارد، جامعه‌ی دانشگاهی که به سادگی بزرگانی همچون شهدای عزیز هسته‌ای را به خود نخواهد دید... و صدها مسئله‌ی دیگر را مگر فراموش کرده‌ایم که عده‌ای از مذاکره حرف می‌زنند؟ عجیب است که عده‌ای بر مهربانی و منفعت‌رسانی از این گرگ بی‌رحم، دل خوش کرده‌اند!... بگذریم...

باز هم با افتخار می‌گوییم که بی‌خبران بدانند که این دشمنی‌ها برای آمریکایی‌ها ثمره‌ای نداشته که به التماس مذاکره تن داده‌اند.

غافلان نمی‌دانند اگر امکان حمله‌ی نظامی برای آمریکا بود، شک نکنید دریغ نمی‌کرد! عراق و افغانستان را یادشان رفته؟ کسی نمی‌تواند منکر این حقیقت شود که رهاورد دشمنی‌های بی‌شمار آمریکا در این سال‌ها نتیجه‌اش رسوایی بیشتر آمریکا و همدست اصلی آن اسرائیل جنایتکار بوده و مهم‌تر از آن بیدار شدن ملت‌ها در جای جای دنیا از خواب غفلت تسلیم و ذلت در برابر فرعون و یزیدهای زمان است که امیدواریم همگی این‌ها زمینه‌ساز و

نشانه‌ای بر پایان انتظار بشر برای زندگی شیرین و سعادت‌مند تحت رهبری امامی معصوم باشد. نجات بخشی که طبق وعده‌ی الهی بر پا کننده‌ی عدالت در سراسر عالم است و زمین را از لوٹ ستمگران پاک خواهد نمود.

با همین بیان بصورت اجمالی و در ادامه بصورت مفصل‌تر به روشنی واضح است که آمریکا در این حرکت موضوعیت خاصی ندارد. هر کشوری که همچون آمریکا سیاست‌های استکباری را دنبال کند و قصد جاسوسی، توطئه و دخالت در راستای زیاده‌خواهی و سلطه داشته باشد عاقبتی چنین خواهد داشت.

◀ آیا قطع ارتباط با آمریکا؛ همیشگی است؟

و اما سؤال دوم آن است که آیا این قطع ارتباط، هیچ وقت به پایان نخواهد رسید؟ عده‌ای می‌گویند اکنون سه دهه از آن روزها گذشته و ایستادگی بی‌نظیر ملت ایران، آمریکا را معترف به پذیرش قدرت همه جانبه‌ی ایران و ضعف خود در رویارویی خصمانه یا برچیدن نظام‌ها کم نموده است. آمریکا لبخند می‌زند و ناچاراً دست‌های تسلیم را بالا برده و حاضر به مذاکره می‌شود. آیا نباید از این فرصت تاریخی استفاده کرد؟

پاسخ به این سؤال هم در خطوط سابق بیان شده است. آری! اختلاف ما با آمریکا به مبنای اعتقادی ما بر می‌گردد. تا وقتی سیاست و روحیه‌ی استکباری و سلطه‌جویانه‌ی آمریکا تغییر نیابد، این ارتباط صورت نخواهد گرفت. در ادامه بیشتر به این مطلب می‌پردازیم....

نکته پایانی آن که در این بخش بر آنیم که بر اساس شا کله‌ای که عرض شد، اولاً بفهمیم که تکلیف هر مسلمان و همچنین حکومت اسلامی در مقابل ظلم و ستم و زورگویی زیاده‌خواهان و در یک کلام استکبار چیست؟ این مطلب را با آیات و روایات بیان خواهیم کرد.

ثانیاً با بیان مصادیقی روشن، ثابت کنیم که نوع رفتار ما با آمریکا فقط و

فقط بر اساس سیاست‌های منفعت‌جویانه، مستکبرانه، نادرست و تحقیر آمیز آنان بوده است که استقلال مردم در تعیین سرنوشت خویش را قبول ندارند و ایران را همیشه وابسته و تحت نظر خویش می‌خواهند. بدیهی است با تغییر اساسی رفتار آنان، امکان برقراری ارتباط بر اساس احترام متقابل و حفظ حقوق طرفین و... دور از دسترس نیست.

رابطه با آمریکا در منطق وحی



لزوم مقابله و پرهیز از سازش با استکبار



هر فرد مسلمان و هر دولت اسلامی، بر اساس منطق و آموزه‌های دینی، موظف به مقابله با ظلم و استکبار جهانی است.

در آیات و روایات متعددی، مستضعفین، یعنی کسانی که مورد ظلم و تهاجم استکبار قرار گرفته‌اند، موظف به دفاع و مقابله با مستکبرین شده‌اند. قرآن کسانی را که در راه حمایت از مستضعفین کوتاهی و سستی می‌کنند، مورد مؤاخذه قرار می‌دهد.

پُر واضح است در جایی که امکان مقابله نیست، سازش هم معنا ندارد. به عنوان نمونه:

﴿مَلْعُونِينَ أَيْمَانُهُمْ أَجْذُوا وَقَتْلُوا تَقْتِيلًا * سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾^۱

ملعونین را هر کجا یافتید، با جدیت در نابودی آنها همت گمارید. این سنت و قانون الهی است که در امم پیشین بوده و در آینده نیز دگرگون نخواهد شد. آیه‌ی قبل از این آیات در مورد کسانی است که وقتی سخن می‌گویند، چنان زیبا سخن می‌رانند و شعار می‌دهند که انسان را به شگفتی می‌آورند، ولی در عمل، به جای رعایت حقوق بشر و مبارزه با تروریسم و غیره، پشتناز

۱. سوره‌ی مبارکه‌ی احزاب، آیه‌ی ۶۱-۶۰.

ظلم و فساد هستند.

در سوره‌ی توبه نیز آنگاه که از دشمنان مسلمین سخن می‌گوید، کسانی که رسول اکرم ﷺ و مسلمانان را از سرزمین خود اخراج می‌کنند و از خونریزی و خیانت ابایی ندارند، می‌فرماید:

﴿أَلَا تَقَاتِلُونَ... أَ تَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ^۱

آیا آنها را نمی‌کشید... از آنها می‌ترسید؟ خداوند برای ترسیدن سزاوارتر است؛ اگر ایمان داشته باشید.

مستکبر از دیدگاه قرآن تمام ابزار تخریب و تغییر سنت‌های الهی را بر پایه فریب و گسترش فرهنگ دورویی و فریبکاری به کار می‌گیرد؛ و تمامی راه‌های تکاملی را بسته و موانع رشد را فراهم می‌آورد. در روایتی می‌خوانیم:

«الإمام الحسين عليه السلام في تعبير الحياة تحت نير الظلم والاستسلام، وتشجيع النفوس على بذل الدم لخلاص الجماهير:... ألا ترون أن الحق لا يعمل به، وأن الباطل لا ينتهي عنه، ليرغب المؤمن في لقاء الله محققاً، فإني لأرى الموت إلاً سعادة، و لا الحياة مع الظالمين إلا برماً»^۲

امام حسین علیه السلام در نکوهش زندگی در زیر یوغ ستم و تسلیم پذیری، و تشجیع مردمان به فداکاری در راه‌هایی توده‌ها... آیاتی بیندک به حق عمل نمی‌کنند و از باطل باز نمی‌ایستند؟ باید انسان معتقد طردار حق، دل به لقاء الله بندد (و برآستی آماده شهادت شود): زیرا که من مرگ را چیزی جز خوشبختی، و زندگی با ستمگران را چیزی جز مایه دلتنگی نمی‌بینم.»

ملت آزاده و خداجوی ایران، اقدامات خصمانه‌ی همه جانبه‌ی آمریکا - از جنگ تا تحریم و... - علیه ایران را خیلی خوب به خاطر دارد. اقداماتی همچون کودتای ۲۸ مرداد، فعالیت‌های جاسوسی^۳ سفارت آمریکا، سقوط

۱- توبه / ۱۳.

۲. تحف العقول: ۱۷۶.

۳- روزها و رویدادها، تهیه و تنظیم از مرکز فرهنگی نور ولایت، انتشارات پیام مهدی (عج)، چاپ چهارم.



هواییمای مسافریری و غیره، مُشتی از خروارها جنایت!

رفتارهای بی‌شمارِ آمریکا سبب شده ملتِ ایران او را در رأس استکبارِ جهانی بداند و در رأس اقداماتِ خویش، به دنبالِ مبارزه و مقابله با آن باشد. با این مقدمه لازم است ابتدا با مفصل‌تر و دقیق‌تر مفهوم استکبار آشنا شده و ببینیم رهنمودِ قرآنِ کریم در این باره چیست. در مرحله‌ی بعد نسبت به مواردِ دیگر مفصل‌تر مواردی از اثباتِ روحِ استکبار در رفتارِ آمریکا بیان خواهیم نمود.

◀ شناختِ استکبار در لغت و اصطلاح

لغتِ استکبار از ریشه «ک ب ر» و به معنای برتری خواهی، امتناع از پذیرش حق از روی عناد و تکبر است؛ استکبار باعث می‌شود انسان اظهار بزرگی کند و آن چه را که از آن او نیست و برای او روا نیست، ابراز دارد....

اما در اصطلاح، این لغت بیش‌تر به سلطه جویی، استعمار و استثمار معنا می‌شود. این واژه با مشتقات آن، ۴۸ بار در قرآن کریم آمده است. ۴ مورد آن به استکبار ابلیس و بقیّه به استکبار انسان اشاره دارد. ماده «عُتُو» و برخی مشتقات آن نیز در قرآن کریم به معنای استکبار است.

استکبار از دیدگاه فرهنگ سیاسی اسلام، وجود نوعی سلطه‌گری، سلطه جویی، استعمار و بهره‌کشی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی توسط اقلیت محدودی زورگو و نفع طلب بر خیل عظیم توده‌های محروم می‌باشد. این عمل، می‌تواند داخلی باشد؛ به همان طریق که یک عده دیکتاتور و زورگو بر ملت‌های محروم تحت سلطه‌ی خود حاکمیت داشته، آنها را تحت فشار و ظلم قرار دهند و هم چنین می‌تواند بین‌المللی باشد؛ بدین معنی که دولت و یا کشوری، سایر ملت‌ها را استثمار و به استضعاف بکشاند که نمونه‌ی بارز آن اعمال سیاست‌های استعمارگونه و امپریالیستی قدرت‌های بزرگ شرق و

غرب در جهان می‌باشد.^۱

مستکبر از دیدگاه قرآن تمام ابزار تخریب و تغییر سنت‌های الهی را بر پایه فریب و گسترش فرهنگ دورویی و فریبکاری به کار می‌گیرد؛ و تمامی راه‌های تکاملی را بسته و موانع رشد را فراهم می‌آورد.

امروزه در فرهنگ سیاسی دنیا، واژگانی نظیر «استعمار» و «امپریالیسم» نیز در رساندن مفهوم فوق به کار می‌روند.

بنابر تعریف فوق، استکبار، وصفی درونی است که لوازم و مظاهر مختلفی را می‌تواند در جامعه داشته باشد. خود بزرگ‌بینی و نشناختن حد خود در مقابل خداوند و مردم - و به استضعاف کشیدن آنها - از اوصاف درونی هستند که شخص مستکبر به واسطه‌ی آنها موضع‌گیری‌های خویش را تنظیم می‌کند؛ همان‌گونه که در قرآن، درباره‌ی نافرمانی ابلیس چنین آمده است: ﴿أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكٰفِرِیْنَ﴾^۲

در اصطلاح علوم اسلامی، استکبار همواره با واژه‌هایی نظیر «ظلم» و «طاغوت» همراه است.

در منطق قرآن، بدترین اقسام استکبار، نداشتن تمکین و تواضع در برابر فرمان خداوند و انبیای الهی است و در آیاتی به این نوع استکبار اشاره می‌کند؛ از جمله:

﴿وَأَمَّا الَّذِیْنَ كَفَرُوا فَلَمْ تَكُنْ ءِیْتِی تُلِّیْ عَلَیْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِیْنَ﴾^۳

اما کسانی که کافر شدند [به آنها گفته می‌شود]: مگر آیات من بر شما خوانده نمی‌شد و شما استکبار کردید و قوم مجرمی بودید؟!

این آیه، بیان‌کننده نپذیرفتن آیات و دستورات الهی از سوی کافران است.

۱. منوچهر محمدی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نشر دادگستر: ۳۳.

۲. سوره‌ی مبارکه‌ی بقره، آیه‌ی ۳۴.

۳. سوره‌ی مبارکه‌ی جائیه، آیه‌ی ۳۱.



همچنین در آیه‌ی دیگری می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَ قَفَيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَ أَيْدِنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ﴾^۱

ما به موسی کتاب (تورات) دادیم و بعد از او، پیامبرانی پشت سر هم فرستادیم و به عیسی بن مریم دلایل روشن دادیم و او را به وسیله روح القدس تأیید کردیم. آیا چنین نیست که هر زمان، پیامبری، چیزی بر خلاف هوای نفس شما آورد، در برابر او تکبر کردید (و از ایمان آوردن به او خودداری نمودید) پس عده‌ای را تکذیب کرده، و جمعی را به قتل رساندید؟!

این آیه، سرپیچی امت‌ها را از بعضی فرمان‌های الهی که پیامبران از جانب خداوند آورده‌اند و مطابق میل آنان نیست و همچنین تکذیب برخی پیامبران و قتل برخی دیگر را به دست مستکبران، بیان می‌کند.

استکبار، چون در بردارنده‌ی مفاهیم خودبزرگ بینی، فخر فروشی و برتری طلبی است، به طور کلی، خلقی ناپسند و صفتی مذموم است؛ برخلاف استضعاف که لزوماً بیان‌کننده‌ی وصفی مذموم یا ممدوح در شخص مستضعف نیست.

➤ پیشنهادی استکبار

از آیات قرآنی این‌گونه به دست می‌آید که استکبار، به زمان‌های بسیار دور باز می‌گردد. در واقع، پیشنهادی این مسئله را باید در آغاز زندگی اجتماعی انسان پی گرفت؛ حتی می‌توان گفت از هنگامی که بشر بوده، استکبار هم وجود داشته است.

به دیگر سخن، از روزی که شیطان از اطاعت امر الهی در سجده بر آدم سر

۱. سوره‌ی مبارکه‌ی بقره، آیه‌ی ۸۷.

پیچید و کبر ورزید، استکبار شکل گرفت و از آن زمان که سوگند خورد تا بشر را گمراه کند، استکبار، وارد عرصه عمل شد.

بدین سبب حضرت امیرمؤمنان (علیه السلام) در خطبه‌ی قاصعه، ابلیس را پیشکشوت و سر سلسله‌ی مستکبران معرفی می‌کند؛ چرا که او نخستین فردی بود که در مخالفت با حق و تسلیم نشدن در برابر کامل‌تر بودن آدم از او، گام برداشت.

➤ زمینه‌ها و عوامل خودنمایی استکبار

این حالت، غالباً برای کسانی پیش می‌آید که دارای موقعیت برتری از لحاظ مالی، اجتماعی، سیاسی، علمی و ... باشند؛ از این رو در طول تاریخ، شاهدیم، که انسان‌ها یا کشورهایی که به برتری‌های مختلفی می‌رسند، غالباً با رفتارهای مستکبرانه، به چپاول و تحت فرمان قرار دادن انسان‌ها و کشورهای دیگر روی می‌آورند. در قرآن، زمینه‌ها و عوامل متعددی برای ایجاد استکبار در فرد یا گروهی خاص بیان شده است.

دانستن این عوامل از این جهت بسیار مهم و ضروری است که در این دام گرفتار نشویم. هم عامل و طرفدار استکبار نباشیم و هم مرعوب مستکبرین! دقت کنید. به برخی از آنها در ادامه اشاره می‌کنیم:

۱. تکیه بر سراب ثروت و قدرت دنیوی

انسان مؤمن با نگرش توحیدی خویش ثروت و قدرت خویش را از خدا می‌داند و طبق مشی انسانی و اسلامی و مورد رضایت خداوند بکار می‌گیرد و مهمتر آن‌که مؤمنین واقعی مرعوب ثروت و قدرت به اصطلاح ابرقدرت‌های عالم نخواهد بود. اما چنانچه همین ثروت و قدرت با بی‌ایمانی همراه گردد، زمینه ساز استکبار است. در قرآن درباره‌ی ریشه‌ی استکبار فرعون چنین آمده است:

﴿وَنَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ

أَلَا نَهْرٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ^۱

و فرعون در میان قوم خود ندا داد و گفت: ای قوم من! آیا حکومت مصر از آن من نیست و این نهرها از زیر [کاخ] من جاری نیست؟ آیا مشاهده نمی کنید.

بر اساس این آیه، ثروت و قدرت عامل استکبار فرعون گردیده است. انسان کم ظرفیت و فاقد شخصیت، هنگامی که همه چیز بر وفق مراد او بشود، دچار غرور می شود و طغیان و سرکشی را آغاز می کند که نخستین مرحله اش، مرحله برتری جویی و استکبار بر دیگران است.

همچنین درباره ی قارون می فرماید:

﴿إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ﴾^۲

قارون از قوم موسی بود؛ اما بر آنها ستم و ظلم کرد.

علت این بغی و ظلم آن بود که ثروت سرشاری به دست آورده بود، و چون ظرفیت کافی و ایمان قوی نداشت، این ثروت فراوان، او را فریب داد و به انحراف و استکبار کشانید.

قرآن در مورد قوم عاد می فرماید:

﴿فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ﴾^۳

اما قوم عاد به ناحق در زمین تکبر ورزیدند و گفتند: چه کسی از ما نیرومندتر است؟! آیا نمی دانستند خداوندی که آنان را آفریده است از آنها قوی تر است؟ و [به سبب این پندار] پیوسته آیات ما را انکار می کردند.

۱. سوره مبارکه ی زخرف، آیه ۵۱.

۲. سوره مبارکه ی قصص، آیه ۷۶.

۳. سوره مبارکه ی فصلت، آیه ۱۵.

قوم عاد در جنوب جزیره العرب زندگی می کردند. آنان از نظر قدرت جسمانی، تمکن مالی و تمدن مادی کم نظیر بودند و قصرهای زیبا و قلعه های محکم می ساختند؛ به ویژه بر مکان های مرتفع، بناهایی بر پا می کردند که نشانه ی قدرت و وسیله ی خودنمایی بود. آن ها مردمانی خشن و جنگجو بودند و این قدرت ظاهری، آنها را سخت مغرور کرده بود؛ چنان که خود را جمعیتی شکست ناپذیر و برتر از همه می پنداشتند و به همین دلیل در برابر خدا و پیامبرشان هود به طغیان، سرکشی، تکذیب و انکار برخاستند.

۲. القاء فقر فرهنگی و وابستگی فکری به ملت ها

گاهی افزون بر استعمارگران، خود مستضعفان نیز در تقویت استکبار نقش دارند و به تبلیغات، دسیسه ها و تهاجم فرهنگی مستکبران پاسخ مثبت می دهند و از آنها پیروی می کنند:

﴿فَقَالَ الْأَضْعَفُونَ لِّلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا﴾^۱

ضعیفان به مستکبران می گویند: ما پیرو شما بودیم...»

آیات ۳۱ تا ۳۳ سوره ی مبارکه ی سبأ و ۲۱ ابراهیم حاکی از دسیسه های شبانه روزی مستکبران برای القای اندیشه های خود به مستضعفان و تشویق آنان به پیروی از خود و همچنین بیان کننده پیروی مستضعفان از آنان به سبب ضعف فرهنگی است که در اغلب موارد با ضعف اقتصادی و نظامی نیز توأم است.

استضعافی که این گونه ایجاد شده است، دست کمی از استکبار ندارد و چنین مستضعفانی در گمراهی و عذاب اخروی با مستکبران همراه و همگامند:

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَا نَرَىٰ اِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْجَعُ بَعْضُهُمْ اِلَىٰ بَعْضِ الْقَوْلِ

۱. سوره ی مبارکه ی ابراهیم، آیه ۲۱.



يَقُولُ الَّذِينَ اسْتَضَعُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ * قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتَضَعُوا أَنْحُنُ صَدَدْنَكُمْ عَنِ الْهُدَىٰ بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ * وَقَالَ الَّذِينَ اسْتَضَعُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ الْأَيْلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَندَادًا وَأَسْرُوا اللَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْأَعْلَلَ فِي أَغْصَانِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١﴾... و اگر بینی هنگامی که این ستمگران در پیشگاه پروردگارشان [برای حساب و جزا] نگه داشته شده اند، در حالی که هر کدام گناه خود را به گردن دیگری می‌اندازد [از وضع آنها تعجب می‌کنی] مستضعفان به مستکبران می‌گویند: اگر شما نبودید ما مؤمن بودیم. مستکبران به مستضعفان پاسخ می‌دهند: آیا ما شما را از هدایت بازداشتیم بعد از آنکه به سراغ شما آمد [و آن را به خوبی دریافتید] بلکه شما خود مجرم بودید. و مستضعفان به مستکبران می‌گویند: وسوسه‌های فریبکارانه شما در شب و روز [مایه گمراهی ما شد] هنگامی که به ما دستور می‌دادید که به خداوند کافر شویم و همتایانی برای او قرار دهیم. و آنان هنگامی که عذاب را می‌بینند پشیمانی خود را پنهان می‌کنند [تا بیش‌تر رسوا نشوند] و ما غل و زنجیر در گردن کافران می‌نهم؛ آیا جز آنچه عمل می‌کردند به آنها جزا داده می‌شود؟!»

در این آیات، مستضعفان در قیامت با خطاب به مستکبران، آنان را سبب بی‌ایمانی خود می‌دانند و می‌گویند: «شما با دسیسه‌های شبانه روزی، ما را به کفر به خداوند و ادا کردن کردید.» مستکبران در قالب استفهام انکاری پاسخ می‌دهند: «آیا ما راه هدایت را بر شما بسته بودیم؟ این چنین نیست؛ بلکه شما خود مجرم و گناهکارید.» همچنین آیات فوق به پشیمانی و عذاب اخروی

۱. سوره مبارکه ص، آیه ۳۳-۳۱.

مستکبران و مستضعفان، هر دو، اشاره دارد.

۳. توهم برتری در آفرینش

اعتقاد به برتری در خلقت نیز از عوامل ایجاد استکبار است. این خصلت شیطانی که اولین بار، ابلیس، آن را مطرح کرده منشأ بسیاری از فسادها و ظلم‌های بشر شده است که می‌توان آن را ریشه نژادپرستی‌ها و برتری‌های کاذب در روح سیاست‌های آمریکا دانست؛ چنان که در قرآن، عامل استکبار شیطان این گونه بیان می‌شود:

﴿قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي أَسْتَكْبِرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ * قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ﴾^۱

[خداوند به ابلیس] فرمود: [وقتی که من به سجده فرمانت دادم،] چه چیز تو را از سجده کردن بر آن چیزی که من خلق کردم باز داشت؟ آیا استکبار ورزیدی یا از بزرگان بودی. [شیطان] گفت: من از او بهترم، مرا از آتش و او را از گل آفریدی.

۴. غفلت از قدرت نامحدود الهی

دیگر عامل برتری طلبی را می‌توان غفلت از قدرت برتر الهی دانست؛ چنان که یکی از عوامل کفر و طغیان در قوم عاد در قرآن، همین عامل است:

﴿فَأَمَّا عَادُ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ﴾^۲

پس قوم عاد به ناحق در زمین، تکبر ورزیدند و گفتند: «کیست که از ما قدرتمندتر باشد؟ آیا ندیدند همان خداوندی که آنان را آفرید، قوی‌تر از آنهاست؟ و پیوسته به آیات ما کفر می‌ورزیدند.

همچنین، قرآن، علت استکبار قارون را غفلت از قدرت خداوند دانسته

۱. سوره مبارکه ص، آیه ۷۶-۷۵.

۲. سوره مبارکه فصلت، آیه ۱۵.



است:

﴿... أَوْ لَمْ يَعْلَمِ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَ أَكْثَرُ جَمْعًا...﴾^۱؛

... آیا او نمی دانست که خداوند، قبل از او از میان نسلها، کسانی را که از

او نیرومندتر و مال اندوزتر بودند، هلاک کرده است؟ ...

◀ ویژگی های استکبار

استکبار می خواهد محور باشد...

در طول تاریخ، افراد مغرور و متکبری بوده اند که خودشان را محور و

مرکز همه چیز می پنداشتند، مثل فرعون که می گفت:

﴿مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي﴾^۲

من جز خودم برای شما معبودی سراغ ندارم.

و هنگامی که ساحران به موسی ایمان آوردند گفت:

﴿قَالَ فِرْعَوْنُ ءَأَمْنَتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ ءَاذَنَ لَكُمْ﴾^۳

آیا بدون اجازه ی من به موسی ایمان آورده اید.

فرعون توقع دارد که هیچ کس بدون اجازه او، هیچ عقیده و هویت و شخصیتی نداشته باشد. امروز نیز فرعونها و ابرقدرتهایی هستند که می خواهند خود را محور سیاست و اقتصاد جهان بدانند که مصداق کامل آن را در رفتار آمریکا با ایران می توان دید.

دلیل مهم این کار نیز واضح است. دست یابی به امکانات موجود در سراسر جهان، کسب سلطه ی جهانی و تصاحب ذخایر ملت های دیگر و به جنگ در آوردن شریان حیات اقتصادی جهان را می توان سرچشمه ی این ویژگی دانست.

۱. سوره ی مبارکه ی قصص، آیه ی ۷۸.

۲. سوره ی مبارکه ی قصص، آیه ی ۳۸.

۳. سوره ی مبارکه ی اعراف، آیه ی ۱۲۳.

تهدید و ایجاد رعب از ابزارهای استکبار

یکی از سلاح های استکبار (البته پوسیده برای ایران عزیز) تهدید است.

جمله ی کلیشه شده ی «گزینه ی نظامی هنوز بر روی میز است...» از سوی

آمریکا جمله ی آشنایی برای مردم مقاوم و هوشیار ایران است. آمریکا قصد

شومی از این نوع حرفها دارد که می خواهد به خیال خام خویش مردم را به

تسلیم وادار کند. این کار، جدید نیست بلکه در قرآن کریم نیز می خوانیم

فرعون به ساحرانی که به موسی ایمان آوردند گفت:

﴿لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأُزْجِلُكُمْ مِنْ خِلَافٍ﴾^۱

من دست و پای شما را بر خلاف یکدیگر قطع می کنم.

مؤمنان ایمان دارند که خداوند نقشه های دشمنانشان را براحتی بی اثر

خواهد کرد:

﴿وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا﴾^۲

چنانچه صبر و پرهیزگاری پیشه کنید از حيله و نیرنگ آنان ضرری به

شما وارد نخواهد شد

ظاهر اصلاح طلب و پُر قدرت

مستکبران گاهی برای قدرت نمایی، فرد یا گروه یا کشوری را نابود

می کنند یا مورد لطف قرار می دهند. نظیر نمرود که به حضرت ابراهیم علیه السلام

گفت: ﴿أَنَا أَحْبَبِي وَأُمِّيَّتِي﴾^۳ حیات و مرگ این مردم به دست من است، هر که را

بخواهم می کشم و هر که را نخواهم از زندان آزاد می کنم.

این عده برای تسلیم ملت ها و مخالفت نکردن آنان گاهی زرق و برق و

جلوه های مادی را به رخ مردم می کشند، همان گونه که فرعون می گفت:

۱. سوره ی مبارکه ی اعراف، آیه ی ۱۲۴.

۲. سوره ی مبارکه ی آل عمران، آیه ی ۱۲۰.

۳. سوره ی مبارکه ی بقره، آیه ی ۲۵۸.

﴿أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَ هَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي﴾^۱

آیا حکومت مصر از آن من نیست؟ آیا نمی بینید که این نهرها از زیر

کاخ من جاری است؟

تطمیع ملت‌ها

مستکبران، گاهی برای تسلط بر ملت‌ها و غارت آنان، از مسیر تطمیع یا وعده وعیدهای رنگی وارد می‌شوند. استعمار که انسان را (با عرض معذرت) یادِ مثلِ برادری سگِ زرد و شغال می‌اندازد، همچون استکبار، چنانچه از نامش پیداست به عنوان این‌که قصدِ برقراریِ دمکراسی و آباد کردنِ سرزمینِ شما و رفاه و... وارد می‌شود تا مغزها و فکرها و منابع را به این بهانه در اختیار خویش قرار دهد.

در قرآن کریم می‌خوانیم فرعون به ساحران که قرار بود به مقابله‌ی حضرت موسی (علیه السلام) بروند و از قدرتِ آنان برای یگانه‌سازی و تسلطِ خویش سوء استفاده کند از راه تطمیع وارد شد و به آنان گفت: اگر آبروی موسی را بریزید، من به شما پاداش بزرگی می‌دهم و شما را از مقربان دربارم قرار می‌دهم.^۲

استعمار که انسان را (با عرض معذرت) یادِ مثلِ برادری سگِ زرد و شغال می‌اندازد، همچون استکبار، چنانچه از نامش پیداست به عنوان این‌که من قصدِ برقراریِ دمکراسی و آباد کردنِ سرزمینِ شما و رفاه و...

می‌خواهند مغزها و فکرها را بخرند. فرعون به ساحران گفت: اگر آبروی موسی را بریزید، من به شما پاداش بزرگی می‌دهم و شما را از مقربان دربارم قرار می‌دهم.^۳

تبلیغات رنگین...

۱. سوره‌ی مبارکه‌ی زخرف، آیه‌ی ۵۱.

۲. سوره‌ی مبارکه‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۱۴. ﴿وَإِنَّكُمْ لَبِئْسَ الْمُتَقَرَّبِينَ﴾

۳. سوره‌ی مبارکه‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۱۴.

مستکبرین برای رسیدن به اهدافِ شومِ خود گاهی با مانور و خودنمایی، مردمِ ساده‌لوح را فریفته‌ی خود می‌کنند.

در قرآن کریم درباره‌ی قارون می‌خوانیم به گونه‌ای در کوچه و بازار راه می‌رفت که مردم دنیاپرست، آه از دل کشیده و می‌گفتند: ای کاش برای ما نیز آنچه برای قارون است وجود داشت.^۱

به تجربه ثابت شده چهره‌ای که آمریکا از خود در رسانه‌های فراگیری همچون سینما، ادبیات و... که تحتِ اختیارِ سیاست‌هایش قرار داده، از خود برای جهانیان به نمایش می‌گذارد، کاملاً غیر واقعی و دروغ است.

آمریکا که خود درگیرِ صدها مشکلِ زیر و درشت است در تبلیغاتِ روانی مملکتِ خود را همچون بهشتی توصیف می‌کند که گویا هیچ مشکلی در کشورش ندارد. کیست که از نیازمندان و بی‌خانمان‌ها و بی‌کارها و ورشکستگان کارگاه‌های کوچک و بزرگ آمریکا و صدها مشکلِ کوچک و بزرگ آن‌ها بی‌خبر باشد؟ وجودِ اختلافِ طبقاتی فاحش، تبعیض و نژاد پرستی، اعتیاد، ایدز، بی‌عدالتی و... در آمریکا بی‌داد می‌کند ولی رسانه‌های دنیا که جیره‌خوارِ آنان هستند در بازتابِ آن یا ناتوان و یا مرعوب هستند.

جای بسی تأسف است که عده‌ای خوش باور این گفته‌های خلافِ واقع رسانه‌های دروغ‌پراکن را باور می‌کنند و برای ارتباط با این جنایتکار لحظه‌شماری می‌کنند و منتظرِ فرصت هستند. اما با بصیرتِ ملتِ عزیزِ ایران و برکتِ خونِ شهدای عزیز، آرزوی واهیِ آن‌ها اولین همراهشان در دوزخ خواهد بود!

منفعت طلبی

اصولاً مبنای تمام ظلم‌ها و ستم‌های انسان، چیزی جز منفعت طلبی نیست و این موضوع، در قدرت‌های استکباری در حد بالایی وجود دارد.

۱. سوره‌ی مبارکه‌ی قصص، آیه‌ی ۷۹.

آنان به تنها چیزی که اهمیت می دهند، منافع مادی و حیوانی آنان است. از این رو، در صورت به خطر افتادن این منافع، حاضرند که از مردم کشور خویش بگذرند و دوستان و متحدان و نوکران خود را فدا کنند تا منافع آنها تأمین شود.

انقلاب اسلامی ایران که سرلوحه‌ی اهداف خویش را با توجه به تعالیم قرآن کریم و سیره‌ی انبیاء و امامان معصومین استتلال و آزادی قرار داده است با آمریکایی که این استتلال را علیه منافع سلطه‌طلبانه‌ی خود می‌داند، اصولاً نمی‌تواند سر سازش و یا هر گونه ارتباطی داشته باشد.

عقب نگه داشتن مستضعفان از رشد واقعی

یکی از روش‌های اساسی و مهم استکبار جهانی، برای حفظ سلطه و برتری خود بر جهان و ادامه‌ی بقا و حیات خویش، جلوگیری از پیشرفت ملت‌های مستضعف است. استکبار، در این جهت، از انجام هر گونه اقدامی ج اعم از جذب نخبگان کشورهای جهان سوم و یا کشورهای در حال پیشرفت، کارشکنی در برنامه‌های آنان، اعمال تحریم‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی، به بهانه‌های مختلف دریغ نمی‌ورزند.

اضطراب و ترس درونی

استکبار همواره در صدد تجاوز به حقوق دیگران است و اصولاً با تجاوز به حقوق دیگران رشد می‌کند. مستکبر، همواره در خوف و اضطراب به سر می‌برد و از انتقام کشورهای تحت سلطه، هراسان است. از سوی دیگر، تلاش روزافزون در به دست آوردن هر چه بیشتر منافع و منابع دیگران، خواب راحت را از چشمان استکبار ربوده است و از این جهت، همواره دلهره و نگرانی با مستکبران همراه است.^۱

استکبار جهانی، جهت دستیابی به اهداف شوم خود، از زمینه‌ها و

۱. کاظم قاضی زاده، اندیشه‌های فقهی - سیاسی امام خمینی (ره): ۶۰۹.

راهکارهایی نظیر، ایجاد اختلاف بین مردم کشورهای مستضعف، ترویج فساد و فحشا، منزوی کردن نیروهای کارآمد و متعهد و به کارگیری عناصر داخلی وابسته و روشن فکران غرب‌گرا استفاده می‌کند.

استکبار، روح سیاست‌های آمریکایی

در ابتدا برای یافتن پاسخ به سؤال مهمی که در این بخش به دنبال آن هستیم لازم است مقصود از آمریکا تبیین شود. آیا منظور از آمریکا، مردم آن است؛ مردمی که زیر زنجیرهای امپراطوری خبری و رسانه‌های استکباری آن دولت، تاب برآوردن فریادی را ندارند؟ یا منظور از آمریکا، سیاست‌هایی است که از سوی حکومت و دولت آمریکا در دنیا اعمال می‌شود؛ دولتی که روح استکباری و خوی فرعون‌ی و زورگویی و منفعت‌طلبانه و... آن بر کشورهای بسیاری سایه انداخته است؟^۱

در پاسخ به این پرسش کافی است به بررسی اندیشه و اراده‌ی استکباری آمریکا را در شاخصه‌های سیاسی، اقتصاد و فرهنگی که با ارزش‌های انقلاب ایران به شدت در تضاد است، پردازیم. در ادامه به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

قلمرو گسترده‌ی خوی استکباری آمریکا

آمریکا، اراده‌ای معطوف به قدرت است؛ اراده‌ای در طلب قدرت نامشروع و سلطه‌گرانه، اندیشه‌ای که تنها منافع خود را می‌بیند و خواستی که فقط سود و مصلحت خویش را می‌جوید و در بهای مصلحت و منفعت خود از هیچ اقدام حد شکنانه و حق‌شکنانه‌ای روگردان نیست. حق در نظر او آن است که بر اعمال قدرت خویش بیفزاید و اساساً ملاک عدالت در اندیشه‌ی آمریکایی، «منفعت من» است.

تجاوز و خیانت و قلدری آمریکا تنها در برابر ایران نیست، بلکه او در همه‌ی دنیا همین روش و خواهش را دارد. او می‌خواهد همه چیز را صاحب

۱. در ادامه نمونه‌های بارزی از این رفتار با ایرانیان بیان خواهیم کرد.

شود و بر همه حکم براند و هر چیز را آنطور که می خواهد تعریف کند و شکل دهد. هم قدرت را می خواهد، هم ثروت را و هم قصد تسخیر دانش و فرهنگ و باورهای مردم جهان را دارد.

بعضی از پژوهشها نشان می دهد، کمیته‌ای سیصد نفره، حکومت آمریکا و سایر مراکز و نهادها و دولتهایی را که در راستای اندیشه‌ی آمریکایی فعال هستند زیر تدبیر خود دارند؛ گروهی که نزد آنها اقتصاد و سیاست و فرهنگ و دانش و جنگ، جملگی تبدیل به یک چیز می شود و ماهیتی استکباری می یابد، دانشی که جنگ تمدنها و قتل عام مردم بی دفاع را مشروع می سازد، نظریاتی که در قلمروی رشد اقتصادی کشوری همانند فیلیپین و مکزیک و آرژانتین را طعمه‌ی آمریکا می سازد، سیاستهایی که امثال کره جنوبی را به ورطه‌ی سقوط می راند، تنها به جرم موفقیت‌های اقتصادی و این همان استکباری است که هشت سال جنگ را برای مردم ایران به ارمغان آورد.

بیان این نکته ضروری است که خوی و روح استکباری آمریکایی قلمرویی گسترده دارد و تنها در کالبد دولت و حکومت آمریکا دمیده نشده است؛ بلکه بسیاری از مؤسسات اقتصادی، شبکه‌های مخفی و آشکار سیاسی، مراکز فرهنگی و پژوهشی خصوصی و بین‌المللی، حتی با عنوان خیریه و بخش عمده‌ای از مطبوعات و رسانه‌های جهانی، با روح استکباری آمریکا و به منظور پیشبرد اندیشه و اراده‌ی آمریکا در کار و حرکت هستند.

آمریکا به دنبال منافع سلطه‌طلبانه

پروفسور آمریکایی، رامازانی، توضیح می دهد که «ایران از نظر ایالات متحده‌ی آمریکا، به مثابه حلقه‌ی دوم استراتژی در سیستم دولتهای خاور نزدیک و میانه است. ایران بیشتر از همه، دولتی قوی در تمام خلیج فارس

۱- کمیته‌ی ۳۰۰ کانون توطئه‌های جهانی، جان کولمن ترجمه‌ی یحیی شمس، انتشارات علم، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۷.

می باشد.^۱

به عنوان نمونه و بطور مشخص، دخالت‌های آمریکا در ایران از کودتای ۲۸ مرداد آغاز شد و بهترین طعمه‌ی مورد طمع آمریکا، نفت ایران بود. البته منافع آمریکا در ایران تنها نفت نبود، بلکه ایران با تولید بالای نفت و پولی که از فروش آن به دست می آورد، بازار خوبی برای کالاهای مصرفی آمریکایی بود. «از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۴، یعنی در مدت ۱۴ سال، حجم صادرات ایالات متحده به ایران بیش از ۱۰ برابر افزایش یافت.»^۲

سلطه‌جویی آمریکا تنها در برابر ایران نیست، بلکه نمونه‌های مشابه بسیاری در جهان دارد و این اراده‌ی سلطه‌جو و تسخیرگر، همه جا پنجه‌ی خود را نمایان ساخته است؛ تهاجم اقتصادی به تایوان^۳، ایجاد بحران در مکزیک^۴ و آرژانتین، اجرای سیاست دامپینگ^۵ در کره‌ی جنوبی^۶، تحمیل برنامه‌های تعدیل اقتصادی در جهان سوم که موجب ویرانی اقتصادی آنها گردید - برای نمونه در سال ۱۹۹۱ هند را به زانو درآورد-^۷، طراحی و اجرای کودتای پینوشه در شیلی و سپس فساد اقتصادی در آن کشور^۸ و نمونه‌های دیگر که «بیو» به خوبی در کتاب «پیروزی سیاه» نشان داده است و نمونه‌های جدیدتر، مثل جنگ در افغانستان و افزایش تولید خشخاش و مواد مخدر و یا جنگ در عراق و غارت نفت این کشور.

- ۱- نفت و سیاست ایالات متحده آمریکا در خاور نزدیک و میانه، نوشته بورونو، ترجمه‌ی ماشاءالله ربیع زاده، انتشارات گوتنبرگ، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۶، ص ۲۲۰.
- ۲- همان، صص ۲۳۳-۲۲۰.
- ۳- پیروزی سیاه، والدن بیو و همکاران، ترجمه‌ی احمد سیف و کاظم فرهادی، انتشارات نقش جهان، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۱۴۰.
- ۴- پیشین، ص ۷۴-۸۱.
- ۵- دامپینگ (Dumping) به معنی قیمت‌شکنی، بازار شکنی، ارزان فروشی عمدی و ارزان فروشی مکارانه. فروش یک کالا در بازارهای خارجی به قیمتی کمتر از هزینه‌ی نهایی آن را دامپینگ گویند.
- ۶- همان، ص ۱۳۰.
- ۷- همان، ص ۱۲۴.
- ۸- همان، ص ۸۱.



این همه تجاوز و برتری طلبی و افساد، نه از منطقه‌ای جغرافیایی در غرب عالم به نام آمریکا است و نه از مردم آن دیار که گاهی خود از قربانیان هستند، بلکه این ظلمها و فسادها از اندیشه و اراده‌ی فاسدی است که تمام امکانات در آن کشور را در خدمت خویش گرفته است. آمریکا شیطانی است که در دولت و ساختارهای بین‌المللی موجود در آن کشور ماهیت خود را نمایانده است.

استکبار اقتصادی

شرکت‌های چند ملیتی، عضوی از پیکره‌ی آمریکایی در آن دمیده شده و بر اساس اندیشه و اراده‌ی استکباری پیش می‌روند. شرکت‌های چند ملیتی، کارخانه‌ها و مراکز صنعتی و تولیدی هستند که شعبه‌های آن در دنیا پراکنده است. و به ظاهر، نه آمریکایی هستند، نه آلمانی و نه ژاپنی.

شارل لون سون می‌نویسد: «گسترش چند ملیتی‌ها... همه چیز را در محل تهدید قرار می‌دهد، کالاهای ساخته شده در ژاپن در واقع به دست شاخه‌های ژاپنی «تراست»‌های آمریکایی ساخته می‌شود. هجوم به بازار آمریکا به وسیله‌ی نیویورک از طریق توکیو رهبری می‌شود. دشمن [و رقیب] کارگران آمریکایی نه کارگران ژاپنی و نه دولت ژاپن، بلکه سرمایه‌ی آمریکا است که هیچ چیزش جز ریشه و نام آمریکایی نیست.»

«بسیاری از تراست‌های آمریکایی، فعالیت‌های خود را یکسره به خارج منتقل کرده‌اند: تمامی دستگاه‌های عکس برداری که در ایالات متحده به فروش می‌رسد، در خارج ساخته شده است... اگر به صنایع پیشرفته نظر افکنید، تصدیق خواهید کرد که یک مشت شرکت که بیشتر به صورت کنسرسیوم یا مجتمع به هم پیوسته‌اند، بر جهان مستولی شده‌اند.»

اگر می‌پندارید این غولها، چاقو به دست، برای افزایش سهم خویش در

۱- پیشین، ص ۱۶۲.

۲- تراست، اتحادیه‌ی واحدهایی است که دارای هدف متمرکز در تولید و فروش بوده و دارای رهبری واحدی هستند.

بازار جهانی با هم می‌جنگند، زود از اشتباه به در آید. بی‌تردید در موارد و در مناسبت‌هایی، بازار رقابت هنوز گرم است، اما در میان شرکت‌های جا افتاده، گرایش به سوی جنگ نیست، بلکه به سوی توافق (کارتل) است. به سوی تبانی به سبک جتلمن‌هاست. و به سوی همیاری با هدف تحکیم شالوده‌های استیلا و راه‌بندی بر نو رسیدگان. مورد لاستیک‌سازی را در نظر بگیرید، شاید برایتان گفته باشند که «میشلین» در آمریکای شمالی با دردهای روبروست؛ زیرا می‌خواهد در این نیم قاره‌ی کارخانه‌های بزرگ بر پا کند. بی‌تردید از این گفته نتیجه می‌گیرید که جنگ میان غولهای لاستیک‌سازی «انلپ - پیرلی»، «گودریچ»، «فایرستون» و «گودیر»، آتشین است. اما ناگهان کشف می‌کنید، که دانلپ در بسیاری از کشورها به حساب «گودیر» لاستیک تولید می‌کند، «میشلین» و «دانلپ» در قلب مجتمعاتی معاملاتی، دست به یکی هستند و منت‌های شرارت این که یک کارخانه‌ی ایرلندی که به حساب یک شرکت آمریکایی لاستیک می‌سازد، متعلق به شرکت اتریشی «سمپریت» است که زیر نظر شرکت فرانسوی - بلژیکی «کلبر - کولومب» قرار دارد و شرکت اخیر، زیر نظر شرکت فرانسوی میشلین کار می‌کند که کرسی آن در «بال» سوئیس است.

باری، وقتی با شما از نبرد غولها سخن می‌گویند، لبخند بزنید «غولهای واقعی با یکدیگر نمی‌جنگند» در این کار خطرناست. مناقشه‌های آن به شیوه‌ی مسالمت‌آمیز، دور یک قالی سبز حل و فصل می‌شود. بدینسان که «شل» در ۲۵ و استاندار اوایل او نیو جرسی «اسو» در ۳۵ مجتمع معاملاتی با دیگر شرکت‌های نفتی شریکند.»

۱- کارتِل، اتحادیه‌ی آزاد و اختیاری بین بنگاه‌هایی که در یک رشته اقتصادی مشغول کار بوده و مواد یا کالاهایی مشابهی را تولید می‌نمایند و به منظور پایان دادن به رقابت تشکیل می‌شوند. در کارتِل هر عضو استقلال خود را حفظ می‌کند و باید از مقررات مشترک در بعضی از امور پیروی نماید و قصدشان انحصار بازار است دو نوع کارتِل وجود دارد، ملی و بین‌المللی.



«تصویر غریبی که از این داده‌ها بر سر دست می‌آید تصویر یک «اولیکارشی» (حکومت مُتنفذان) جهانی است که از چند صد شرکت بزرگ تشکیل می‌شود. مدیران این شرکتها که بزودی، مدیران روسی هم بر آنها افزوده خواهند شد، از مدارس واحد و از محیط اجتماعی واحدی برآمده‌اند و عقاید یکسانی را ابراز می‌دارند و هدف واحدی را با وسایل واحدی تعقیب می‌کنند.»^۱

یکی از عوامل مهم توسعه‌ی چند ملیتی‌ها، اجرای نظریه‌ی مراحل رشد بود که والت ویتمن روستو طرح کرد و از سوی بانک جهانی به سیاستمداران ملل در حال توسعه تحمیل شد.^۲ اینجا یکی از همان مواردی است که به وضوح، یکی شدن سیاست و فرهنگ و دانش و اقتصاد در ماهیتی استکباری پدیدار می‌گردد.

◀ یک نکته‌ی مهم

اگر کسی این اشکال را بگوید که اگر با آمریکا ارتباط نداشته باشیم، به انزوا کشیده خواهیم شد و جهانی نمی‌شویم. در پاسخ می‌گوییم به حکم عقل و شرع جهانی شدن، مطلقاً شرّ و چیز بدی نیست، بلکه مشکل آن جاست که قرار نیست در جهانی شدن، تمامی صنایع، تکنولوژی و منافع، به گروه اقلیتی تعلق بگیرد و آنها با شیوه‌های هنری و ابزار رسانه‌ای، اقتصادی مصرفی ایجاد کنند.

از سوی دیگر، به این بهانه قرار نشود طرف مقابل با هر نیرنگی بکوشد تا پیدا شدن هر رقیبی را در نطفه خفه کنند و به بهای گرسنگی و بیماری و فقر و جنگ، روز به روز فربه‌تر شوند؛ این صورت از جهانی شدن در واقع جهان‌خواری و ظهور روح خود خواه و استکباری در عرصه‌ی اقتصاد است.

۱- به نقل از کتاب: توسعه و مبانی تمدن غرب، شهید سید مرتضی آوینی، انتشارات ساقی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۱۰۱.

۲- پیروزی سیاه، فصل ۴ و ۵.

در این شکل از جهانی شدن، تولید به جهان سوم منتقل می‌شود، اما نه برای این که آنها به نان و نوایی برسند، بلکه به منظور تسلط بر نیروی انسانی و منابع طبیعی آنها. لذا حاصل این جهانی شدن سود بیشتر سرمایه‌داران جهانی و بحران محیط زیست در کشورهای در حال توسعه است. که نمونه‌های آن در کاستاریکا، غنا و فیلیپین^۱، تجربه شده است.

جهانی شدن زیباست، آنگاه که صحنه گردانان آن، اهل تقوا و انسانیت باشند و همه‌ی انسانها از رشد و رفاه و آسایش، سهمی ببرند.

◀ جنگ افروزی آمریکا با هدف برتری در اقتصاد

گزارش شارل لون سون، زوایای شرافتمندانه‌تر فعالیت‌های اقتصادی حکومت پنهان منتفذان را نمایان می‌سازد. هولنا کترین فرازهای این تراژدی نشان می‌دهد که کاخهای ثروت و صنعت بر خون شناور است. یک مقدمه‌ی کوتاه، همه چیز را روشن می‌کند: اگر جنگ باشد، خرید اسلحه به هر قیمتی از نان شب ضروری‌تر است.

برای رسیدن به ثروت و سروری در جهان باید تحریک و تهدید و ناامنی و حتی جنگ به راه انداخت و بعد، با کلی ناز و منت و با قیمت گزاف، به فروش اسلحه پرداخت. برای نمونه، در اواسط دهه‌ی ۱۹۶۰ که درآمد حاصل از فروش نفت در عربستان روزبه‌روز افزایش می‌یافت و این ثروت باید به آمریکا می‌رسید، بهترین راه، فروش اسلحه بود. البته رونق بازار اسلحه یک بهانه‌ی کوچک می‌خواست و آن هم خیلی مشکل نبود. مصر از طریق یمن، عربستان را تهدید کرد و در پی آن، نخستین قرارداد بزرگ اسلحه میان عربستان و آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها امضا شد.^۲ شاید یکی از علل طمع محمدرضا شاه در خرید سلاح، تسلیح عربستان بود. تا جایی که در سال

۱- همان، ص ۱۰۷، ص ۱۱۲-۱۱۰.

۲- آنتونی سمسون، بازار اسلحه، ترجمه‌ی فضل.. نیک آیین، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ اول، ۱۳۵۷، ص ۲۰۸.

۱۹۷۳، خرید دو میلیارد دلار اسلحه را از آمریکا تقاضا کرد.^۱ طبق گزارش آژانس کنترل تسلیحات و خلع سلاح آمریکا، کشورهای خاورمیانه در سالهای ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۷، ۱۶۵/۳ میلیارد دلار خرید اسلحه داشتند.

از اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰ تا کنون قاره‌ی افریقا شاهد بروز صد فقره کودتای نظامی بوده که حاصل آن، گرمی بازار سلاح بوده است. حتی پول آذوقه‌ای که برای مردم گرسنه‌ی اتیوپی از سراسر جهان جمع‌آوری شد، به مردم گرسنه و بیمار تعلق نگرفت، بلکه صرف خرید اسلحه برای جنگ با اریتره شد.

اقتصاد آمریکا کاملاً متکی به حدود صد میلیارد دلاری است که از فروش سلاح، همه ساله به دست می‌آورد.^۲

استکبار سیاسی

استکبار سیاسی به معنای نفوذ لجام گسیخته‌ی گروه خاصی در عرصه‌ی بین‌المللی است؛ نفوذی که می‌کوشد انسانها و امکانات جهان را در راستای اهداف و منافع خود و با برنامه‌هایی مناسب، سازماندهی و رهبری نماید.

مدیریت استکبار سیاسی آمریکا که به سایر ابعاد سلطه‌گری آن پوشش می‌دهد، بر عهده‌ی شورای روابط خارجی است. این شورا اولین بیانیه‌ی رسمی خود را در سال ۱۹۲۲ صادر و بر این موضوع تأکید کرد:

«شورای روابط خارجی در نظر دارد یک مباحثه‌ی مستمر را در مورد

جنبه‌های بین‌المللی مسائل سیاسی و اقتصادی و مالی آمریکا ترتیب

دهد... شورا عبارت از گروهی از افراد است که دست‌اندر کار ترویج

دانش در زمینه‌ی روابط بین‌المللی و بویژه توسعه‌ی یک سیاست

خارجی به دقت تنظیم شده برای آمریکا هستند.»^۳

یکی از اعضای هیأت مدیره‌ی شورا ایسایابومن (Isaiah Bowman)

۱- همان، ص ۲۸۱.

۲- توسعه و میانی تمدن غرب، ص ۱۰۱.

۳- محمدحسین رفیعی، آنسوی جهانی‌سازی، چاپ اول، ۱۳۸۱، انتشارات صمدیه، ص ۲۲.

که ریاست کمیته‌ی تحقیق را در بیشتر سالهای دهه‌ی ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ به عهده داشت، محدودده‌ی جغرافیایی منافع آمریکا را منطقه‌ای از آن سوی مدار قطب شمال به طرف جنوب تا ساموا و از شرق تا غرب از چین تا فیلیپین و لیبریا تنجر تعریف کرد.^۱

این شورا پس از جنگ جهانی دوم، نهادها و سازمانهای جهانی برای نظم را طراحی و راه‌اندازی نمود و سازمان ملل، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، حاصل فعالیت‌های شورا بود.

شورای روابط خارجی تا اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰ رو به رشد رفت و

سیاستهای خارجی آمریکا را طراحی نمود. از مهمترین فعالیت‌های شورا در

این سالها، ارائه‌ی خدمات مشاوره‌ای و اجرایی به شرکتهای سرمایه‌ای

ایالات متحده بود. بیش از ۵۰٪ اعضای شورا، همواره مدیران سیاسی و

اجتماعی و اقتصادی و... رسانه‌ها و مطبوعات آمریکا بوده‌اند. شورای روابط

خارجی که با هزینه‌ی سرمایه‌دارانی همچون خانواده‌ی راکفلر اداره می‌شود،

در گزارش سالانه‌ی ۱۹۷۴، گامهای آغازین برنامه‌ای را برداشت که امروزه با

عنوان جهانی‌سازی، همه را سرگرم کرده و گویا ضرورتی خود پیش آمده

است. شورا برای این منظور، تشکیلات سازمانی تمام وقت و مفصلی با

عنوان «طرح دهه‌ی هشتاد» را سامان داد. در پی این طرح، به ابتکار کلاوز

شوآب (Klaus schwab)، هر ساله در اواخر ژانویه و اوایل فوریه در

دهکده‌ی داووس (Davos) در سوئیس، اجلاسی در راستای تحقق اهداف

جهانی‌سازی برگزار گردید. این اجلاس، به قول نویسنده‌ی روزنامه‌گاردین:

«پر هزینه‌ترین و انحصاری‌ترین تعطیلات دنیا که طی آن و در یک ملاقات

سالانه، سیاست اقتصادی جهان تعیین می‌شود.»^۲

معمولاً معلوم نمی‌شود در پشت پرده‌ی این اجلاس چه می‌گذرد، اما

۱- همان، ص ۲۳.

۲- گاردین، ۱۹۹۲/۲/۳.



«آنچه از داووس به بیرون درز کرد، رفرم اقتصادی ژاپن و کره جنوبی، حرکات جدید برای صلح خاورمیانه، نحوه‌ی تضمین وامهای ایران و آینده‌ی پس اندازهای یهودی‌های دوره‌ی هیتلر در بانکهای سوئیس بود»^۱. اما آنچه مسلم است هدف اصلی، تسلط بر تصمیمات سیاست‌گذاران جهان است. طرح رهبران آینده‌ی جهان که در سال ۱۹۹۲ با اتمام و توجه بسیار راه‌اندازی شد، دلیلی بر این راهبرد اساسی است.

«مأموریت رهبران آینده‌ی جهان این است که شبکه‌ای جهانی از افرادی تشکیل دهند تا در مقابل چالشهای رهبری پیشرفتهای اقتصادی، اجتماعی، حمایت متقابل و پویایی از یکدیگر بنمایند.

رهبران آینده‌ی جهان افراد کمتر از ۴۵ سال هستند که با توجه به مشاغل خود، قدرتمند، متنفذ و مسؤول می‌باشند و توان و کارایی بالفعل آنها جنبه‌ی جهانی دارد»^۲.

حاصل این سیاستهای سلطه‌طلبانه و سودجویانه، به یغما رفتن کره‌ی زمین و افزایش شکاف فقیر و غنی (در کشورها) و فاصله‌ی شمال و جنوب (در عرصه‌ی بین‌المللی) است. «با وضع قوانین اجتماعی در قرارداد تجارت جهانی، از سهم شدن کشورهای فقیری در رفاه جلوگیری می‌شود»^۳.

◀ نقش جنگ در استکبار سیاسی

جنگ افروزی، تنها سلطه‌ی اقتصادی را در پی ندارد؛ آن که ابزار حفظ زندگی در دست اوست، نحوه‌ی زندگی را تعیین می‌کند. از بارزترین پیامدهای به دست داشتن بازار سلاح، سلطه‌ی سیاسی و توان دخالت در تصمیم‌گیری‌های داخلی کشورهای وابسته‌ی نظامی است.

وقتی کشورهایی همچون کویت، عربستان و ژاپن در امور نظامی به

۱- گاردین، ۱۹۹۷/۲/۵.

۲- آن سوی جهانی‌سازی، ص ۵۹.

۳- در دام جهانی شدن، ص ۲۷۰.

آمریکا وابسته هستند، چندان غریب نیست که در راستای سیاستهای او حرکت می‌کنند.

تسلط و سیطره‌ی حکومت پنهان منتفذان - که آمریکا را آلت دست خود قرار داده‌اند - در سیاست، جدا از سلطه‌ی اقتصادی آنها نیست. همین گروه پنهان و پرنفوذ هستند که تصمیم می‌گیرند چه کسی در آمریکا رئیس جمهور شود، سازمان ملل به چه اموری توجه کند و چه مسائلی را مهمل گذارد، یا بانک جهانی به چه کشورهایی و با چه شروطی وام پرداخت کند. خون سرخ مظلومان گوشه و کنار جهان به دامن ناپاک آنها می‌ریزد که در مجالس شیطانی شان وقایع جهان را مقدر می‌سازند و رقم می‌زنند. چندان عجیب نیست که مسؤولین نظامی ایالات متحده، به اجماع، از وقوع اغتشاشات در ایران، پیش از رخ دادن، خبر می‌دهند. آنها می‌کوشند در هر فرصتی منافع نامشروع خویش را به دایه‌ی ظلم بسپارند و برایشان مهم نیست که چه بلایی سر فلسطینی‌ها می‌آید، یا جوانهای ایرانی پرپر شوند و یا مردم افغانستان و عراق در فجیعترین شرایط به سر برند. هر فاجعه‌ای که در راستای منافعشان باشد زیباست؛ حتی اجازه می‌دهند برجهای ساختمان تجارت جهانی بر سر مردم آمریکا خراب شود تا آخورشان آباد گردد. سیاست کلی آنها این است:

هدف: زر

وسیله: زور و تزویر

◀ روح استکباری در علم و فرهنگ

آمریکا دقیقاً راه و روشی را که در عرصه‌ی اقتصاد و سیاست پیش گرفته، در میدان علم و تحقیق دنبال می‌کند. جیره خواران دانشمندی! که اجیر سرمایه‌داران و اسیر سرمایه‌داری هستند، برای مشروعیت بخشیدن به روند توسعه‌ی نظام سلطه در جهان می‌کوشند.

نظریات و تئوریهایی که در کارگاه‌های تولید دانش دنیوی پرداخته می‌شود و با ترندهای تبلیغاتی به سبک اقتصاد مصرفی در مراکز علمی





جهان شایع شده و بر سر زبانها می‌افتد^۱، همگی بیانگر جایگاه تزویر و دورویی و ریادرسیاستهای سلطه‌طلبانه‌ی آمریکاست.

بنیادهای فرهنگی کارنگی، را کفلر و فورد و مؤسسات وابسته‌ی از قبیل صندوق پیشبرد آموزش، مرکز مطالعات عالی علوم رفتاری، شورای بین‌المللی توسعه‌ی آموزش، شورای پژوهشهای علوم اجتماعی، آموزش و امور جهانی، کمیته‌ی خارجی شورای آموزشی آمریکا و غیره، همگی در راستای توسعه‌ی سلطه‌ی خارجی آمریکا تلاش می‌کنند و با شورای سیاست خارجی ایالات متحده، رابطه‌ی تنگاتنگ دارند.^۲ روند کار آنها به طور خلاصه این است که از سویی دانش تسلط و راهکارهای عملی را می‌یابند و در اختیار سیاستمداران قرار می‌دهند و از سوی دیگر، مبانی نظری و زیربنای مشروعیت علمی برای سلطه‌گری آنها را تدوین و ترویج می‌نمایند.^۳

فعالیت‌های هر بنیاد، مکمل فعالیت سایر بنیادهاست و در رقابت با یکدیگر عمل نمی‌کنند. آنتونیوگرامشی در نظریه‌ی سلطه‌ی فرهنگی نشان داده بود که چگونه طبقات حاکم جامعه، حاکمیت خود را از طریق کنترل باورها و فرهنگ، تداوم می‌بخشند. «بنیادهای عمده، همگام با نهادهای رسمی حکومتی و سازمان‌های اداره‌کننده‌ی کمک‌های چند جانبه از سال ۱۹۴۵ به بعد، فعالیت‌های اساسی در اشاعه‌ی باورهای معین، در میان کشورهای در حال توسعه‌ی آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین مبادرت ورزیده‌اند تا از این راه، حمایت آنان را از اهداف سیاست خارجی ایالات متحده تضمین کنند.»^۴ اینها در حالی است که سخنگویان بنیادها همواره بر ماهیت نوع‌دوستانه‌ی مؤسسات خود تأکید کرده و در همان حال، هر اتهامی را رد کرده‌اند؛ چنان که

۱-کنترل فرهنگ، ادوارد برمن، ترجمه‌ی حمید الیاسی، نشر نی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۳، فصل چهارم.

۲- همان، فصل اول.

۳- همان، فصل اول و چهارم.

۴- همان، ص ۱۷.



گویا هدف اصلی‌شان، پیشبرد اهداف سلطه‌گرانه‌ی آمریکا در صحنه‌ی جهانی نیست. این همان شیطان بزرگ و ام‌الفساد روزگار ماست؛ دجالی که یک پا در این سوی و پای دیگر را در آن سو نهاده و همه را به دنبال خود می‌کشد و سلطه‌گری‌اش تا درونی‌ترین لایه‌های اندیشه و روان انسانها نفوذ و رسوخ یافته است. دکتر جان کولمن با پژوهشهایی درباره‌ی مؤسسه‌ی فرهنگی «تاویستا ک» و باشگاه روم، با دهها نهاد فرهنگی که زیرمجموعه‌ی آنهاست، نشان داده است که چگونه برنامه‌های جنگ روانی، موسیقی‌های راک و پاپ و غیره و سایر مظاهر هنر مبتذل و مواد مخدر و غیره در میان مردم جهان ترویج و اجرا می‌شود.

به طور کلی، دانشهایی که در مراکز علمی وابسته به سرمایه‌داری تولید می‌شود و ماهیت استکباری است، به دو دسته تقسیم می‌شود؛ یکی، دانشهای سلطه‌پذیری، یعنی علومی که فراگیری آنها مردم را به تن دادن و انقیاد در برابر نظام سلطه و می‌دارد و دیگر، دانش سلطه‌گری که راهکارهای تحقق اهداف استکباری و نحوه‌ی تسلط بر مردم را به سلطه‌گران می‌دهد.

◀ دانش‌های سلطه‌پذیری

اساس دانشهای سلطه‌پذیری بر دو محور شکل می‌گیرد؛ نخست، تقسیم‌بندی‌هایی که ارزشهای سرمایه‌دار و کشورهای سرمایه‌دار و قدرتمند را که در اختیار الیگارش‌ی پنهان جهانی است، از سایر کشورها با فرهنگ و نظامهای سیاسی متفاوت جدا می‌کند.

دوم، شیوه‌ها و راه‌هایی که برای رسیدن به ارزشهای سرمایه‌داری و شکل دادن نظام اجتماعی و اقتصادی و سیاسی بر اساس آن رقم می‌زند.

از گونه‌ی اول، تقسیم‌های بسیاری که با عناوین توسعه یافته و توسعه نیافته، محور و پیرامون، شمال و جنوب، جهان اول و جهان سوم، صنعتی و غیرصنعتی و... انجام می‌شود و علوم اجتماعی و سیاسی و اقتصاد و مفاهیمی را پیرامون خود می‌سازد. برای نمونه، استفاده‌ی یک قدرت بزرگ

سرمایه‌داری و توسعه یافته از زور و نیروی نظامی و تهدید برای منافع غیرقانونی و جهانی «دیپلماسی زور و فشار نامیده می‌شود»، اما همین عمل در راستای اهداف و منافع قانونی و ملی، تروریسم نام می‌گیرد.^۱

از گونه‌ی دوم، راهکارهایی که برای رشد و توسعه به ما معرفی می‌کنند، از قبیل سیاست درهای باز، اقتصاد سرمایه‌گذاری برای حرکت توسعه، آزادی مطبوعات (هرج و مرج رسانه‌ای)، تساهل و تسامح سیاسی و فرهنگ پذیرش ارزشهای سرمایه‌داری، برقراری نظام سیاسی بر اساس دموکراسی غربی و رعایت حقوق بشر به معنای فاصله گرفتن نظام فقهی و حقوقی اسلامی و...

در حالی که اسلام، گذر از حیات طبیعی به حیات طیبه را اساس توسعه و پیشرفت انسان معرفی می‌کند و توسعه‌ی معرفتی و معنوی را مهمترین زمینه‌ساز و علت توسعه و شکوفایی در سایر حوزه‌های حیات بشری می‌داند.

معمولاً این دانشها برای سلطه‌پذیران ساخته می‌شود؛ به این معنا که به آنها عرضه گردد و به سوی تمدن رو به زوال لیبرال دموکراسی بکشد. در نشر و گسترش این علوم، دقیقاً از سبک اقتصاد مصرفی استفاده می‌شود.

اقتصاد مصرفی جهان بر سه پایه است؛ تولید کالاهای کم عمر، محصولات جدید و نوبه‌نو و ایجاد مدهای تازه و تبلیغات برای ایجاد نیاز کاذب در قلمرو دانش.

نظریاتی که برای توجیه و ترویج سرمایه‌داری تولید می‌کنند، اساساً نمی‌تواند عمری طولانی داشته باشد؛ زیرا با واقعیت انسان و حقایق حیات انسانی هماهنگ نیست. اما ایجاد نظریات تازه به تازه، این فایده را برای آنها

۱- نوام چامسکی، ۱۱ سپتامبر و حمله آمریکا به عراق، ترجمه بهروز جندقی، چاپ اول، ۱۳۸۱، انتشارات عصر رسا.....

دارد که فرصت تفکر را می‌گیرد و فراگیرندگان را در دوری بی پایان از تصورات، به چرخشی سرسام‌آور وادار می‌کند.

تبلیغ نظریات از طریق نشریات علمی، دایرةالمعارفهای جهانی، سمینارها و همایشها و بزرگ کردن شخصیت صاحبان نظریات، زمینه‌های مقبولیت را فراهم می‌کند. هم از این رو، پیر بوردان، استاد کالج فرانسه، در سخنرانی برای اعتصاب کنندگان پاریس در ۱۲ دسامبر ۱۹۹۵ می‌گوید:

«باید در مقابل علم فلج شده‌ای که آنها از آن استفاده می‌کنند، دانشی

به میدان آورد که احترام بیشتری برای انسان و واقعیت قائل است».^۱

البته ظاهراً او درباره‌ی علم اقتصاد این نظر را می‌دهد، اما دست کم در سایر حوزه‌های علوم انسانی هم این مشکل وجود دارد.

◀ دانش‌های سلطه‌گری

از مهمترین ویژگی‌های دانش سلطه‌گری این است که این نظریات، محرمانه بوده و در دسترس همه قرار نمی‌گیرد. شما در هیچ کتاب روانشناسی اجتماعی یا روابط بین‌الملل و یا اقتصاد نخوانده‌اید که «برای تسلط بر منابع جهانی باید همه رسانه‌ها را تصاحب کنید و برای نفوذ در رسانه‌ها و مطبوعات ملی، طرح کردن شعار آزادی رسانه‌ها و مطبوعات به عنوان شاخص دموکراسی، راهکار مناسبی است.»

البته این نظریات، بعد از اجرا برای همه قابل درک است و ممکن است محققان با شواهد تجربی و به روش توصیفی، آنها را در پژوهشهای خود بازگو نمایند، اما هنگامی که به صورت نظریه‌ای دستوری در حوزه‌ی اخلاق سلطه‌گری طرح می‌شود، هیچ کس از آنها خبر نداشت مگر سران سرویسهای جاسوسی و امنیتی، سرمایه‌داران بزرگ (زرسالاران صهیونیست) و محققان و دانشمندانی که در مؤسساتی نظیر باشگاه رم یا مؤسسه‌ی تاویستا ک و سایر

۱- هانس پیتر مارتین و هارالد شومن، در دام جهانی شدن تهاجم به دموکراسی و رفاه، ترجمه حمیدرضا شه‌میرزاد، چاپ اول، ۱۳۸۱، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ص ۳۸۹.

مراکز پژوهشی وابسته به نظام سلطه‌گری خدمت می‌کنند. امروزه پس از این که سیطره‌ی رسانه‌ای استکبار، شالوده‌های سیاسی و اقتصادی سرمایه‌داری را در جهان تحکیم نموده، به گونه‌ای که نمی‌توان از مقتضیات آن سرباز زد، محققانی همچون هرمان و مک چنی در اواسط دهه‌ی ۱۹۹۰ نشان دادند که قدرت شرکت‌های فراملی رسانه‌ای «نه فقط اقتصادی و سیاسی است، بلکه فرضیات پایه‌ای و شیوه‌های اندیشه را نیز شامل می‌شود» در گستره‌ای که کوچک هم نیست، ثبات نظام بر پذیرش گسترده‌ی یک ایدئولوژی شرکتی جهانی مبتنی است.^۱

می‌توان دانش سلطه‌گری را تحت یک عنوان خلاصه کرد و آن دانش جنگ روانی (Psychological warfar) است. محور اصلی این علم، «تأثیرگذاری بر عواطف و عقاید و اعمال فشارهای روانی برای هدایت جامعه‌ی مورد نظر به سوی اهداف طراحان جنگ روانی است».^۲

نمونه‌ای دیگر از نظریات جنگ روانی و دانش سلطه‌گری که چند سال اخیر از سوی آمریکا علیه ایران مورد استفاده قرار گرفته، متعلق به «برنارد لوین» در کتاب «دور نمای زمان و اخلاق» از انتشارات «باشگاه» است.

جان کولمن در تبیین این نظریه می‌نویسد:

«شخص را در مقام تردید [و ترس] به ترتیبی نگاه دارید که از مواضع فکری خود ناآگاه بوده و نداند باید در انتظار چه چیزی باشد. افزون بر آن، اگر دودلی‌های میان انضباط سخت [و هراس] و برخورد مطلوب با زندگی، با انتشار اخبار متضاد همراه باشد، به گونه‌ای که فرد در موقعیتی نامعلوم قرار گیرد، در آن صورت در شناخت راهی که او را به مقصود

۱- فک جهان تاملیستون، جهانی شدن و فرهنگ، ترجمه: محسن آیتی، چاپ اول، ۱۳۸۱، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ص ۱۱۷.

۲- زیر نظر مدیریت مطالعات و برنامه‌ریزی دانشگاه امام حسین (علیه السلام)، جنگ روانی، انتشارات دانشگاه امام حسین، تهران، ۱۳۷۳، صص ۷ و ۸.

نزدیک یا دور می‌سازد، دچار سرگردانی کامل خواهد بود. در چنین شرایطی حتی کسانی که دارای آرمان مشخصی بوده و برای هرگونه خطر کرده آمادگی داشته باشند، بر اثر تضاد درونی خود، نسبت به آنچه باید انجام دهند دچار تزلزل خواهند گشت».^۱

تهدیدات جرج بوش علیه ایران پس از جنگ با افغانستان و حمله به عراق، دقیقاً اجرای همین نظریه‌ی از یک طرف تهدید و از طرف دیگر تطمیع بود؛ زیرا همزمان با او، بعضی از اعضای کنگره و سران سیاسی آمریکا از جمله البرایت، وزیر خارجه‌ی دولت کلینتون، ایران را به گفتگو دعوت می‌کند. پس از آن، جرج بوش نیز اعلام می‌کند ایران یا باید گفتگو کند و یا از نظر ما در لیست محور شرارت و اهداف بعدی آمریکا قرار دارد. اینها نشانه‌ی نابسامانی و ناهماهنگی میان سیاست‌مداران آمریکایی نیست؛ زیرا آنها هیچکدام از خودشان حرفی ندارند، بلکه برنامه‌ریزی مشخصی در پس این سخنان است. سیاست این است که همراه با افزایش وحشت، امیدواری به گزینش راه‌های مورد پسند استکبار افزایش یابد.

خلاصه این که، دانش سلطه‌گری که در اختیار نیروهای فعال استکبار قرار می‌گیرد، به منظور انقیاد مردم در جهان تولید شده، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

خسته نباشید! پس از آنکه به حکم شرع و عقل به نتیجه می‌رسیم که امکان ارتباط با آمریکایی که قصد تغییر منش و روش استبدادی خویش با ایران را ندارد، جهت مقابله با این دشمن همیشه نکاتی ارائه می‌شود:

❖ برخی از اصول مقابله و مقاومت پایدار

۱. ایمان به تحقق وعده‌های الهی

در قرآن کریم درباره‌ی اوضاع روز قیامت چنین آمده است:

۱- کمیته ۳۰۰ کانون توطئه جهانی، ص ۴۶.



﴿وَبَرُّوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُعْتَدُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهَدَيْنَاكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجْرُ عَنَّا أَمْ صَبْرُنَا مَا لَنَا مِنَ مَحِيصٍ﴾^۱

و همگی در برابر خدا ظاهر می‌شوند پس ناتوانان به گردنکشان می‌گویند ما پیروان شما بودیم آیا چیزی از عذاب خدا را از ما دور می‌کنید، می‌گویند اگر خدا ما را هدایت کرده بود قطعاً شما را هدایت می‌کردیم چه بی‌تابی کنیم چه صبر نماییم برای ما یکسان است ما را راه گریزی نیست».

این آیه عاقبت تقلید کورکورانه و یا پیروی ذلت بار افراد به دلیل ضعف و ناتوانی شان از مستکبران را زیان‌بار توصیف می‌کند و با توصیف آن انسان را از چنین سرنوشتی برحذر می‌دارد.

علامه طباطبایی رحمته‌الله در ذیل این آیه، وقایع را چنین تشریح کرده است: «در آن روز مستضعفان به اقویا و مستکبران می‌گویند که ما در دنیا مقلد و مطیع شما بودیم و از خود استقلال عقیده و روش نداشتیم، پس آیا امروز شما که اولیاء ما بوده و دارای عزت و قدرت بودید، ولی از ایمان به خدا و آیات او تکبر و استنکاف ورزیدید و از راه او اجتناب کردید، می‌توانید چیزی از عذاب الهی را از ما دفع کنید؟ ولی از آنجا که ضعیفاء و افراد مقلد بدون هیچ دلیل و برهانی مطیع افراد مستکبر شده و خود را از حریت عقیده و ایمان ساقط کرده بودند و این گروه اندک مستکبر هرگز بدون مساعدت و خواست خود افراد مستضعف قادر نبودند تا آنها را پیرو خویش سازند، پس مستضعفان خودشان با خضوع و ذلت در برابر آنان به ایشان این قدرت را اعطا کردند در حالیکه عزت فقط از آن خدا و رسول و مؤمنان است و هرگز شایسته نیست که بنده‌ای از بندگان خدا خودش را در برابر بنده دیگر ذلیل و

۱. سوره‌ی مبارکه‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۲۱.

خوار سازد و بنده او باشد و طاغوت‌ها و مستکبران اگر هم مالک جسم فردی شوند، هرگز نمی‌توانند مالک روح و نفس و عقل وی گردند، جز آنکه او خودش با ذلت خود را تسلیم آنها کند، لذا این عذر افراد مستضعف ابداً موجه نیست، بلکه خود این عمل آنها جرمی است که به واسطه آن باید مجازات شوند. به هر صورت اقویا و مستکبران در جواب آنها می‌گویند، اگر ما می‌دانستیم که چگونه از عذاب رهایی حاصل می‌شود، شما را نیز نجات می‌دادیم، و یا اگر در دنیا خدا ما را هدایت کرده بود ما هم شما را به سوی دین حق هدایت می‌کردیم اما حالا دیگر جزع و فزع یا صبر برای ما یکسان است و هیچ گریزگاهی برای ما نیست تا از عذاب خدا به آنجا بگریزیم.

بنابراین راه گریزی برای این دو گروه وجود ندارد؛ چه کسانی که گمراه کرده‌اند و چه کسانی که کورکورانه و یا از روی ضعف اطاعت کرده‌اند؛ در این رابطه در تفسیر نمونه آمده است: «کسانی که چشم و گوش بسته دنبال این و آن می‌افتند و به اصطلاح افسار خود را به دست هر کس می‌سپارند افراد ناتوان و بی‌شخصیتی هستند که قرآن از آنها تعبیر به «ضعفاء» کرده است. سرنوشت آنها و پیشوایانشان هر دو یکی است و این بینوایان حتی در سخت‌ترین حالات نمی‌توانند از حمایت رهبران گمراه بهره گیرند، و حتی ذره‌ای از مجازاتشان را تخفیف دهند، بلکه شاید با سخریه به آنها پاسخ می‌دهند که بیهوده جزع و فزع نکنید که راه خلاص و نجاتی در کار نیست.» امروز نیز آمریکا در چنین وضعیتی قرار دارد؛ سیاست‌های آمریکا در قبال دیگر کشورها به ویژه کشورهای اسلامی بر اساس دیدگاه‌های استعماری خود بوده و برای ملت‌ها و کشورهایایی که تلاش می‌کنند با مقاومت استقلال و آزادی خود را حفظ کنند، با وعده‌های واهی آینده‌روشنی را ترسیم می‌کند اما پس از تسلیم ملت‌ها در برابر گردنکشی آمریکا و زمانی که موعد تحقق وعده‌ها می‌رسد، خود را اساساً مقید به وعده‌هایی که داده نمی‌داند، از همین روست که همواره بر اعتماد به وعده‌های خداوند توصیه



شده‌اند؛ وعده‌های راستینی که همواره راهگشای مشکلات بوده و در سختی‌ها هدایت‌ها، نصرت‌ها و حمایت‌های خداوند پیروزی را برای مسلمانان به ارمغان آورده است.

رهبر معظم انقلاب در بیانات خود در دیدار اقشار مختلف، بر اصل ایمان به تحقق وعده‌های الهی، به عنوان پشتوانه‌ی بزرگی که راه‌های سخت و دشوار را همواره برای جوامع اسلامی و ایمانی هموار کرده است، تأکید نموده و اظهار داشتند:

«اگر ما ملت ایران به وعده‌ای که خدای متعال داده است خوش‌بین باشیم و مقدمات آن وعده را فراهم نکنیم، مشکلات برطرف خواهد شد. خدا فرموده است: ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ﴾^۱! اگر شما دین خدا را نصرت کنید و انگیزه‌های الهی را تقویت کنید و نصرت کنید، قطعاً خدای متعال شما را نصرت خواهد کرد؛ کسی راهم که خدای متعال نصرت نکند، هیچ موجودی در عالم نمی‌تواند او را تضعیف بکند؛ روزبه‌روز قوی‌تر خواهد شد و پیروزتر خواهد شد.»^۲

در تفسیر المیزان آمده: «این آیه به عنوان وعده نصرت قطعی و حتمی مطرح شده و تصریح کرده شده است: حال که امر چنین است، پس بر مؤمن واجب است که جان خود را در راه نصرت دین خدا هدیه کند. همان اقدامی که ملت ایران از ابتدای نهضت امام خمینی علیه السلام آن را سرلوحه مبارزات خود کرد و با جان‌نثاری‌های خود پرچم انقلاب اسلامی را همچنان در اوج نگه داشته است.»

۲. صبر و پایداری

نخستین اصل اساسی برای مبارزه با مستکبران زورگو، صبر و پایداری در برابر تهاجمات گسترده آنها و تحمل مشکلات و گرفتاری‌هاست و هر چه

۱. سوره‌ی مبارکه‌ی محمد، آیه‌ی ۷.

۲. بیانات معظم له ۹۲/۷/۱۷.

دشمن زورگو، قوی‌تر باشد، استقامت بیش‌تری را طلب می‌کند. در قرآن کریم، پیروزی بنی اسرائیل بر فرعونیان را محصول شکیبایی آنان در مبارزه معرفی کرده است و می‌فرماید:

﴿وَأَوْزَتْنَا آلَقَوْمِ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشْرِقَ الْأَرْضِ وَمَغْرِبِهَا آلَتِي بَرَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ﴾^۱

و مشرق‌ها و مغرب‌های پر برکت زمین را به آن قوم به ضعف کشانده شده [زیر زنجیر ظلم و ستم] واگذار کردیم و وعده‌ی نیک پروردگارت بر بنی اسرائیل، به سبب صبر و استقامتشان تحقق یافت و آنچه فرعون و فرعونیان [از کاخ‌های مجلل] می‌ساختند، و آنچه از باغ‌های داربست دار فراهم ساخته بودند، در هم کوبیدیم.»

در این آیه، شرط پیروزی بر استثمارگران، صبر و مقاومت معرفی شده است. مستضعفان و ملتی که صابر و مقاوم باشند، وارث زمین می‌شوند. نکته‌ی قابل اشاره آنکه «يُسْتَضْعَفُونَ» از ماده استضعاف و معادل کلمه‌ی استعمار است که در دوران ما به کار می‌رود. مفهوم استضعاف، این است که قومی ستم پیشه، جمعیتی را تضعیف کنند تا بتوانند از آنها در مسیر مقاصدشان بهره‌کشی کنند؛ منتها این تفاوت را با کلمه استعمار دارد که استعمار، در ظاهر به معنای آباد ساختن است و باطنش به معنای ویرانگری است؛ ولی استضعاف، دارای ظاهر و باطن یکسان است!

۳. توجه به رهبری صالح و یاورانی صدیق

در راه مبارزه با استکبار، وجود رهبری شایسته و جمع شدن یاران و افراد جامعه، گرد محور او از ضروریات است. رهبر صالح و نیروی انسانی، دو شرط اساسی برای مبارزه با ستمگران است؛ چنان که در قرآن می‌فرماید:

۱. سوره‌ی مبارکه‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۳۷.

﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ
وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ
أَهْلُهَا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا﴾^۱

شما را چه شده است که در راه خدا و [در راه نجات] مردان و زنان و
کودکان مستضعف نمی‌جنگید، آنان که می‌گویند: پروردگارا! ما را از این
شهری که مردمش ستمگرند، بیرون بر و از جانب خود، رهبر و
سرپرستی برای ما قرار ده و از سوی خودت، برای ما یآوری تعیین فرما!
همان‌گونه که از آیه بر می‌آید، نخستین تقاضای مستضعفان گرفتار در
چنگال دشمن، برای نجات خویش، تقاضای ولی از جانب خداوند بوده است
و سپس از خداوند خواسته‌اند که برایشان، یآوری تعیین فرماید. پس برای
نجات از چنگال ظالمان، پیش از هر چیز، وجود رهبر و سرپرست لایق و
دلسوز لازم است و سپس یار و یاور و نفرت کافی. بنابراین وجود یار و یاور
هر چند فراوان باشد، بدون استفاده از یک رهبری صحیح، بی‌نتیجه است.

۴. اتحاد و انسجام

یکی از راه‌های سلطه مستکبران بر مردم و به استضعاف کشیدن آنان،
ایجاد تفرقه میان ایشان است. پس برای مبارزه با مستکبران، باید در جهت
مخالف این راه، گام برداشت و با وحدت و انسجام، ضربه‌های مهمی بر آنان
وارد کرد.

در قرآن ضمن تأکید بر برادری مؤمنان با همدیگر به آنان امر شده است که
میان برادران خود سازش برقرار کنند و می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ
تُرْحَمُونَ﴾^۲

مؤمنان برادر یکدیگرند. پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و

۱. سوره‌ی مبارکه‌ی نساء، آیه‌ی ۷۵.

۲. سوره‌ی مبارکه‌ی حجرات، آیه‌ی ۱۰.

تقوای الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت شوید.

اسلام وحدت را از جمع مسلمانان نیز فراتر برده، از اهل کتاب خواسته
است تا به همراه مسلمانان، حول اصل مشترک توحید و نفی شرک گرد آیند.

۵. عزم و اراده و تلاش

مقام معظم رهبری درباره‌ی یکی از راه‌های به زانو در آوردن استکبار
چنین می‌فرماید: «اگر آن ملتی که طرف آمریکاست، دارای عزم و اراده‌ی
سیاسی است و مردمش، زنده و با نشاط و بخصوص اهل کار و تلاش و
جدیت باشند، آمریکا نمی‌تواند به هدفش برسد.»^۱

۶. برخورد تهاجمی با استکبار

در قرآن آمده است که:

﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ
الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا﴾^۲

کسانی که ایمان دارند، در راه خدا پیکار می‌کنند و آنها که کافرند، در
راه طاغوت (بت و افراد طغیانگر)؛ پس شما با یاران شیطان پیکار کنید؛

زیرا نقشه شیطان، ضعیف است.

مستکبر، همانند آن حیوانی است که هرگاه به او حمله کنی، عقب
می‌نشیند و هرگاه بگریزی، در پی ات می‌دود. وجود این روحیه در مستکبران
اقتضا می‌کند که مردم مستضعف، همواره در برابر آنان، موضعی تهاجمی
اختیار کنند تا آنان زمینه پیشروی نیابند. افزون بر آن، این ستمگران، اهل
شفقت و دلسوزی نیستند تا چنانچه ملتی را در ناتوانی مشاهده کنند، به رحم
آیند و از استمارش دست بردارند؛ بلکه آنان همچنان به ظلم خود ادامه
می‌دهند.

سیره‌ی پیامبران در برخورد با اینان، سیره‌ای تهاجمی بوده است. پیامبر

۱. مقام معظم رهبری.

۲. سوره‌ی مبارکه‌ی نساء، آیه‌ی ۷۶.



ا کرم ﷺ در نامه‌هایی که به سران ایران و روم و برخی کشورهای دیگر فرستاد، با آنان از موضعی برتر سخن گفت. در نامه آن حضرت به کسرا، پادشاه ایران، آمده است: «مسلمان شو تا در سلامت باشی و اگر ابا کنی، گناه مجوس برعهده توست. جمله مسلمان شوید تا در سلامت باشید.» در نامه‌های آن حضرت به قیصر روم، پادشاه مصر، نجاشی دوم و پادشاه یمامه نیز این وضعیت به چشم می‌خورد.

۷. زنده نگهداشتن فرهنگ جهاد شهادت

اسلام طرفدار صلح و آرامش است و هیچ‌گاه با خشونت و جنگ و خونریزی سر سازگاری ندارد. به فرموده‌ی علامه طباطبایی رحمته‌الله:

«اگر اسلام را به حال خود گذاشته بودند، هرگز فرمان جنگی را صادر نمی‌کرد، و این همه جنگ‌هایی که در اسلام واقع شد همه‌اش تحمیل به اسلام بود و او را به این وا داشتند.»^۱

اسلام واقعی، رحمانی است که گفتمان غالب آن رحمانیت و رحیم بودن خداست. رسول آن رحمة للعالمین و پیروانش رحماء بینهم می‌باشند. آری! اگر پزشک متخصص شکم انسانی را پاره کرد، قصدش نجات اوست و به این کار خشونت نمی‌گوییم یا اگر گرگ خونخواری به سمت ما و فرزندانمان حمله ور شد، با او به مذا کره نمی‌نشینیم. با این نگرش می‌توان گفت جنگ که در واقع دفاع از جان و مال و آبرو و... در برابر متجاوز است، با همه‌ی سختی‌هایی که دارد، آثار مثبت و فوایدی نیز دارد که ما در هشت سال دفاع مقدّس آن را تجربه کردیم.

یادمان نرود... به فرزندانمان بگوییم... هشت سال، دست خالی، با اِتْکال به قدرت لایزال الهی، مردانه بهترین‌های این مرز و بوم در مقابل تمام دنیا یک تنه ایستادند... یک وجب خاک و وطن را به دشمن ندادند... پیروز شدند...

۱. المیزان ۳: ۱۲۲.

به بحثمان بگردیم. از جمله برکات جنگ مؤمنین چنین است:

الف: توان رزمی بالا می‌رود. ب: دشمن جسور نمی‌شود. ج: روح تعهد و ایثار در افراد جامعه بوجود می‌آید. د: قدرت و عزت اسلام و مسلمین در دنیا مطرح می‌شود. ه: امدادهای غیبی سرازیر می‌گردد. و: روحیه‌ی استمداد از خدا پیدا می‌شود. ز: اجر و پاداش الهی بدست می‌آید. ح: روحیه‌ی ابداع و اختراع و ابتکار بوجود می‌آید. و... چند مورد را هم شما اضافه کنید...

اگر بگویم در دفاع از این هشت سال حرفی مهمتر سراغ ندارم، حرف گزافی نگفته‌ام:

«اصولاً در جهاد قرار نیست حتماً ظاهراً پیروز شویم...»

ما مأمور به تکلیفیم، نه ضامن نتیجه...

طبق وظیفه‌امان جهاد می‌کنیم...

مقدّرات به دست خداست...

کربلا... خدا می‌خواهد مرا کشته ببیند...

عصر عاشورا... سم اسبان...

سال‌های دفاع مقدّس... سربندهای یا حسین...

حق، ماندنی است... نور خدا خاموشی ندارد...

﴿إِنَّ الْبَطْلَ كَانَ زُهْوَ﴾^۱

پیشنهاد بازدید از بهشت زهرا

مایکل ایگناتیف نویسنده نیویورک تایمز و مدرّس حقوق بشر در سفر خود به ایران آورده است: در جنوب تهران، گورستان بزرگی است که برای کشته شدگان جنگ اختصاص داده شده است. جوانانی که در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ جان خود را از دست داده‌اند. به نظر می‌رسد این قبرهای کوچک

۱. سوره‌ی مبارکه‌ی اسراء، آیه‌ی ۸۱.



برای همیشه باقی خواهد ماند. او می‌افزاید: هر محافظه کار آمریکایی که شرط می‌بندد رژیم ایران تحت تأثیر انزوا، محاصره، تحریم و محکومیت بین المللی فرو می‌ریزد، از این مزار شهدا دیدن کند.^۱

۸. تحقیر و شکستن شکوه دروغین مستکبران

﴿... يَنْقُومُ إِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَتَذَكِيرِي بِآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ أَقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنظِرُونِ﴾^۲

... ای قوم من! اگر مقام و یادآوری من به آیات الهی بر شما سنگین است [هر کار از دستتان ساخته است، بکنید] من بر خدا توکل کرده‌ام، فکر و قوه و قدرت خود و خدایانتان را یک جاگرد آورید تا هیچ چیز بر شما پوشیده نماند. پس اگر می‌توانید به حیات من پایان دهید و هیچ مهلتم ندهید.

انسان کم ظرفیت و فاقد شخصیت، هنگامی که همه چیز بر وفق مراد او بشود، دچار غرور می‌شود و طغیان و سرکشی را آغاز می‌کند که نخستین مرحله‌اش، مرحله برتری جویی و استکبار بر دیگران است. این آیه، سخن حضرت نوح علیه السلام در مقابل قوم سرکش و متکبر خویش است و لحن آن، شامل تحقیرآمیزترین گونه برخورد با آنان می‌باشد. آن حضرت می‌فرماید: که همگی شما با خدایانتان متحد شوید و بر من هیچ ترحم نکنید و اگر می‌توانید جان مرا بگیرید و خود را راحت کنید؛ ولی بدانید که من به پشتیبان قادر و توانم تکیه کرده‌ام و از شما هراسی ندارم.

برخورد ساحران فرعون نیز پس از ایمان آوردن به موسی علیه السلام، برخوردی کوبنده و تحقیرآمیز بود. آنان، پس از تهدیدهای فرعون، مبنی بر قطع دست و پایشان، با استواری تمام پاسخ دادند:

۱. روزنامه‌ی جمهوری اسلامی ۲۴ / ۵ / ۷۲.
۲. سوره‌ی مبارکه‌ی یونس، آیه‌ی ۷۱.

﴿قَالُوا لَنْ نُؤْتِرَكَ عَلَىٰ مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا﴾^۱

گفتند: ما هرگز تو را بر معجزاتی که به ما رسیده و بر خدایی که ما را آفریده است، ترجیح نمی‌دهیم. هر کار که می‌خواهی و می‌توانی بکن که قدرت تو تنها در پایان دادن به حیات دنیایی ما کارآیی دارد.

این پاسخ، بسیار تحقیرکننده و شکننده بود و آنان به طاغوتی جبار، چون فرعون اعلام کردند که ما هرگز تو را بر خدا ترجیح نمی‌دهیم و پاداش تو برای ما ارزشی ندارد. این گونه پاسخ‌ها و برخوردها، شکوه و شوکت مستکبران را خرد و تباہ می‌کند.

۹. کسب استقلال

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «أَذَلَّ النَّاسُ، مَنْ أَهَانَ النَّاسُ»^۲ پست ترین مردم کسی است که مردمان را خوار می‌کند. امپریالیسم کرامت انسانی خویش را قربانی شهوات نفسانی کرده است؛ از این رو، عزت خود را در سیطره بر دیگران یا وابستگی به قدرت‌های سلطه‌گر می‌جوید و در پی سلب استقلال کشورهای استقلال یافته است، زیرا عزتمندی دیگران را ذلت خود قلمداد می‌کند. ما در برابر چنین دشمن سرکش و بی‌ملاحظه‌ای قرار داریم و باید بیندیشیم که چگونه با او، که قدرت مادی غول آسایی نیز دارد، رو به رو شویم؟ نخستین وظیفه‌ی ما چیست؟ امام خمینی رحمته الله علیه می‌فرماید: «اول باید اساس استقلال مملکتان را درست بکنیم»^۳ چرا که استقلال، نشان درجه‌ی یک شجاعت و استقامت است. دشمنان می‌خواستند و می‌خواهند که ما مستقل نشویم و به استقلال کامل نرسیم؛ اما نتوانستند و نمی‌توانند زیرا به شهادت تاریخ هیچ قدرتی نمی‌تواند، آتش قلب ملت مظلومی را که برای

۱. سوره‌ی مبارکه‌ی طه، آیه‌ی ۷۲.
۲. میزان الحکمة ۳: ۴۴۴، ح ۶۵۳۲.
۳. صحیفه‌ی نور ۷: ۱۶۱.

رسیدن به آزادی و استقلال قیام کرده است فرو نشاند.»^۱

◀ قاعده‌ی نفی سبیل

﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾^۲

خداوند اجازه نداده که کافرین بر مؤمنین هیچ‌گونه تسلط و برتری

داشته باشند

«لن» نفی ابد می‌کند؛ یعنی هیچ‌گاه خداوند بر اهل ایمان سلطه‌ای از کافران قرار نداده است.

با توجه به قرائنی که وجود دارد چنین مذاکره‌ای منجر به سلطه و اثبات سبیل برای غیر مسلمان‌ها و کفار بر مسلمان‌ها می‌شود و به همین دلیل، تأکید می‌شود که ما نباید مذاکره کنیم.

آیات متعدد دیگری نیز در این زمینه وجود دارند که به هر حال، ولایت بیگانگان و غیرمسلمان‌ها را بر مسلمانان منع کرده‌اند؛ حال این ولایت‌پذیری و سلطه‌پذیری شکل مذاکره به خود بگیرد یا شکلی دیگر. بنابراین، اگر نفس مذاکره در جهان انعکاسش به این صورت بود که انقلاب اسلامی ایران و رهبری آن، با آمریکا وارد مذاکره شدند، هیمنه و هیبت آمریکا را پذیرفتند، مصداق همین آیات قرار می‌گیرد که قرآن نفی کرده است. پس نباید به هیچ وجهی این مذاکره را انجام دهیم. اگر دیدیم، نفس مذاکره با کسی که ادعای رهبری جهان و نظم‌نویین جهانی را دارد، خود مصداق ولایت‌پذیری و سلطه‌پذیری است، از نظر قرآن محکوم و ممنوع بوده و نباید به این مذاکره تن داد.

◀ عزت یا ذلت؟

مفهوم «عزت» برای هر شخص و جامعه به عنوان مبنا و اصل مطرح است.

روح بسیاری از دستورات مکتب عزیز اسلام که بر اساس وحی و منطق

۱. صحیفه نور ۲: ۲۱۱.

۲. سوره‌ی مبارکه‌ی نساء، آیه‌ی ۱۴۱.

با عقل و فطرت الهی انسان است، ارتباط مستقیم با احراز و تقویت کسب عزت و پرهیز از هر گونه خواری و ذلت است تا آن‌جا که پیامبر گرامی اسلام ﷺ چنین می‌فرماید:

«مَنْ أَقْرَبَ بِالذُّلِّ طَائِعًا، فَلَيْسَ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ»^۱

هر کس به خواری گردن نهد، از ما اهل بیت نیست.

شعار «هَيْهَاتَ مِنَ الذُّلَّةِ» از افتخارات هر انسان آزاده است که مؤمنین از قیام درس‌آموز و عبرت‌انگیز عاشورا آموخته‌اند.

قرآن کریم در آیات بسیاری عزت را از آن خدا می‌داند که بندگان خدا نیز اگر دل در گرو او داشته باشند و در پی شناخت خداوند و کسب رضایت او باشند از آن بهره خواهند برد. عزت فقط در درگاه بندگی خداست که نصیب انسان می‌شود و لا غیر... چنانچه قرآن کریم می‌فرماید:

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا﴾^۲

هر کس خواهان عزت است، بداند که عزت فقط نزد خداست.

و در جایی دیگر از افاضه‌ی این گوهر ارزشمند به فرستاده‌اش و بنده‌ای که به نام مؤمن خوانده می‌شود، خبر داده است.

﴿لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾^۳

عزت از آن خدا و پیامبرش و مخصوص مؤمنین است.

حال عقلاً و شرعاً آیا ممکن است در تصمیم‌گیری‌های سیاسی خرد و کلان جامعه‌ی اسلامی به این اصل توجه نشود؟ یا در جایی دیگر به دنبال عزت بگردند؟

دلیل برخی که خواهان مذاکره و ارتباط با آمریکا بوده و هستند آن است که تصور می‌کنند عزتشان در این کار است. اما قرآن به شدت این کار را نفی

۱. تحف العقول: ۴۷.

۲. سوره‌ی مبارکه‌ی فاطر، آیه‌ی ۱۰.

۳. سوره‌ی مبارکه‌ی منافقون، آیه‌ی ۸.

می‌کند و می‌فرماید: این پندار غلطی است. شما تصور می‌کنید کفّار برای شما عزّت می‌آورند؟! متأسفانه امروز در جامعه ما بعضی‌ها حالت خودباختگی در برابر غرب و آمریکا دارند، تصور می‌کنند که عزّت کشور ما در این است که آن‌ها را بپذیریم و با آنان وارد مذاکره شویم.

در هر حرکتی نظامی که به نام اسلام مزین است، باید عزّت اسلام و مسلمانان و عزّت دین خدا محفوظ باشد. بدیهی است برقراری ارتباط یا حتی مذاکره با بیگانگان اگر عزّت اسلام و مسلمانان را به نحوی خدشه دار می‌کند، ممنوع است.

بر اثر تبلیغات مسموم، اقدامات منفعت‌طلبانه و قوانین ذلت‌باری همچون کاپیتولاسیون، اعتماد به نفس و عزّت ایرانیان لگد مال شده بود و دولت ایران در همه‌ی جوانب سرسپرده و خدمتگزار آمریکا شده بود. خاطره‌ی این سال‌های تلخ در کام مردم بوده و همچنان نیز هست.

بنابراین یکی از مبانی عدم ارتباط ما با آمریکا «حفظ عزّت اسلام و مسلمانان» است.

اتخاذ ولی

در آیاتی از قرآن کریم «اتخاذ ولی» مورد بحث قرار گرفته است؛ از جمله خداوند متعال در سوره‌ی مبارکه‌ی «آل عمران»، آیه ۲۸ می‌فرماید:

﴿لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكٰفِرِينَ اَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ﴾

مؤمنان نباید کفار را به عنوان ولی خود (صاحب اختیار) بگیرند.

نکته‌ای که باید دقت نمود آن است که بر حسب آیه، کسی که ولایت دیگری را قبول کند این را «اتخاذ ولی» می‌گویند، وگرنه صرف نشستن با شخصی که ادعای بزرگی دارد، یا صحبت کردن با او مشکلی ندارد، اما اگر در گفتمان آن‌ها سلطه‌پذیری مطرح باشد، مصداق همین آیه است. ما قرائنی داریم که نشان می‌دهد دولت‌ها و حکومت‌هایی، مثل حکومت صهیونیستی آمریکا، می‌خواهند بر مسلمانان سلطه پیدا کنند. این سلطه مصداق «اتخاذ

الولی» است و ما با استناد به همین آیه نمی‌توانیم با آنان مذاکره کنیم.

سازش، همکاری و مشارکت با جنایتکار ممنوع است

در منطق وحی، هر گونه ارتباط به هر شکلی که موجب تأیید یا کمک به باطل باشد، به شدت محکوم و ناپسند است. تولی و تبری که از مسائل مهم مذهب ماست، در واقع تعیین خط و مشی حب و بغض درونی انسان است که حتی ممکن است نمود ظاهری هم نداشته باشد. اما مکتب اسلام که دستوراتش با هدف کمال آدمی تأمین کننده‌ی سعادت بشر است، هر اقدامی که موجب تقویت باطل باشد را محکوم می‌کند و دستور می‌دهد که مؤمنین از آن فاصله بگیرند. ابتدا این روایت تکان دهنده را با هم بخوانیم که از امام باقر (ع) نقل شده است:

«أَوْحَى اللّٰهُ اِلَى شُعَيْبِ النَّبِيِّ ﷺ اَنِّي مُعَذِّبُ مِنْ قَوْمِكَ مِائَةَ اَلْفٍ اَرْبَعِينَ اَلْفًا مِنْ شَرَارِهِمْ وَ سِتِّينَ اَلْفًا مِنْ خِيَارِهِمْ فَقَالَ اِيَّايَا رَبِّ هُوَ اَلَّذِي اَنْشَرَا فَمَا بَالُ اَلْاَخِيَارِ فَاَوْحَى اللّٰهُ عَزَّ وَ جَلَّ اِلَيْهِ دَاهُنَا اَهْلَ اَلْمَعَاصِي وَ لَمْ يَعْضِبُوا لِعَضْبِي»^۱

خداوند متعال به شعیب پیامبر وحی فرمود: من صد هزار نفر از مردم تو را عذاب خواهم کرد: چهل هزار نفر از بدکارانشان را و شصت هزار نفر از نیکانشان را. شعیب عرض کرد: پروردگارا! بدکاران سزاوارند، اما نیکان چرا؟ خداوند به او وحی فرمود که: آنان با گنهکاران سازش کردند و به خاطر خشم من به خشم نیامدند.

و اما پس از تعیین خط و مشی حب و بغض، در مرحله‌ی رفتار نیز قرآن کریم تکلیف انسان را مشخص نموده و می‌فرماید:

﴿تَعَاوَنُوا عَلٰى الْبِرِّ وَ التَّقْوٰى وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلٰى الْاِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ﴾^۲

بر خوبی و پرهیزگاری با هم همکاری کنید در گناه و تجاوز مشارکت

۱. وسائل الشیعة ۱۶: ۱۴۶.

۲. سوره‌ی مبارکه‌ی مائده، آیه‌ی ۲.



نکنید.

یکی از مبانی منع مذاکره ما با دولت‌ها و حکومت‌های متجاوز می‌باشد. اسرائیل و آمریکا این است که اگر با آنان وارد مذاکره شویم به گونه‌ای که از همین مذاکره و سر میز نشستن ما همدلی و همفکری با سیاست‌های دولت‌های متجاوز می‌شود، این کار خود مصداق «تعاون بر اثم و عدوان» است. به هر حال در گفت و گو، طرفین قدری در مواضعشان کسر و انکسار به وجود می‌آید، تمام گفت و گو صد درصد به نفع یک طرف نیست. ما وقتی می‌نشینیم تا با آمریکا مذاکره کنیم، علی‌القاعده باید قدری نظرات آن‌ها را بپذیریم، آن‌ها هم قدری از نظرات ما را باید بپذیرند. اصلاً خود همین نشستن بر سر میز مذاکره در عالم سیاست معنا دارد. دو دولت که در کنار هم می‌نشینند، رجال حکومت که در کنار هم می‌نشینند، معنایش این است که تا حدی به هم نزدیک شده‌اند. گاهی همین کنار هم‌دیگر نشستن مصداق «تعاون بر اثم و عدوان» است. بنابراین، از آیه مزبور می‌توانیم استفاده کنیم که یکی از مبانی منع ارتباط با آمریکای جنایتکار «تعاون بر اثم و عدوان» است.

◀ آمریکا شیطان بزرگ...

در فرهنگ قرآن کریم دشمن آشکار آدمی، شیطان است که از راه‌های گوناگون از جمله وعده‌های پوچ و... در پی سلطه بر انسان و دور کردن او از معنویت است. یکی از اصول زندگی مؤمنین جهت سعادت دنیوی و اخروی پرهیز از دوستی با شیطان و گوش ندادن به وسوسه‌ها و انجام ندادن دستورات او می‌باشد.

در سوره‌ی مبارکه‌ی نساء آیه‌ی ۷۶ می‌خوانیم:

﴿فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا﴾

با دوستان شیطان پیکار کنید که قدرشان در نیرنگ اندک است

حضرت امام علیه السلام فرمودند: «آمریکا شیطان بزرگ است.» این یک شعار

صرفاً سیاسی نبود؛ یعنی سیاست‌های آمریکا سیاست‌های شیطانی است و همه کسانی که از آمریکا و یا اسرائیل حمایت می‌کنند اولیای شیطان هستند؛ برای این که از سیاست‌های شیطانی پیروی می‌کنند. دستور قرآن این است که باید با آنان پیکار کرد؛ شدیدترین نوع برخورد.

ارتباط با آمریکا از منظر عقل و تجربه

همانگونه که اشاره کردیم و باز از باب تأکید عرض می‌کنیم مردم مسلمان و آزاده‌ی ایران بر اساس تعالیم قرآن کریم و سیره‌ی معصومین علیهم السلام در مقابل ظلم و ستم سکوت نمی‌کنند و حاضر به برقراری ارتباط با جرثومه‌ی فساد و دولت استکباری و متجاوز آمریکا نخواهند بود. خوی استکباری آمریکا در تاراج منابع مالی و انسانی تمامی جوامع زیر سلطه‌ی خویش، بویژه ایران عزیز، مطلبی غیر قابل انکار است.

در سال‌های تاریک استبداد که حاکیان ایران، عموماً مرعوب هیمنه‌ی پوشالی غرب و آمریکا بودند، زمینه را برای سوء استفاده‌ی همه جانبه‌ی آمریکاییان فراهم نموده بود.

بنابراین باید بدانیم بغض و دشمنی با آمریکا برخاسته از تجربه‌ی مردمی است که در مواقع بسیاری شاهد مظلومیت برادران و خواهران خود در گوشه و کنار دنیا و در موارد بسیاری در وطن خودشان بوده و هستند و چنین فریادی فرونشاندنی نیست و تجربه می‌گوید ارتباط با چنین دشمنی به صلاح نیست.

آمریکا راضی نمی‌شود!

در برابر دشمنی چون آمریکا، اگر یک قدم عقب گذاشته شود، روح استکباری او قدمهای بعدی را می‌طلبد تا آنجا که سلطه‌ی کاملش تحقق یابد. روح استکباری این منطق را نمی‌شناسد که «اگر او یک قدم کوتاه آمد، من هم یک مرحله کوتاه بیایم.»

بلکه اراده‌ی استکباری با این قاعده عمل می‌کند: «حال که او کوتاه آمد،



پس شکست خوردنی است و باید زیر سلطه‌ی من درآید.»

اگر آمریکا پیشنهادِ مذاکره می‌دهد یا در ظاهرِ میش با بهانه‌ی نظارت و کنترل دانش هسته‌ای به سمت ما دست دراز می‌کند، ابتدای کار است... در واقع خواسته‌ی اصلی آمریکا از ما این است که سیاستهای استکباری او را بپذیریم و عملاً از آن حمایت کنیم.

عاقبتِ مذاکره و چراغ سبز نشان دادن و نهایتاً - خدایی نا کرده - ارتباط با آمریکا مجبورمان می‌کند که فرودگاه و فضای کشورمان را پایگاه نظامی آن کنیم؛ مگر یادمان رفته که عرفات در مقابل آنها اندکی کوتاه آمد تا حرف بزنند و بشنود، کارش به جایی رسید که رو در روی مردم فلسطین ایستاد و دید که گفتگو با استکبار یعنی: مستکبر بگوید و دیگران عمل کنند. در غیر این صورت و در صورت امتناع، خودش زیر موشکهای اسرائیلی خواهد بود.

بنابراین در یک کلام باید بدانیم تنش زدایی در رابطه با آمریکا و برقراری ارتباط باید به راضی شدن او تمام شود که امری محال است؛ چرا که او راضی نخواهد شد مگر این که خود را به تیغ سلطه‌ی او بسپاریم؛ زیرا روح استکباری به غیر این راضی نمی‌شود؛ گرچه اجرای سیاستهای تنش زدایی با سایر کشورهایی که اختلافات عمیقی با آنها داریم ممکن است، اما همین استکبار آمریکایی مانع عقلی اجرای این سیاستها با آمریکا می‌شود.

امام راحل علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «نکته‌ی مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم، این است که دشمنان ما و جهانخواران تاکی و تا کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویت ها و ارزش های معنوی و الهی مان نمی‌شناسند، به گفته قرآن کریم هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی‌دارند مگر این که شما را از دین تان برگردانند ما چه بخوایم و چه نخواهیم صهیونیست ها و آمریکا و شوروی در تعقیب مان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبیمان را لکه دار

نمایند بعضی مغرضین ما را به اعمال سیاسی نفرت و کینه توزی در مجامع جهانی توصیف و مورد شماتت قرار می‌دهند و با دلسوزی های بی مورد و اعتراض های کودکانه می‌گویند: جمهوری اسلامی سبب دشمنی ها شده است و از چشم غرب و شرق و ایادیشان افتاده است، که چه خوب است این سء وال پاسخ داده شود که ملت های جهان سوم و مسلمانان و خصوصاً ملت ایران در چه زمانی نزد غربی ها و شرقی ها احترام و اعتبار داشته اند که امروز بی اعتبار شده اند. آری اگر ملت ایران از همه اصول و موازین اسلامی و انقلابی خود عدول کند و خانه عزت و اعتبار پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام را با دست های خود ویران نماید، آن وقت ممکن است جهانخواران او را به عنوان یک ملت ضعیف و فقیر و بی فرهنگ به رسمیت بشناسند ولی در همان حدی که آنها آقا باشند ما نوکر، آنها ابرقدرت باشند ما ضعیف، آنها ولی و قیم باشند ما جیره خوار و حافظ منافع آنها، نه یک ایران با هویت ایرانی اسلامی بلکه ایرانی که شناسنامه اش را آمریکا و شوروی صادر کند، ایرانی که ارا به سیاست آمریکا یا شوروی را بکشد.»^۱

این مطلب را در کلام مقام معظم رهبری نیز مرور می‌کنیم که فرمودند:

«شما وقتی با کسی قهرید، وقتی با کسی حرف نمی‌زنید، رودربایستی با هم ندارید. در مقابل هم، هیچ حالت توقّعی وجود ندارد. اما وقتی با کسی مذاکره شروع شد؛ پشت میز نشستید؛ یک قهوه با هم خوردید؛ یک گپ دوستانه هم در کنارش با هم زدید؛ در فلان محفل بین‌المللی نشستید و با همدیگر یک خرده درد دل کردید؛ بعد رودربایستی به وجود می‌آید. آن وقت، اوّل شروع تحمیلات است. بدبختیهای انقلابهای دنیا و تسلط و نفوذ آمریکا از همین جا شروع شد. مثل کشورهایی که بنده نمی‌خواهم اسم آنها را بیاورم. امروز هم آن کشورهای بیچاره، غالباً چهره‌های بسیار بدی دارند. این است

۱. صحیفه نور ۱۰: ۱۶۲.

که روی مذاکره فشار می آورند. اصرار می کنند که «ایران چرا نمی آید با ما مذاکره کند؟» عده ای هم که آدمهایی ساده لوحند، یا نمی دانم، مرعوبند، یا بی اطلاعند، یا غیر سیاسی اند، در داخل خودمان این حرفها را تکرار می کنند. من نمی دانم می فهمند چه دارند می گویند؟!... خیال می کنند حرف زدن دو نفر آدم معمولی است که گوشه ای بنشینند و صحبت کنند. نمی فهمند این مذاکره ای که دشمن این قدر روی آن اصرار می کند، چه خطرات بزرگی برای جمهوری اسلامی دارد. بنده معتقدم که تکرار این حرفها از طرف آنها هم، کار بدی است. من این را عرض می کنم. این نظر بنده است. بنده معتقدم: برای رایج کردن یک گناه در عمل، یکی از راههای این است که آن گناه را در زبانها رایج کنند. آن قدر بگویند که قبضش از بین برود!^۱

استقلال ما چه می شود؟

آمریکا بارها نشان داده مظهر بیداد و فرعونیت است و از هیچ تجاوز و جنایت و خیانتی برای شکستن عمود خیمه ای استقلال و به قفس درآوردن آزادی ملت های دیگر فروگذار نمی کند.

استقلال به قدری در زندگی بشر جایگاه ویژه ای دارد که از نظر عقلی نمی توان «برای حیات زیر سلطه ای غیر»، ارزشی قایل شد؛ زیرا «ارزش حیات، به آزادی و استقلال است».^۲

قانون اساسی «جمهوری اسلامی ایران» سعادت انسان در تمام جامعه ای بشری را آرمان خود می داند و استقلال، آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه ی مردم جهان می شناسد و در عین خودداری کامل و نفی هرگونه دخالت در امور داخلی ملت های دیگر، از مبارزه ی حق طلبانه ی مستضعفین در برابر مستکبرین، در هر نقطه از جهان حمایت می کند.^۳

۱. بیانات معظم له در دیدار جمعی از دانش آموزان و دانشجویان.

۲. صحیفه ی نور ۵: ۱۱۴.

۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۵۴.

حضرت امام علیه السلام تأکید می کند که:

«این، مطابق هیچ منطقی نیست که سی میلیون جمعیت، همیشه تحت فشار [باشد] و همیشه این جمعیت کار بکنند و حاصل کارشان را دیگران ببرند؛ زیرا «زندگانی ای که در آن استقلال نباشد [ویک ملتی] به زحمت کار بکنند، برای استفاده ی دشمن ها، این که زندگانی نیست».^۱

مذاکره، عامل مخدوش شدن چهره ی نظام و ناامیدی علاقمندان
مقام معظم رهبری حفظه الله در بیاناتی روشنگر درباره ی مذاکره ی با آمریکا می فرمایند:

«آمریکا می گوید: بیایید مذاکره کنیم. نمی گوید: بیایید رابطه برقرار کنیم. مذاکره یعنی چه؟ یعنی آن پیوندی را که جمهوری اسلامی قطع کرد و برید و همان موجب شد که تمام عواطف صادقانه ی ملت های دنیا به این نظام جلب شود، این را دو مرتبه برقرار کند. یعنی در درجه ی اول، یک ضربه ی نمایان به جمهوری اسلامی بزند؛ و از آن جا که تبلیغات هم در دست آنهاست، در دنیا منعکس کنند که «جمهوری اسلامی، از حرفهای برگشت!» به چه دلیل؟ به این دلیل که نشسته است و با امریکا مذاکره می کند. آن وقت، یک یأس عمومی در تمام ملتها در آسیا و در آفریقا و در کشورهای گوناگون و در خود اروپا و در خود امریکا به وجود آید. ملت هایی که امید پیدا کرده اند مسلمانان و حتی بعضی غیرمسلمانان ناامید شوند؛ و آن چهره ی با صلابت امام بزرگوارمان، که روی جمهوری اسلامی را پوشانده و آنها را وادار به حرکت می کرده است، مخدوش گردد؛ و بگویند: «نه آقا! جمهوری اسلامی هم توبه کرد!»... به صرف این که جمهوری اسلامی بگوید «بله؛ ما مذاکره را قبول داریم.» یا این را بفهماند، یا طوری مشی کند که معلوم شود حرفی ندارد که با امریکا مذاکره کند، این، اولین ضربه است. و بعد، تازه شروع تحمیلهاست».^۲

۱. همان ۲: ۱۳۸.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از دانش آموزان و دانشجویان.

نیم قرن شرارت «برخی از اقدامات خصمانه‌ی آمریکا علیه ایران»
در انتهای این فصل بصورت فهرست وار برخی از اقدامات آمریکا علیه
ایران را بیان می‌کنیم...

به نظر شما کسی با خواندن این موارد می‌تواند باز هم به مذاکره و ارتباط
فکر کند؟

تلاش بی‌وقفه جهت تخریب چهره‌ی واقعی ملت ایران □ تحمیل
رژیم پهلوی به مردم □ ایجاد وابستگی ایران □ تصویب قانون اساسی
مطابق با منافع خودش □ تعیین نمایندگان مجلس همسو با سیاست‌های خود
□ کاپیتولاسیون □ تبعید رهبر انقلاب □ غارتگری □ ایجاد پایگاه نظامی □
تشکیل ژاندارم منطقه □ کشتار مخالفان و مبارزان □ پشتیبانی از جنایات
شاه □ حمایت از دولتهای وابسته به رژیم □ رواج فرهنگ استعماری □
تهاجم به فرهنگ اصیل مردم با رواج مصرف و غریزدگی □ توجیه جنایات
شاه □ خدمت به ابرقدرتها □ جعل اسناد علیه انقلاب اسلامی □ سیطره
سیاسی اقتصادی بر کشور ایران □ اغفال مردم و حفظ برتری با تبلیغات
دروغین □ کودتا و تهاجم فرهنگی □ غارت منابع □ ایجاد قرنطینه سیاسی
□ رخنه در سازمانهای دولتی □ مخالفت با انقلاب فرهنگی □ سوءاستفاده
از آزادی □ جنجال آفرینی □ آشوب و جنگ افروزی □ ترور شخصیتها □
ایجاد تفرقه در نیروهای مسلح □ ترویج فعالیت‌های کمونیست‌های آمریکایی
□ ایجاد تفرقه □ انهدام محصولات کشاورزی □ اخلال در توسعه و تولید
□ ترویج مفاهیم غلط □ تزریق روحیه بی‌نظمی در نیروهای مسلح □ جنگ
روانی علیه مردم به کمک عوامل داخلی اش □ تهمت به رهبران مبارزه □
افتراء به مسؤلان نظام اسلامی □ تضعیف روحیه ملت □ شایعه پراکنی □
ترویج اسلام آمریکایی □ تلاش برای انزوای ایران □ مخالفت با سیره ائمه
معصومین(ع) □ ترویج خودباختگی □ تخطئه تصرف لانه جاسوسی □
طرح شعارهای انحرافی □ تلاش برای گرایش جامعه اسلامی به آمریکا □

نیرنگ برای انحراف در عملیات دفاع قدس □ ظلم و غارتگری □
چپاولگری □ طرح چندین باره‌ی کودتای نظامی □ به کارگیری اشراک □
طراحی کودتای سیاسی وریا کارانه □ طرح انهدام یا سرقت تجهیزات نظامی
□ توطئه در تاخیر ورود رهبر انقلاب به میهن اسلامی □ حفظ شاه مخلوع
برای سلطه مجدد □ جاسوسی □ طرح ریزی کودتای نوزده □ اعمال
سیاست خوف و رجا □ نیرنگ و چاپلوسی □ فریبکاری □ استفاده از
نیروهای ناآگاه داخلی □ ترویج هرج و مرج برای مداخله نظامی □ توطئه در
لوای دمکراسی □ تخدیر و آلوده ساختن جوانان □ حمله نظامی و نقض
قوانین بین‌المللی □ حمایت از منافقین □ حمایت از فرقه ضاله بهائیت □
بهره برداری از اختلافات داخلی □ استحاله فرهنگی و معنوی انقلاب
اسلامی □ طرح اختلاف در روحانیت □ انحراف تدریجی در ارکان
حکومت □ برنامه ریزی برای نفوذ در ملت □ لطمه به وحدت و اخوت
اسلامی □ استفاده از نویسندگان مزدور □ نفوذ در تبلیغات انتخابات □ بهره
برداری از تیرهای مطبوعات □ جنگ روانی (تهمت و افتراء) □ به رسمیت
شناختن اسرائیل □ حمایت از جنایات اسرائیل □ انهدام هواپیمای
مسافربری جمهوری اسلامی ایران در سال ۶۷ □ عاملیت و حمایت از
فتنه‌ها و شرارت‌ها و قتل و جنایت‌های گوناگون از جمله فتنه‌ی ۸۸ □ انواع و
اقسام تحریم‌های اقتصادی و بانکی و دارو و...

نگاهی به شعارِ مرگ بر آمریکا

◀ شعار، تعیین موضع است

هر ملت هوشمند و فرزانه‌ای راه و هدفی دارد که هویت آن جامعه است. پس هویت جامعه، هم سود و زیان جامعه را از دیدگاه مردم، برجسته و درخشان می‌کند و هم شعور و حیات جامعه، بر پایه‌ی آن می‌پاید و دوام می‌یابد.

خاستگاه شعارها شعور جمعی است. شعار، اصرار و تأکید مردم و افراد جامعه بر ارزشها و اهدافی است که متضمن منافع ملی آنهاست. مردم می‌کوشند تا در شعارهایشان قدرت و عزم خود را در حفظ منافع و دفع زیانها، از جامعه‌ی خویش متجلی نمایند. بر این اساس، محتوا و مفاد شعارها دو گونه است؛ یا اعلام و تأکید بر منافع و یا اصرار و عزم بر دفع زیانها.

شعار، شعور اجتماعی مردمی است که قدرت و عزم خود را در حفظ منافع و دفع زیانها از جامعه‌ی خویش متجلی می‌کنند.

کسانی که شعار مرگ بر آمریکا سر می‌دهند مخالفت خود را با جنایات آمریکا و ظلم‌هایی که انجام می‌دهد، اعلام می‌کنند. وظیفه‌ی همه‌ی انسان‌های آزادی خواه است که با فریادِ مرگ بر آمریکا با تعیین موضع خویش، با استعانت از خداوند متعال، تمام قدرتِ خویش را در ایستادگی مقابلِ توطئه‌ها و نقشه‌های آمریکا بکار گیرند.

◀ شعار، همان لعن است

شعار در منطق شیعیان، در واقع همان لعن در تعالیم ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام است که در زیارتنامه‌ها آموخته‌اند.

تقابل حق و باطل از ابتدای خلقت بشر وجود داشته و انسان الهی که در پی سعادت دنیا و آخرت است، ناگزیر بوده از حق جانبداری نموده و از باطل دوری گزیند. قدم اول این وظیفه، به کمک زبان خواهد بود. در مراحل بعدی

قلباً و بعد هم عملاً باید در جبهه‌ی حق باشد. هر روز عاشورا و کربلا تکرار می‌شود... به عنوان نمونه یزید و شمر زمان ما همان‌هایی هستند که عامل یا پشتیبان جنگ و ظلم و کشتن انسان‌های بی‌گناه هستند.

کسانی که اصرار دارند شعار مرگ بر آمریکا گفته نشود، اگر در زمان امام حسین علیه‌السلام بودند به نظرت چه می‌کردند؟ به نظرم یا به صف یزید می‌پیوستند و یا حاضر نمی‌شدند از یزید ابراز نفرت کنند که این موضع هم نهایتش سقوط و هلاکت است.

◀ شعار و روحیه به ملت‌های آزاده

شعار مرگ بر آمریکا به ملت‌های آزاده روحیه می‌دهد. ملت‌های آزادی خواه چشم به راه ملت ایران دارند. امروز شعار مرگ بر آمریکا وظیفه هر ایرانی جهت روحیه دادن به انسان‌های آزادی خواهی است که هنوز در عین نفرت، مرعوب هیمنه‌ی پوشالی استکبار جهانی و در رأس آنان آمریکای جنایتکار هستند.

◀ آمریکا از این شعار می‌ترسد.

خطر شعار مرگ بر آمریکا برای کاخ نشینان آمریکا وحشت انگیز است، بنابراین با قدرت تلاش می‌کنند تا این صدا را خاموش کنند. رژیم صهیونیستی سعودی ششصد زائر را به جرم شعار مرگ بر آمریکا به خاک و خون کشید. این نشان می‌دهد که آمریکا از این شعار می‌ترسد و کاخ سفید با شعار مرگ بر آمریکا می‌لرزد.

◀ حکم قرآن و شعار مرگ بر آمریکا

مرگ چه به معنای نابودی زوال و چه به معنای گذر و انتقال در مورد هر چیز که نامطلوب و ناحق است خواسته می‌شود. چنان که زوال بیماری یا انتقال از آن به سلامتی خواسته می‌شود.

روح فرعون و استکباری آمریکا موجب لعن و خواستن مرگ برای اوست. خداوند متعال به جهت همین روح برتری جویی و استکباری، هم

فرعون را لعن کرده و هم شیطان را. در مورد فرعون فرمود:

﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ﴾^۱

همانا فرعون در زمین گردنکش و برتری جویی کرد و میان مردم تفرقه و اختلاف انداخت و گروهی را به استضعاف می کشید و پسرانشان را می کشت و زنان را زنده نگه می داشت، همانا او از فسادگران بود.

و بعد می فرماید:

﴿وَأَتَّبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً﴾^۲

و در پی اعمالش در این دنیا لعنت است.

خودخواهی، طغیانگری، فسادانگیزی و خونریزی فرعون سبب شده تا خداوند او را لعن کند. پس لعن بر کسانی که حقوق انسانها را پایمال می کنند و منافع و همی خود را بر منافع و بلکه بر هستی انسانها ترجیح می دهند، جایز و بلکه لازم است.

آمریکا در دوران ما مظهر روح شیطانی و فرعونی است که ملعون و نفرین شده‌ی حضرت سبحان گردیده. آمریکا، تمامیت کفر و حق پوشی و حق کشی است. و این کلام خداوند است که بر انسان به جهت کفرش «مرگ باد» می گوید:

﴿قَتَلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ﴾^۳

مرگ بر انسان باد. چه کفر می ورزد.

در جای دیگر، درباره‌ی کسانی که به حق گوش فرانمی دهند و گردن فرو نمی نهند، می فرماید:

۱- قصص / ۴.

۲- قصص / ۴۲.

۳- عبس / ۳.

﴿قَاتِلْهُمْ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ﴾^۱

خداوند مرگشان را برساند از حق کجا می گریزند.

بر مبنای عقل و وجدان و نیز وحی و قرآن، اصل و قاعده این است که با آمریکا، این جرثومه‌ی فساد و تندیس استکبار، در عمل مبارزه کنیم و با زبان نفرین فرستیم و در قلب، بیزاری جوئیم.

◀ آثار حیات بخش شعار «مرگ بر آمریکا»

این شعار، ندای حقی است که بر سنت و کلام حق استوار است. در این فریاد پاک و متعالی، دست کم دو وجه مثبت دیگر و فایده‌ی حیاتی می توان یافت؛ نخست، وجهی سیاسی و بین‌المللی آن، این که صلابت «مرگ بر آمریکا»، بیان حق و فریاد مظلومیت است و پلییدی ظالم را آشکار و رسوا می سازد و جسارت در برابر ظلم غالب را در میان مردم جهان پدید می آورد و ظالم را ذلیل و پریشان می کند. و امروزه شاهد هستیم که این شعار، در بسیاری از کشورها تکرار می شود.

فایده‌ی دیگر، اثر روانشناختی این شعار است. اظهار تنفر از ظالم، ترحم بر مظلوم را در دل تقویت می کند و از تمایل به ظلم و ظالم باز می دارد. این امر، موجب صفا و صداقت دل و جان می گردد؛ همچنانکه امیرالمؤمنین علی علیه السلام در وصیت به امام حسن و امام حسین علیهما السلام فرمودند:

«كُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا»^۲

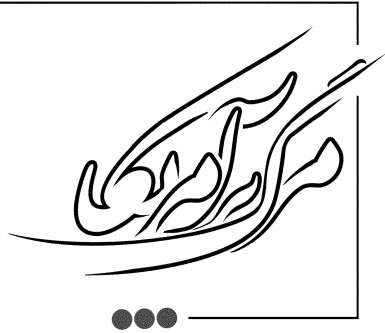
دشمن ظالم و یاور مظلوم باشید.

نتیجه این که اگر شرایط اجرای حکم قتال با مستکبران ملعون فراهم نیست، لازم است که شهادت طلبانه فریاد مرگ بر آمریکا را بلند و رسا فریاد کنیم و قدمی عقب نگذاریم، به امید روزی که جهانی بیدار و بی باک، دیو ظلم و ظلمت را از پای درآورد. و دولت فرخنده‌ی یار فرا رسد.

۱- منافقون / ۴.

۲- ر. ک.:: نهج البلاغه.

پس این شعار، چوناً کنون در راستای منافع ملی و حفظ حیثیت ملی و اعتقادی و انسانی ماست، بر آن تأکید می‌کنیم؛ ولی لازم است بکوشیم مخالفت با استکبار آمریکا در حد شعار و سیاست باقی نماند، بلکه با تلاشهای علمی، توفیقات اقتصادی و تقویت اعتقادی و فرهنگی و دیگر ابعاد، مبارزه‌ای همه جانبه صورت گیرد و از سطحی شدن پرهیز شود. همانطور که نباید از سایر ابعاد مبارزه و مقاومت و جهاد غافل شد، نباید از بعد سیاسی هم غافل گشت؛ زیرا کشوری مثل ژاپن، با توفیقات اقتصادی و تکنولوژیک، در زمینه‌های سیاسی، در بند استکبار آمریکاست.



فصل دوم

۱۳ آبان ۵۸؛ انقلاب دوم

تسخیر لانه‌ی جاسوسی؛

نه‌سفارت‌خانه

به‌دست دانشجویان

نکاتی درباره‌ی تسخیر لانه‌ی جاسوسی

داستان تسخیر لانه‌ی جاسوسی

تا قبل از آنکه دانشجویان پیرو خط امام، سفارت آمریکا را اشغال کنند، دو بار این سفارتخانه اشغال شد. یک بار در دی ماه ۵۷ قبل از انقلاب و بار دوم در ۲۴ بهمن یعنی دو روز بعد از پیروزی انقلاب بود. خبرگزاری‌ها رویداد را چنین گزارش کردند: «صبح روز ۲۴ بهمن در همان زمانی که مهندس بازرگان وزیران و معاونین خود را به خبرنگاران معرفی می‌کرد، یک گروه از افراد مسلح به سفارت آمریکا در تهران حمله بردند. دو ساعت تیراندازی مدام ادامه داشت، تفنگداران دریایی آمریکا سنگر گرفته در داخل سفارت با شلیک گازهای اشک‌آور مانع از ورود مردم به داخل محوطه می‌شدند. چند تنی که خود را از نرده‌ها بالا کشیدند و به داخل انداخته بودند، از درهای دیگر رانده می‌شدند. در همان زمان سولیوان سفیر آمریکا می‌کوشید تا از اعضای دولت موقت کسانی را پای تلفن بکشد که سرانجام موفق شد. دقایقی بعد سولیوان از اتاق خود بیرون آمد به تفنگداران دستور داد تیراندازی نکنند. در این زمان چریک‌ها وارد ساختمان شده بودند و از همه می‌خواستند که دست‌هایشان را روی سر بگذارند. همه افراد در سفارت تسلیم شدند. اما

دقایقی بعد دکتر یزدی از سوی دولت وارد صحنه می‌شود و به دستور امام اوضاع به حالت عادی بر می‌گردد.» تا روز سیزدهم آبان‌ماه سال ۱۳۵۸ که این کار نیمه تمام، با گروگان‌گیری کارمندان سفارت تمام می‌شود. پس از ۴۴۴ روز بالاخره گروگان‌ها به آمریکا برگردانده می‌شوند. ارتباط رسمی بین دو کشور از آن موقع تا کنون قطع می‌باشد. در این مدت وقایع گوناگونی واقع می‌شود که در تاریخ ثبت است و از حوصله‌ی بحث خارج است.

شاید بتوان گفت مهمترین نکته آمدن فرستادگان رئیس جمهور آمریکا به سمت ایران است که با این نامه‌ی امام به فصاحت طرف آمریکایی ختم می‌شود:

«از قرار اطلاع، نمایندگان ویژه کارتر در راه ایران هستند و تصمیم دارند به قم آمده و با اینجانب ملاقات نمایند لهذا لازم می‌دانم متذکر شوم دولت امریکا که با نگهداری شاه اعلام مخالفت آشکار با ایران را نموده است و از طرفی دیگر آنطور که گفته شده ست سفارت امریکا در ایران محل جاسوسی دشمنان ما علیه نهضت مقدس اسلامی است لذا ملاقات با من به هیچ وجه برای نمایندگان ویژه ممکن نیست و علاوه بر این:

- ۱- اعضای شورای انقلاب به هیچ وجه نباید با آنان ملاقات نمایند.
- ۲- هیچیک از مقامات مسئول حق ملاقات با آنان را ندارند.
- ۳- اگر چنانچه امریکا شاه مخلوع این دشمن شماره یک ملت عزیز ما را به ایران تحویل دهد و دست از جاسوسی بر ضد نهضت ما بردارد راه مذاکره در موضع بعضی از روابطی که به نفع ملت است باز می‌باشد.^۱

۱. موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، انقلاب دوم، چاپ دوم، ۱۳۶۸، بخش دوم (تدارک کودتا - برنامه و سازمان کودتا) از ص ۱۰۱ به بعد.

آیا تسخیر سفارت یک کشور در ابتدای انقلاب درست بود؟

مخصوصاً سؤال را این‌گونه طرح کردم که توجه شما را به نکته‌ای مهم جلب کنم. دلیل اصلی اعتراض به اشغال سفارت آمریکا که گاهی از سوی دوستان ساده لوح و همیشه از دشمنان کینه توز از آن سوء استفاده‌ی تبلیغاتی می‌کنند، مغالطه در پرسش است. جواب این سؤال قطعاً منفی است. یعنی این کار درست نیست. چرا که شرعاً و عقلاً کاری خطا و نادرست است. طبق عرف بین‌المللی وجود سفارت‌خانه در یک کشور به معنای پذیرش تمام قوانین وضع شده، برای تمامی سفارت‌خانه‌هاست. سفارت‌خانه جزئی از یک کشور است که امنیت آن بر عهده‌ی کشور میزبان است. پس اگر کسی از درستی تسخیر سفارت یک کشور بپرسد می‌گوییم کار نادرست و محکوم و غیر قابل دفاع است. اما نکته‌ی مهم و اساسی این است که اگر یک سفارت‌خانه وظایف معمول خویش را انجام ندهد یا در کنار کارهای محوله بخواهد جاسوسی و توطئه کند، یا محلی جهت پناه دادن به بدخواهان و دشمنان آن کشور باشد و در واقع پشتیبان یا جاده صاف کن و آماده کننده‌ی کودتا و خرابکاری و دشمنی علیه آن سرزمین باشد، تکلیف چیست؟ آیا هیچ عاقلی در درون جبهه خودی پایگاهی به دشمن اصلی خویش می‌دهد؟

آری! بعد از تسخیر سفارت آمریکا، این مسئله بر همگان ثابت شد. مدارک و اسناد بسیاری از سفارت‌خانه‌ی آمریکا به دست دانشجویان افتاد که دلیل روشنی بر درستی این کار و هوشمندی دانشجویان بود که کام دشمنان و بدخواهان را تلخ کرد و پشتیبانی رهبر انقلاب و مردم عزیز و انقلابیون را به دنبال داشت. امام خمینی علیه السلام در بیانیه‌ها و سخنرانی‌های گوناگونی به این معنا اشاره فرمودند. به عنوان نمونه چند مورد را بخوانید:

«سفارت‌خانه‌ها حق ندارند که جاسوسی کنند، توطئه بکنند و اینها جاسوسی می‌کردند. ملتی که برای خدا قیام کرده و شهادت طلب می‌کند از

هیچ نمی ترسد....»^۱

«ما مدعی هستیم که اینجا سفارتخانه نیست، اصلش قضیه سفارت در کار نبوده و ما مدعی هستیم که این آدمهایی که در اینجا بودند، اینها اجزاء سفارتخانه نبودند، به اسم سفارتخانه شما یک چیزی درست کردید که لانه جاسوسی است و بیایند ببینند که آیا این چیزهایی که در این سفارتخانه هست، اینها اسباب دست جاسوسهاست یا وسایلی است که سفارتخانه لازم دارد؟»^۲

به نظرم خواندن در انتهای این مطلب، جای هیچگونه شک و شبهه‌ای در ذهن هر کس که به دنبال حقیقت است بر جای نخواهد گذاشت:

«آقای بنی صدر یک مدّت کوتاهی وزیر امور خارجه شد. او یک بیانیه‌ای هم خطاب به آمریکایی‌ها داد و می‌خواست توجیه کند که چرا همچین اتفاقی در ایران اتفاق افتاده است. در بیانیه‌اش آورده بود که اگر سفارتخانه‌ای در کشور شما فعالیت بکند و بعداً بفهمید که آن سفارتخانه به جای دیپلماسی در کشور شما علیه منافع شما کار می‌کرده برخورد شما با آن افراد شاغل در آن سفارتخانه چگونه می‌بود؟ و در آخر بیانیه‌اش هم آورده بود که من به شما اطمینان می‌دهم که وضعیت این گروگان‌ها خوب است و با آن‌ها خوش رفتاری می‌شود و نگران نباشید.

در آن دوره هر کسی یک جمله علیه دولت موقت می‌گفت، برایش امتیاز بود. البته بعدها بنی صدر مدعی شد که او با اشغال سفارت موافق بود اما با گروگان‌گیری مخالف بوده است. اما از همین بیانیه‌اش در روزنامه انقلاب اسلامی و دیگر نوشته‌هایش در آن زمان چنین مطلبی استنباط نمی‌شد.»^۳

۱. صحیفه نور ۱۲: ۲۶۲.
۲. صحیفه نور ۱۰: ۱۱۹.
۳. سعید سماوات، انقلاب دوم، حقایق و وقایع: ۱۵۲.

امام و تسخیر سفارت آمریکا

بیش توحیدی و بت شکنی امام علیه السلام

بیش توحیدی حضرت امام علیه السلام بنیانگذار جمهوری اسلامی برگرفته از منطق وحی و تعالیم قرآن کریم و مکتب انبیاء است و با توکل بر خدا در برابر بت پرستان ایستاد و به این موضوع فکر نکرد که آیا دولت و ملت خداجوی ایران در ابتدا و جریان انقلاب در سال‌های بعد، قدرت مقابله یا ایستادن با آنها را دارد یا خیر؟ چرا که طبق پیش و روش برگرفته شده از وحی، هر مسلمان، مأمور به انجام تکلیف و وظیفه‌ی الهی خویش است و کاری به نتیجه ندارد. شکست یا پیروزی اگر از انجام تکلیف حاصل شود، به یک اندازه مقدّس و درست است.

تقابل در اوضاع بحرانی

به روایت تاریخ ایستادگی و تقابل در برابر آمریکا به عنوان سمبل استکبار از سوی بنیانگذار و رهبر انقلاب اسلامی ایران زمانی صورت می‌گیرد که کسی جرأت اعلام نظر در برابر این بت بزرگ را نداشته است.

در تقابل اول که اعتراض به قانون کاپیتولاسیون است، با آن که زیاده‌خواهی آمریکا و تحقیر ملت ایران از سوی دولت زورگوی آن بی سابقه است، با جو آن روزها و ارتباط ویژه حکومت وقت با دولتمردان آمریکا، هیچ‌یک از گروه‌ها جرأت اظهار مخالفت و نظر به خود نمی‌دادند.

در تقابل دوم که همان انقلاب دوم نام گرفت نیز اوضاع بحرانی بود. از سویی حرکت خودجوش دانشجویان در تسخیر این لانه‌ی جاسوسی، بهانه‌ی خوبی به دست دشمنان خارجی علیه این انقلاب نوپا می‌داد. آنان در تبلیغات دامنه‌داری این اقدام را دلیلی بر ناامنی در کشور و تجاوز به خاک سفارت یک کشور که بخشی از خاک آن است، را مطرح کردند.

از سویی دیگر در داخل کشور نیز عده‌ای از مسئولان بلند پایه و بخشی از



انقلابیون، دانسته یا نادانسته همسو با آن دشمنان، مخالف این اقدام بوده و تحرّکاتی را نیز در جوانب مختلف همچون استعفاء و تظاهرات و سخنرانی و... آغاز کرده بودند.

اما امام راحل اهمیتی به این تبلیغات و هیاهوی رسانه‌ای و اقدامات گوناگون و همه جانبه نمی‌دهند و بر اساس تکلیف الهی خویش با تأیید این حرکت، پرده از چهره‌ی خبیث استکبار جهانی در دشمنی با ملت قهرمان ایران کنار زده و آنان را رسوا می‌کند.

استکبارستیزی همیشگی ملت انقلابی و با بصیرت

ناگفته نماند اقدامات داخلی و خارجی اشاره شده، به دلایل گونه هیچ‌گاه به پایان خود نرسید و تا کنون نیز ادامه دارد. اما جای نگرانی نیست؛ چرا که پرچم استکبارستیزی پس از امام راحل علیه السلام به دست رهبری معظم انقلاب سپرده شد و ملت هوشیار و آگاه و ولایت پذیر ایران نیز به خوبی مراقب انقلابی که حاصل خون شهیدان بسیاری است، در صحنه‌ی دشمنی با آمریکا هستند.

سید حمید روحانی رئیس بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی با یادآوری آن روزها و نتیجه‌ی بابرکت آن درافشاگری چهره‌ی استکبار در تمامی جوامع و انتقاد از عملکرد برخی در مخالفت با این حرکت روشنگر چنین می‌گوید:

«... عده‌ای خواب‌نما شده‌اند که امام علیه السلام مخالف مرگ بر آمریکا بود، امام علیه السلام اهل درگوشی حرف زدن نبودند. آن روز که امام سفارتخانه آمریکا را در ایران لانه جاسوسی نامیدند، شاید کمتر کسی باور می‌کرد که پس از گذشت ده‌ها سال، همه‌ی دنیا دریابند که سفارتخانه‌های آمریکا در جهان لانه جاسوسی است.»



چهارده نتیجه، پیام و اثر تسخیر لانه‌ی جاسوسی از زبان امام علیه السلام

این بخش را که اهمیتی ویژه‌ای هم دارد فقط از زبان بنیانگذار عزیز جمهوری اسلامی ایران، امام بزرگوار - که روحش با انبیاء و اولیاء الهی محشور و خشنود باد - آوردم. به دو دلیل!

چرا از زبان امام علیه السلام؟

اولاً به جهت بهتان‌های عجیبی که در این سال‌های اخیر به ایشان نسبت دادند و ناجوانمردانه گفتند ایشان با تسخیر لانه‌ی جاسوسی مخالف بوده و به جهت مصلحت موافق کردند! یا گفتند ایشان دستور به حذف شعار مرگ بر آمریکا داده‌اند!

ثانیاً لجن پراکنی امپراطور دروغ رسانه‌ای BBC که هر روز چهره‌ی نفاق و خباثش بر همگان بیشتر آشکار می‌شود، ادعا کرد که در ابتدای انقلاب ارتباط و نامه‌نگاری‌های مخفیانه بین ایشان و آمریکایی‌ها وجود داشته است! این رهبر عالم و بی‌نظیر که به آزادگی و شجاعت و الهی بودن بیش و روش ایشان، دشمنان نیز معترفند، نیاز به دفاع همچون من حقیر ندارد. اما بر خود وظیفه دانستم که از میان انبوه استنادات بسیار روشنی که در کلام و رفتار ایشان بر ابطال این دروغ‌ها موجود است، تنها چهارده نکته را تیمناً و تبرکاً - که هر کدام گوشه‌ای از ماهیت استکباری آمریکا را آشکار می‌کند - بیاورم... حکایت قطره از دریا، نمی‌ازیمی، در وصف این بخش تعبیر مناسبی خواهد بود. اگر توفیق همراهی امان می‌کرد بدون شک کار آسانی بود که صدها صفحه‌ی کتابمان را به مواضع ضد آمریکایی آن پیر مغان، روشن و مفتخر کنیم...

۱) کوتاه شدن دست شیطان بزرگ از ذخایر ایران

امام علیه السلام علت هیاهوی آمریکا و تبلیغات مسموم رسانه‌ای علیه تسخیر لانه‌ی جاسوسی را کوتاه شدن دست کاخ سفید از منابع مادی و معنوی کشور دانسته و فرمودند:

«در این هیاهویی که شیطان بزرگ فریاد می‌زند و شیاطین را دور خودش جمع می‌کند، برای این است که دستش کوتاه شده است. دستش از ذخایر ما، از منافعی که در اینجا داشت کوتاه شده و ترس این را دارد که، دیگر تا آخر این کوتاهی ادامه داشته باشد، از این جهت توطئه می‌کند و آن مرکزی هم که جوان‌های مارفتند گرفتند، آن‌طور که اطلاع دادند، مرکز جاسوسی و مرکز توطئه بوده است که شاه را ببرد آنجا مشغول توطئه کند، پایگاهی هم اینجا توطئه کند و جوان‌های ما هم بنشینند و تماشا کنند؟»

۲) استیفای حق ملت ایران

امام (ره) تسخیر لانه‌ی جاسوسی را واکنش طبیعی دانشجویان در مقابل جنایت‌ها و توطئه‌های آمریکا در ایران و حمایت از شاه، پس از فرار از کشور، می‌دانستند:

«توقع این است که جانی دست اول ما را ببرند آنجا نگهدارند و حمایت از او بکنند و اینجا هم مرکز توطئه درست کنند و مرکز پخش چیزهایی که توطئه‌گری است درست بکنند و ملت ما و جوان‌های ما و جوان‌های دانشگاهی ما و جوان‌های روحانی ما بنشینند تماشا کنند، تا خون این صد هزار نفر، تقریباً، هدر برود. برای اینکه احترامی قائل شوند به آقای کارتر و امثال این‌ها، توطئه‌ها نباید باشد، البته توطئه نبود، اگر این خرابکاری‌ها نبود، اگر آن کار فاسد نبود همه مردم آزادند در اینجا موجود باشند، اما وقتی توطئه در کار است، وقتی که آن‌طور کارهای فاسد انجام می‌گیرد، ناراحت می‌کند جوان‌های ما را. جوان‌ها توقع دارند در این دنیا

مملکتشان که آن قدر برایش زحمت کشیدند، دستشان باشد. وقتی می‌بینند توطئه است که می‌خواهند که دوباره به حال سابق برگردد و دوباره همه چیزشان به باد برود، نمی‌توانند بنشینند.»

۳) برچیده شدن پایگاه اصلی توطئه علیه ملت

امام راحل علیه السلام به صراحت سفارت آمریکا را مرکز توطئه و جاسوسی دانسته و به همین علت پشتیبانی ملت را از چنین حرکتی، کاملاً طبیعی می‌دانند:

«اگر اینها یک مسالهی سفارتی بوده است، احتیاج به این کار نبود. اگر یک مسائلی بود که مربوط به توطئه‌هایی که بر ضد ماست نبود، این محتاج به این عمل نبود، حالا که این توطئه‌ها به ملت ما ثابت شده است و این عملی که این جوان‌های ما انجام داده‌اند، تمام ملت ما، الا بعضی منحرفین در اینجا و سایر ممالک دیگر، از آن پشتیبانی کردند و این خواست تمام ملت ما بوده است، نه یک خواست از روی هوای نفسانی. این حق از برای ملت ما هست، سفارتخانه‌ها حق قانونی ندارند که جاسوسی بکنند یا توطئه.»

۴) پاسخ کوبنده به قانون شکنی و تجاوز

حضرت امام (ره) معتقد بودند، به علت رفتارهای خلاف عرف بین‌المللی کارمندان سفارت آمریکا، این مرکز از حقوق سیاسی متداول در عرف بین‌المللی برخوردار نیست. بنابراین می‌فرماید:

«مرکز توطئه و جاسوسی به اسم سفارت آمریکا و اشخاصی که در آن بر ضد نهضت اسلامی ما توطئه نموده‌اند، از احترام سیاسی بین‌المللی برخوردار نیستند، تهدیدات و تبلیغات دامنه‌دار دولت آمریکا به قدر پیشیزی نزد ملت ما ارزش ندارد. نه تهدید نظامی او عاقلانه است و نه تهدید اقتصادی او واجد اهمیت.»



◀ (۵) اعتراض مردم انقلابی به حمایت آمریکا از شاه جنایتکار

امام (ره) معتقد بودند که شاه به خاطر چپاول ثروت ملت ایران باید بازگردانده شود و تا آن زمان، گروگان‌ها در اختیار ایران باقی خواهند ماند: «چرا ملت می‌خواهد که شاه بیاید و تا نیاید دست از این گروگان‌ها برداشته نخواهد شد و چرا کارتر این قدر اصرار دارد که شاه را نگه دارد. علت اینکه ملت ایران می‌خواهد شاه برگردد این است که دارایی‌های ایران در دست اوست.»

◀ (۶) لوزه به امنیت دولت‌های ستمگر

یک خبرنگار از امام (ره) پرسید: «مساله‌ی سفارت آمریکا کشورهای بسیاری را نگران کرده است. فکر می‌کنند که گروگان‌ها یک سابقه‌ی خطرناکی خواهند شد؟» پاسخ (امام):

«کشورها هم معلوم می‌شود که در نظر شما هم همان است که در نظر کارتر است. وقتی که مطالعه بکنند در حال همه کشورهای دنیا، می‌بینند که اکثریت قاطع با مظلوم‌هاست. ظالم‌ها یک عده خیلی هستند. اگر مراد شما از ناراحتی، ناراحتی ظالم‌هاست مطلب صحیحی است. برای اینکه ظالم‌ها با امثال خودشان رفیق هستند و هرکسی به آن جنسی که دارد متمایل است.»

◀ (۷) اعلام روحیه‌ی توحیدی-معنوی ملت ایران

امام (ره) اعتقاد داشتند که ملت ایران علاقه‌ای به مظاهر مادی ندارد و برای احقاق حقوق خود حاضر به هرگونه فداکاری است: «اگر چنانچه شاه را تحویل ندهند، هرچه می‌خواهد پیش آید. ما پافشاری می‌کنیم و از هیچ چیز نمی‌ترسیم. ما نمی‌ترسیم از اسلحه‌ای که دست بی‌عقل است، ما نمی‌ترسیم، برای اینکه نمی‌خواهیم به این عالم خیلی عشق داشته باشیم. برای این که این عالم، چیزی ندارد. اینجا جز گرسنگی خودمان،

ظلم کشیدن، توسری خوردن از قدرت‌های بزرگ، چیزی برای ملت ما نمانده است که بترسیم یا ملت ما بترسد. ما تا همه جا حاضریم برای این امر.»

◀ (۸) برهم زدن مانور تبلیغاتی رئیس جمهور آمریکا

امام خمینی علیه السلام با تیزهوشی خاص خود به این نیت رسیده بودند که، کارتر نگران جان گروگان‌ها نیست و تنها علت پیگیری مسئله از سوی او، تأثیر آزادی احتمالی گروگان‌ها بر انتخاب مجدد وی، به عنوان رئیس جمهور آمریکا بود:

«شما خیال می‌کنید که برای این پنجاه و چند نفر جاسوسی که در اینجا هستند، اینها دلشان سوخته، شما مطمئن باشید که مساله این نیست، اینها فوج فوج سربازهای خودشان را می‌فرستند به جبهه‌ها که بریزند و در جبهه‌ها بکشند و کشته بشوند. هزاران افراد را از خود ملتشان به کشتن می‌دهند، برای اینکه صدایی در خود آمریکا پیدا نشود، که این رئیس جمهور ما چه آدم کذایی است. نه برای خاطر این پنجاه و چند نفرشان دست و پا می‌زنند. همه‌ی تلاشش این است که، کارتر دوباره رئیس جمهور بشود.»

◀ (۹) فاش شدن نقش مخرب دیپلمات‌ها

نکته‌ی جالبی که در کلام امام (ره) مشاهده می‌شود این است که ایشان معتقد بودند، مأموران سفارت آمریکا در سفارت‌خانه، اقدام دیپلماتیک انجام نمی‌دهند و به همین علت، از فعالیتشان جلوگیری شده است: «اصلاً آقایان می‌گویند که سفارت‌خانه‌ها را باید تحویل آمریکا داد، نه، سفارت‌خانه‌ای ندارد تا ما تحویل بدهیم، آمریکا، مأموران سیاسی ندارد اینجا، به اینکه می‌گویند باید مأمورین سیاسی را تحویل بدهید، مأمورین سیاسی کی هستند، پیدا کنند تا ما تحویل دهیم.»

◀ (۱۰) شکستن هیبت پوشالی آمریکا

امام (ره) یکی از بزرگترین و مهم‌ترین پی‌آمدهای اشغال لانه



جاسوسی را، شکستن هیبت آمریکا می دانستند:

«اولین قدم هر مبارزه‌ای، ارزیابی این است که این مبارزه می‌شود یا نمی‌شود و شما ثابت کردید که نه، می‌شود با آمریکا هم طرف شد، می‌شود که لانه جاسوسی آمریکا را هم تصرف کرد و می‌شود جاسوس‌های آمریکایی را هم گرفت و نگهداشت و حفظ کرد. شما این را به دنیا ثابت کردید. آن عظمتی که از آنها به واسطه‌ی تبلیغات زیادی که داشتند و در دنیا سایه افکنده بود، که ابرقدرت است و کسی حق حرف زدن ندارد، آن شکست.»

۱۱) اعلان نقش ویژه و اراده‌ی ملت ایران در امور سیاسی

اعتقاد به نقش مردم، در تمامی مراحل انقلاب، از مهم‌ترین ویژگی‌های امام راحل بود. ایشان به همین علت، حل این مشکل را تنها از اختیارات مجلس شورای اسلامی می‌دانستند، که عصاره‌ی ملت تلقی می‌شد: «راه حل لانه‌ی جاسوسی را از من (خواستن)، که یک نفر هستم از ملت بزرگ ایران، به بیراهه رفتن است. حل این مساله به دست هیچ (کس) جز ملت شریف ایران و مجلس شورای اسلامی که منبعث از آرای ملت می‌باشد، نیست و (آمریکا) باید بداند که حمایت از شاه مخلوع، بعد از آن همه جنایات و خیانت‌های بزرگ و آن چپاول‌گری‌ها، مجالی برای حل به اصطلاح شرافتمندانه، نگذاشته است.»

۱۲) افشای نقض حقوق بین‌المللی از سوی مدعیان دروغگو

به دنبال واقعه‌ی طبس، امام (ره) به این نکته‌ی ظریف اشاره کردند که آمریکا به قوانین بین‌المللی که خود و هم‌پیمانان غربی‌اش مبدع آن بودند، نیز احترام نمی‌گذارد:

«این آقایی که می‌فریاد می‌زند که شما نقض قراردادهای بین‌المللی و اجتماعی را کردید، خودش همین نقض قرارداد بین‌المللی را کرده است که نظامی وارد کرده است، این یکی از چیزهایی است که نقض حقوق

بین‌المللی و قراردادهای بین‌المللی است.»

۱۳) بی‌اثر شدن بزرگنمایی‌های دروغین

تسخیر لانه جاسوسی موجب شد تا اثرات منفی تبلیغات آمریکا در مورد شکست ناپذیری خود، از اذهان مردم زدوده شود. امام در این باره می‌فرمایند: «این معنا که یکی برود در سفارت آمریکا و یک تعرضی بکند به سفارت آمریکا، در سابق و در زمان رژیم سابق، جزء تخیلات و شعرها به نظر می‌آمد. چطور امکان دارد که ملتی که هیچ ندارد، جوان‌هایی که دستشان چیزی نیست، بروند و به سفارت آمریکا تعرضی بیندازند، اگر یک همچون چیزی بشود، اصلاً ملت ایران به باد خواهند رفت. اینها چیزهایی بود که با شیطنت و تبلیغات، تو مغز مردم کرده بودند و مردم را از قدرت ملی و انسانی و اسلامی غافل کرده بودند.»

۱۴) آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند

امام (ره) تأکید داشتند که تسخیر سفارت، نشان داد که آمریکا، علی‌رغم تهدیدهای همه‌جانبه، در عمل امکان مقابله با ایران را ندارد، و به قول معروف، هیچ غلطی نمی‌تواند بکند:

«گمان می‌کردند که اگر چنانچه به زودی و فوراً این جاسوس‌ها را به آمریکا تقدیم نکنیم و یک عذرخواهی هم نکنیم، چه‌ها و چه‌ها خواهد شد. ارزش این عمل این است که، این اشتباهات را رفع کرد. شما الآن یک سال است که این جاسوس‌ها را، این مجرم‌ها را در آنجا حبس کردید و خبری هم نشد، نه بازارمان خوابید و نه اقتصادمان به هم خورد.»

حُسن ختام و اتمام حجت

در تکمیل نکته‌ی ابتدایی این بخش، جملاتِ خلفِ صالحِ امام عزیز که پرچم مبارزه با استکبار را به شایستگی در دست گرفته خواندنی است:

«بدیهی است که برای آمریکا و دیگر سردمداران استکبار چیزی مهم‌تر از

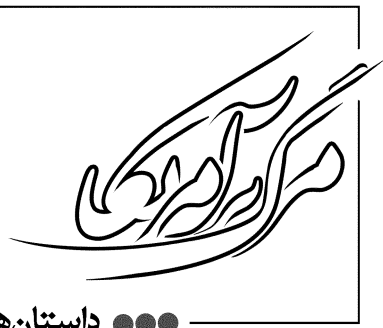
این نیست که ملت ایران از راه ده ساله‌ی خود برگردد یا در آن تردید کند زیرا در این صورت نقطه‌ی درخشان امید ملت‌ها کور خواهد شد و غلبه‌ی خون بر شمشیر مورد تردید قرار خواهد گرفت. ما صریحاً به ملت‌های جهان اعلام می‌کنیم که تفکر (خاتمه یافتن دوران خمینی) که دشمن با صد زبان سعی در القاء آن دارد، خدعه و نیرنگی استکباری بیش نیست و علیرغم آمریکا و همکارانش، امام خمینی در میان ملت خود و جامعه خود حاضر است و دوران امام خمینی ادامه دارد و خواهد داشت. راه او راه ما، هدف او هدف ما و رهنمود او مشعل فروزنده‌ی ماست؛ همه‌ی ملت و مخصوصاً جوانان عزیز و نوجوانان، خود را سربازان محبوب امامشان بدانند و با اتکال به خدا و استمداد از حضرت ولی الله الاعظم ارواحنا فداه با قوت و قدرت به سمت هدف‌های عالی امامشان حرکت کنند و بدانند که پیروزی نهایی از آن ماست.»^۱ حیفم آمد این مطلب را نیاورم... اعترافی که دشمن بر آمریکاستیزی رهبر انقلاب اذعان می‌کند، اما دوستان داخلی ...

اصلاً خودتان بخوانید و قضاوت کنید...

«یک آمریکایی مطالب زیادی در رابطه با شیعه و اعتقاداتش می‌گوید. بعد از آن یک اسرائیلی صحبت می‌کند که: «احمق تو یک ساعت و نیم داری صحبت می‌کنی و می‌گویی شیعه! یک اسم از (امام) خمینی نبردی، در حالی که مصیبت ما با شیعه وقتی شروع شد که شیعه یکی مثل (امام) خمینی را رو کرد، و الا تا قبل از (امام) خمینی خیلی خوب داشتیم نسخه شیعه را می‌پیچیدیم. آخه تو چه جور کارشناسی هستی که این را نمی‌فهمی؟!»^۲

قیامت چقدر شرمنده‌ی امام خواهیم بود؟... خدا می‌داند....

۱. فرمایشات معظّم له در دیدار با مردم ۷۰/۳/۸.
۲. روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، ۱۶ / ۱۱ / ۸۳



فصل سوم
خودتان قضاوت کنید!
داستان‌های خواندنی و عبرت‌آموز

تاریخ تکرار می‌شود...

◀ ذلّت قبل از انقلاب

در سفری که سال ۵۸ به خوزستان داشتم از دادستان خوزستان پرسیدم: چه خبر؟ ایشان فرمودند: چند ماهی از حرکت انقلابی ملت مسلمان ایران نگذشته بود که مستشاران آمریکایی احساس خطر کرده یکی پس از دیگری ایران را ترک می‌کردند، یکی از مهره‌های آمریکایی نیز که کارشناس مسائل ایران در مسجد سلیمان بود، تصمیم به بازگشت گرفت. از تهران سفارش شده بود که از او احترام شود و با بدرقه‌ی رسمی، او را تا پای پلکان هواپیما همراهی کنید. ضمناً یک تخته قالی قیمتی توسط استاندار خوزستان به عنوان هدیه‌ی شخص اعلیحضرت به او داده شود. مستشار آمریکایی هم به هنگام خداحافظی جعبه‌ای کادو پیچی شده را به استاندار داد تا به شخص شاه بدهد. بعد از پرواز هواپیما خبر دادند که کادویی توسط مستشار آمریکایی داده شده است گفتند: باز کنید و ببینید چیست؟ وقتی کادو را باز کردند دیدند مقداری دستمال کاغذی است که مستشار آمریکایی در مستراح از آن استفاده کرده است! ملاحظه کنید ذلّت یک ملت را و تماشا کنید عزّت همین ملت بیدار را. چند ماه پس از پیروزی انقلاب نخست وزیر وقت شهید رجایی به سازمان ملل رفت، رئیس جمهور آمریکا از او وقت ملاقات خواست، ایشان فرمود:

از طرف ملت‌م اجازه ندارم با کسی که این همه به ما ظلم کرده ملاقات کنم.^۱

◀ عزت پس از انقلاب

رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام علیه السلام همانگونه که خود عزت نفس والایی داشتند، از هرگونه ذلت برای خود و مسلمین متنفر بودند، و از این که مسلمانی تحقیر شود، غیرت و حساسیت ویژه‌ای داشتند، بارها فرمود: «وقتی عکس شاه معدوم را در برابر فلان رییس جمهور آمریکا دیدم که آن طور ذلیلانه در مقابل او ایستاده بود، بسیار ناراحت شدم، و تلخی این منظره هنوز برای من باقی است که شاه مملکت اسلامی در برابر کافر خدانشناس این طور اظهار کوچکی کند.»

یکی از علمای برجسته که بیش از نودسال از عمرش گذشته و از شاگردان آیه الله العظمی آقا ضیاء عراقی علیه السلام بود می گفت: «عزت و اعتباری که امام خمینی به اسلام و قرآن و تشیع داده، هیچ عالمی از علمای اسلام بعد از غیبت صغری تا به حال نداده است.»

نویسنده و روزنامه نگار فرانسوی می نویسد: «باید بگویم تصویری که من از امام همیشه در قلبم محفوظ دارم این است که او مردی است که به یک ملت شخصیت و عزت بخشید، و بر قلوب ملتی که او را برگزیدند حکومت می کرد.»^۲

◀ انقلاب کدام بساط را بر چید؟

شما جوانان عزیز بدانید در این کشوری که شما زندگی می کنید، امروز هیچ گونه تسلطی - نه آمریکا و نه هیچ قدرت دیگری - بر این کشور و بر سیاستهای این کشور و بر دولت این کشور ندارد. در این کشور، سفیر آمریکا و سفیر انگلیس، هر چه می خواستند به رؤسای این کشور دیکته می کردند

۱. استاد قرآنی، درسهایی از قرآن.

۲. داستان‌ها و پندها: ۱۲۳.

یک روزی آنها همان گونه انجام می دادند. آن روزا گر سفیر آمریکا در مهمترین مسائل جهانی و داخلی نظری داشت؛ آن نظر را به محمد رضا پهلوی که شاه ایران بود، و یا نخست وزیر او و یا به هر یک از وزراء می گفت؛ محال بود آنها بر طبق آن عمل نکنند؛ حتی اگر بر خلاف منافع شخصی آنها هم بود، ناچار بودند عمل کنند. مدتی تلاشی می کردند، دست و پایی می زدند، لیکن مجبور بودند عمل کنند. تسلط بیگانه‌ها در این کشور این طوری بود. در این کشور، قرارداد نفت ایران و انگلیس داشت مدتش تمام می شد، چند نفر در دوره‌ی پهلوی اول نشستند قراردادی را تنظیم کردند که تا حدودی منافع ایران در آن رعایت می شد. رضاخان وارد جلسه‌ی هیأت وزرا شد، رفت آن نوشته را از مقابل وزیر ذی ربط برداشت و همان جا جلوی چشمانشان داخل بخاری انداخت و سوزاند. چرا؟ چون قبلاً سفیر انگلیس و فرستاده انگلیس پیش او آمده بود و یکی دو ساعت با او جلسه‌ی خصوصی برگزار کرده بود و در آن جلسه خصوصی، آنچه باید به آن شخص بگوید، گفته بود و او هم آمد چیزی را که حتی اندکی منافع ایران را تأمین می کرد و دشمن و بیگانه آن را تحمل نمی کرد، داخل بخاری انداخت و سوزاند و از بین برد. عزیزان من تمام تاریخ دوران پهلوی در این کشور، این گونه گذشته است. منافع ملت اول کار تحت الشعاع منافع انگلیس بعد هم در این سی، چهل سال اخیر، تحت الشعاع منافع آمریکا.

اگر منافع آمریکا در چیزی بود، در کاری بود، در معامله‌ای بود، محال بود که مسئولان این کشور برخلاف آن رفتار کنند؛ بر طبق نظر آنها رفتار می کردند. انقلاب آمد، این بساط غلط، این معامله غلط، این رابطه بسیار تحقیرآمیز و ذلت بار را به هم زد.^۱

◀ اعتراف اولین سفیر آمریکا به قدرت علما

۱. روزنامه کیهان ۱۳/۷/۷۷.

اولین سفیر آمریکا در ایران، در خاطرات خود چنین می نویسد:

«... حکام شرع ملا یا مجتهد نامیده می شوند که بزرگترین مجتهدهای حالیه که به منزله رییس عدالتخانه حالیه ممالک فرنگ است، حاجی ملا علی کنی است ... حاجی ملا علی شخص مسنی است و ظاهراً مایل به تجمل نیست بلکه میل به سادگی زیاد دارد، اگر چه املاک او زیاد است، مع هذا نمی خواهد جلال و ظاهر سازی به خرج دهد.

وقتی در کوچه ای راه می رود بر قاطر سفیدی سوار می شود و فقط یک نفر نوکر دارد، اما جمعیت از هر طرف کوچه به جلوی او ازدحام می کنند مثل اینکه وجودی ملکوتی است، اگر یک کلمه بگوید می تواند اعلی حضرت شاه را از سلطنت خلع کند.

وقتی به نزد اعلی حضرت شاه می آید پادشاه به جهت احترام او قیام تمام به عمل می آورد.

سربازهایی که در سفارت ممالک متحده آمریکا قراول می کشیدند به من گفتند که اگر چه ما برای حفظ وجود شما اینجا فرستاده شده ایم، اما اگر حاجی ملا علی امر کند همه شما را می کشیم!^۱

◀ چطور ممکن است؟

نقل است که آیت الله شهید شیخ فضل الله نوری رحمته الله علیه در جواب سعد الدوله که نصب پرچم سفارت هلند را بر فراز خانه ی ایشان جهت در امان ماندن شیخ شهید از خطر پیشنهاد می نمود فرمودند: «آقای سعدالدوله! بیرق^۲ ما را باید روی سفارت اجنبی^۳ بزنند! چطور ممکن است صاحب شریعت به من - که یکی از مبلغین احکام آن هستم - اجازه فرماید پناهنده به خارج از شریعت

۱. شنیدنی های تاریخ: ۱۱۶.

۲. پرچم.

۳. بیگانه.

آن شوم مگر قرآن نخوانده اید؟ (این آیه) جزء (آیات) محکومات است که می فرماید: ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾^۱ مگر آیه ی: ﴿لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَرَىٰ أَوْلِيَاءَ﴾^۲ را فراموش کرده اید؟ من راضی هستم که صد مرتبه زنده شوم و مسلمین و ایرانیان مرا مثلثه (=قطعه قطعه) کرده، بسوزانند ولی پناهنده به اجنبی نشده و برخلاف امر شارع مقدس اسلام رفتار نکرده باشم.^۳

◀ آری! حق با شماست...

استاد ابوالفضل بهرامپور مؤلف تفسیر «نسیم حیات»، خاطره ای از تشرّف خویش به سرزمین وحی را چنین بیان نموده است: من در سالی که انقلاب اسلامی ایران پیروز شده بود به حجّ مشرف شده بودم و بحث «دین از سیاست جدا نیست» بحث رایج میان مسلمانان بود. من در نماز جماعت برادران اهل سنت شرکت کردم تا اگر زمینه ای برای بحث و گفتگوی علمی پیش آمد، دیدگاه های سیاسی و قرآنی تشیع را با علمای حجاز مطرح کنم. نظر به این که عدّه دیگری هم از حجّاج ایرانی با امامان مساجد بحث ها می کردند، لذا آنها خوش نداشتند که با ما ایرانی ها بر سر میز بحث و مذاکره بنشینند. من در مسجدی با امام جماعتی که حاضر نمی شد با کسی بحث کند سر سخن را چنین باز کردم و گفتم: آقا! قرآن ها شما در اولین آیه ی سوره ی ابراهیم، اشتباه کرده و الف و لام «ظلمات» را حذف کرده است در صورتی که قرآن های چاپ ایران، «الظُّلُمَات» را با الف و لام نوشته اند و این صحیح است و آن این آیه است:

۱. سوره ی مبارکه ی نساء، آیه ی ۱۴۱. خداوند اجازه نداده که کافرین بر مؤمنین هیچ گونه تسلط و برتری داشته باشند.

۲. سوره ی مبارکه ی مائده، آیه ی ۵۱. یهود و نصاری را ولی (و دوست و تکیه گاه خود) انتخاب نکنید.

۳. ر. ک: مردان علم در میدان عمل ۴: ۳۳۱ و ۳۳۲ به نقل از: مکتوبات و اعلامیه ها پیرامون شیخ شهید ۲: ۳۶۲.

«الر کتابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»
الر، (این) کتابی است که بر تو نازل کردیم تا مردم را از تاریکی‌ها به
سوی روشنایی (ایمان و عدل و آگاهی) درآوری.»

امام مسجد شدیداً برافروخته شد و با کمال تعجب قرآن‌های متعددی با
چاپ‌های مختلف را آورد و آنها را یکی پس از دیگری باز کرد و به من گفت:
چشم‌ت را درست باز کن تا ببینی که قرآن‌های ما هم آن (=ظلمات) را با الف و
لام نوشته‌اند. گفتم: گر چه شما لفظاً الف و لام را بر «ظلمات» آورده‌اید اما
عملاً آن را حذف کرده‌اید و اختلاف بحث سیاسی ما با شما در مورد همین
الف و لام است. به این دلیل که شما می‌گویید «دین از سیاست جداست و ما را
چه کار که در حج شعار برائت از مشرکین و اسرائیل بدهیم. ما مشغول عبادت
خودمان باشیم، بهتر است و به ما نمی‌رسد که درباره‌ی این که چرا ولایت و
سرپرستی یهود و مسیح و آمریکا را پذیرفته‌ایم، بحث کنیم» ولی ما مسلمانان
ایران می‌گوییم: پیامبر اکرم ﷺ طبق این گونه آیات^۱ از جانب خدا مأمور بوده
است که مردم را از تمام ظلمت‌ها بیرون بیاورد. ظلمت شرک، ظلمت قتل و
زنا و دزدی و ظلمت پذیرفتن ولایت کافران و بیگانگان و ظلمت ارتباط و
روابط تنگاتنگ و غیرمشروط با دشمنان اسلام. و اگر علمای اسلام بگویند که
ما فقط تکلیف داریم در مبارزه با پاره‌ای ظلمت‌ها مبارزه کنیم و در سیاست
جهانی داخل نشویم، در واقع آنها الف و لام «الظلمات» را حذف کرده و آن را
از عمومیت انداخته‌اند»^۲. در پایان بحث، امام مسجد از خود انصاف نشان داد
و گفت: آری، حق با شماست ولی ما چه می‌توانیم بکنیم؟ «نَحْنُ الْمُؤَظَّفُونَ» ما

۱. سوره‌ی مبارکه‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۱.

۲. از قبیل: سوره‌ی مبارکه‌ی طلاق، آیه‌ی ۱۱؛ سوره‌ی مبارکه‌ی حدید، آیه‌ی ۹؛ سوره‌ی مبارکه‌ی احزاب، آیه‌ی ۴۳؛ سوره‌ی مبارکه‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۵؛ سوره‌ی مبارکه‌ی مائده، آیه‌ی ۱۶.

۳. صیغه جمع همراه با الف و لام (مُخَلَّوْنَ به ال) غالباً افاده‌ی عموم می‌کند. بنابراین «الظلمات» به معنی تمام ظلمت‌هاست. «ظلمات» جمع است و حداقل آن سه ظلمت و تاریکی است ولی اگر الف و لام داشته باشد مراد از آن حد اکثر جمع خواهد بود یعنی تمام ظلمت‌ها و تاریکی‌ها.

کارمندیم و بیش از این حق نداریم.^۱

◀ غیر از خودتان همه از آمریکا می‌ترسند!

این خاطره را بارها نقل کرده‌ام که در یکی از مجامع بین‌المللی که نطق
خیلی پرشوری در آنجا علیه تسلط قدرت‌ها و نظام سلطه در دنیا ایراد کردم و
آمریکا و شوروی را در حضور بیش از صد هیأت نمایندگی و رؤسای دولتها،
به نام کوبیدم و محکوم کردم، بعد از آن نطق، عده‌ی زیادی آمدند تحسین و
تصدیق کردند و گفتند: همین سخن شما درست است. یکی از سران کشورها
که یک جوان انقلابی بود - و البته بعد هم او راکشتند - نزد من آمد و گفت: همه
حرفهای شما درست است، منتهی من به شما بگویم که به خودتان نگاه نکنید
که از آمریکا نمی‌ترسید؛ همه اینهایی که در اینجا نشسته‌اند، از آمریکا
می‌ترسند! بعد سرش را نزدیک من آورد و گفت: «من هم از آمریکا
می‌ترسم!»^۲

◀ ما از آمریکا نمی‌ترسیم!

مقام معظم رهبری در بیان خاطره‌ای از امام عزیز درباره‌ی گروگان‌های
آمریکا در واقعه‌ی هوشمندان‌هی تسخیر لانه جاسوسی چنین بیان داشتند:
«... من و آقای هاشمی و یک نفر دیگر - که نمی‌خواهم اسم بیاورم - از
تهران به قم خدمت امام رفتیم تا بپرسیم بالاخره این جاسوسان را چه کار
کنیم؛ بمانند، یا نگه‌شان نداریم؛ به خصوص که در دولت موقت هم جنجال
عجیبی بود که ما اینها را چه کار کنیم!

وقتی که خدمت امام رسیدیم و دوستان وضعیت را شرح دادند و گفتند
مثلاً رادیوها این طور می‌گویند؛ آمریکا این طور می‌گوید؛ مسئولان دولتی
این طور می‌گویند؛ ایشان تأملی کردند و سپس با طرح یک سؤال واقعی
پرسیدند: «از آمریکا می‌ترسید؟»؛ گفتیم نه؛ گفتند: «پس نگه‌شان دارید!»

۱. ر.ک: نسیم حیات ۱: ۸۰ و ۸۱.

۲. حکایت نام‌هی سلاله‌ی زهرا، (مقام معظم رهبری): ۳۷۳.

بله، آدم احساس می‌کرد که این مرد خودش از این شکوه ظاهری و مادی و این اقتدار و امپراتوری مجهز به همه چیز، حقیقتاً ترسی ندارد. نترسیدن او و به چیزی نگرفتن اقتدار مادی دشمن، ناشی از اقتدار شخصی و هوشمندانه او بود. نترسیدن هوشمندانه، غیر از نترسیدن ابلهانه و خواب‌آلوده است؛ مثلاً یک بچه هم از یک آدم قوی یا یک حیوان خطرناک نمی‌ترسد؛ اما آدم قوی هم نمی‌ترسد؛ منتها انسانها و مجموعه‌ها در قوت خودشان دچار اشتباه می‌شوند و قوت‌هایی را نمی‌بینند.^۱

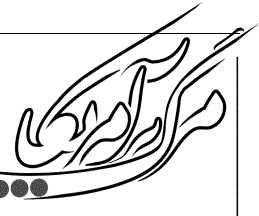
بهبست یا جهنم؟

روز اشغال سفارت آمریکا شهید وزوایی دؤمین یا سؤمین نفری بود که از نرده‌ها بالا رفت و پرید آن طرف دیوار. خودش گفته بود: داداشی ما کار کوچکی نکردیم، بالای نرده‌ها که بودم احساس می‌کردم فرشته‌های هفت آسمون دارن نگاهمون می‌کنن. داداشی! ما یا از روی این نرده‌ها به آسمون چنگ می‌زنیم یا با کله می‌ریم ته جهنم.^۲

خواستم دانستم در دست دشمن نباشد

شهید مصطفی چمران دارای مدرک دکترای الکترونیک و فیزیک پلاسما از دانشگاه بروکلی آمریکا بود. مادر دکتر، به او سفارش کرده بود که پسرم هیچ وقت خدا را فراموش نکن. وقتی در آمریکا بود، سازمان فضایی آمریکا (ناسا) پیشنهاد عضویت در هیأت علمی این سازمان را به او می‌دهد ولی دکتر قبول نمی‌کند. وقتی به ایران می‌آید می‌گوید: مادر حرف تو را گوش کردم و به هیچ عنوان خدا را فراموش نکردم. آمدم ایران و نخواستم دانشم در دست دشمن باشد.^۳

۱. بیانات در دیدار اعضای دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت
 ۲. یادها و یادمانها : ۱۴۱.
 ۳. روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، ۱۴ / ۲ / ۷۳.



اولین گام به سوی سرنوشت (۱۳/آبان/۴۲)

«الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ»^۱ آنها که ایمان آوردند، و هجرت کردند، و با اموال و جانهایشان در راه خدا جهاد نمودند، مقامشان نزد خدا برتر است؛ و آنها پیروز و رستگارانند!

کاپیتولاسیون چه بود؟

Capitular در لغت به معنای انعقاد عهدنامه، قرارداد، عهدنامه، فصل، صلح موقت، تنظیم و بیان رئوس مطالب، شمارش عناوین، شرایط عهدنامه و.... است. از نظر مفهوم اصطلاحی و حقوقی و مرتبط با بحث ما به بیان ساده همان مصونیت قضایی و محاکمه‌ی هر شهروند آمریکایی در ایران است.

این موضوع برای اولین بار در اسفند ماه سال ۱۳۴۰ و در زمان دولت امینی مطرح می‌شود که مسکوت می‌ماند و اصلاً به آن توجهی نمی‌شود.

در ۱۳ مهر ۱۳۴۲ اسدالله علم نخست وزیر است که این موضوع با اصرار زیاد آمریکا، در سکوت محض خبری مطرح و به تصویب می‌رسد.

بعد از چند روز امام خمینی علیه السلام از محتوای این لایحه‌ی ننگین بطور دقیق و کامل مطلع می‌شوند. اعلامیه‌ی مخالفت صادر نموده و در ۴ آبان ۱۳۴۳، در یک سخنرانی شجاعانه صدای اعتراض خود را به گوش همگان می‌رسانند. بخشی از این سخنان تاریخی را بخوانیم:

«... من تأثرات قلبی خودم را نمی‌توانم اظهار کنم. قلب من در فشار است، این چند روزی که مسائل اخیر ایران را شنیدم خوابم کم شده است

۱. سوره‌ی مبارکه‌ی توبه، آیه‌ی ۲۰.



ناراحت هستیم، قلبم در فشار است، با تاثرات قلبی روز شماری می‌کنم چه وقت مرگ پیش بیاید... ما را فروختند، استقلال ما را فروختند... عزت ما پایکوب شد، عظمت ایران از بین رفت، عظمت ارتش ایران را پایکوب کردند... ملت ایران را از سگهای امریکا پست تر کردند، اگر چنانچه کسی سگ امریکایی را زیر بگیرد بازخواست از او می‌کنند، لکن اگر شاه ایران یک سگ امریکایی را زیر بگیرد بازخواست از او می‌کنند، اگر چنانچه یک آشپز امریکایی شاه ایران را زیر بگیرد... هیچ کس حق تعرض ندارد چرا؟! ای سران اسلام به داد اسلام برسید! ای علمای نجف به داد اسلام برسید، ای علمای قم به داد اسلام برسید! رفت اسلام! ای ملل اسلام! ای سران ملل اسلام! ای رؤسای جمهور ملل اسلامی... به داد همه ما برسید!^۱

از سخنرانی تا تبعید

نه روز از این سخنرانی تاریخی می‌گذرد تا در بامداد روز سیزده آبان، امام دستگیر و به ترکیه تبعید شدند.

علت تاخیر رژیم در دستگیری امام برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در امریکا بود، و چون امام در سخنرانی خود به دولت و رئیس جمهور امریکا، لیندون جانسون، شدیداً حمله کرده بود، بیم آن رفت که با دستگیری امام، سخنرانی ایشان در مطبوعات دنیا و از جمله امریکا پخش شده و به عنوان یک حربه تبلیغاتی علیه جانسون استفاده شود. به همین دلیل تا بامداد سیزده آبان - زمان اعلان نتایج انتخابات ریاست جمهوری در امریکا - نسبت به دستگیری امام اقدامی صورت نگرفت.^۲

در این فاصله فضلا و طلاب درجه دو حوزه، فعالیت‌هایی را برای تشریح وضعیت سیاسی موجود جامعه و تبیین ماهیت حرکت امام آغاز کردند که از آن جمله می‌توان به سخنرانیهای متعددی که هر شب در فاصله این ۹ روز در

۱. صحیفه نور ۱ و ۱۴۲ و ۱۴۳.

۲. خاطرات فیض گیلانی: ۶۸.



مساجد مختلف قم انجام می‌شد، اشاره کرد. یکی از این شهبادر تاریخ انقلاب به «لیلة الضرب» معروف است و جریان آن از این قرار است که عده ای از فضلاء حوزه مثل: علی اکبر هاشمی رفسنجانی، مهدی کروبی، علی مشکینی، شیخ نصرالله شیرازی، ربانی شیرازی، علی اصغر مروارید، مرتضی فهمیم، یحیی انصاری شیرازی، و... با تشکیل یک گروه بیست نفره، برای تبیین ماهیت حرکت حضرت امام و شکستن جو سکوت حاکم بر حوزه، به پخش اعلامیه و ایراد سخنرانی در محافل مختلف پرداختند. یکی از این محافل مجلس ختمی بود که آیت الله شریعتمداری در مسجد اعظم برای بزرگداشت آقای اثنی عشری گرفته بود. برخی از افراد گروه یاد شده، از جمله آقای کروبی با شرکت در این جلسه، سعی در استفاده وقت جلسه برای یادآوری و احترام به امام خمینی (س) و همچنین تایید مواضع ایشان داشتند. هواداران آیت الله شریعتمداری با پیش بینی این مساله و گماردن یک عده چماقدار سعی کردند از هر اقدامی جلوگیری کنند و گروه مزبور وقتی وضع را اینگونه دید، دم بر نیاورد.

آقای مهدی کروبی، از شاهدان عینی، در خاطرات خودش ادامه حوادثی را که در لیلة الضرب پیش آمد، اینگونه توصیف می‌کند:

هیچ کس آن شب بلند نشد ولی همین که مجلس تمام شد جمعیت یک مرتبه حرکت کرد و شروع کردند به شعار دادن و پخش تراکت و اعلامیه، طلبه ای شروع کرد به شعار دادن، همین که گفت حضرت آیت الله به «خ» خمینی رسید، من خودم دیدم آشیخ غلامرضا [زنجانی] گفت: «خفه شو» و درست با همین صدای «خفه شو» صدای «شرق» توی گوش [آن طلبه] نواخته شد و دیگر نیروهای مخالف شروع کردند به زدن بچه هایی که تراکت پخش می‌کردند... در این اثنا... عده ای گفتند که کتک خورده ها کی بودند؟ عده ای که دور شیخ غلامرضا جمع بودند گفتند: «ساوا کی». در اینجا یکدفعه بی اختیار گفتم: «ساوا کی چیه؟» اینها جرمشان این است که حمایت از آقای

خمینی می‌کنند، اعلامیه پخش کردند، ساوا کی آنها بید که اینها را زدند... این کتک کاری از طرف بیت ایشان [آقای شریعتداری] انعکاسش بسیار بد بود و برای تشکیلاتش سنگین تمام شد.^۱

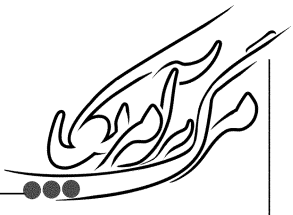
◀ دو پیامد مهم کاپیتولاسیون

۱. واقعه کاپیتولاسیون موقعیت حضرت امام را به عنوان تنها رهبر واقعی انقلاب نمایان و تثبیت کرد؛ و در مقابل، مواضع دیگر مراجع را نیز درباره این حرکت و چگونگی ادامه آن به طور شفاف بر همگان آشکار ساخت. به عبارت دیگر، در واقعه مورد نظر گروههای سیاسی فعال جامعه و به طور عامتر آحاد مردم دریافتند که اگر خواهان تغییر و تحولات بنیادی در ساختار سیاسی کشور هستند، تنها کسی که می‌تواند در این مسیر پرفراز و نشیب، هادی و راهبر مطمئنی برای آنها باشد امام خمینی است تبعید ایشان نه تنها این مساله را تحت الشعاع قرار نداد بلکه تاییدی دوباره بر این واقعیت بود.

۲. تشدید خفقان سیاسی و رشد مبارزات مسلحانه زیرزمینی پیامد دیگر واقعه مزبور می‌باشد. ترور منصور توسط محمد بخارایی در اول بهمن ۱۳۴۳، ترور شاه توسط رضا شمس آبادی در ۲۱ فروردین ۱۳۴۴، کشف و شناسایی حزب ملل اسلامی در مهر ۱۳۴۴ همه نشان از گسترش مخالفتها و نارضایتیهای عمومی بود. ترور منصور تغییرات اساسی در ساواک را به دنبال داشت.^۲ شاه با جایگزین نمودن نعمت الله نصیری به جای حسن پا کروان به عنوان رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور، عزم خود را بر تحت فشار قرار دادن مخالفان خود نشان داد.

۱. خاطرات مهدی کروی، فصلنامه یاد، سال هشتم، شماره ۲۹ و ۳۰، صص ۱۱۴ و ۱۱۵.

۲. طبق اسناد موجود لازم است در باب ترورها که برخی به دستور حضرت امام علیه السلام می‌دانند رفع اتهام کنیم که اصولاً ایشان موافقتی با ترورها و بصورت خاص ترور منصور نداشته‌اند. ظاهراً قبل از تبعید امام عده‌ای از اعضای مؤتلفه در ملاقات با ایشان، راجع به ترور اشخاصی که به تعبیر ایشان «خائن» هستند سؤال می‌کنند؟ امام می‌فرماید: «در غیر خودش [شاه] فایده‌ای ندارد. رک: گفتگوی اسد الله عسگر اولادی با واحد خاطرات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی در تاریخ ۱۳۷۷/۳/۲۹.



۱۳/آبان/۵۷
گلوله... دانشگاه... خون...
روز دانش آموز

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذْ كُذِّبَتْ إِلَيْكُمْ عَلَىٰ أَن يَسْتُطِوُا إِلَيْكُمْ أَيُّدِيهِمْ فَكَفَّ أَيُّدِيهِمْ عَنْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ قَلِيلٌ مَّا يُؤْتُونَ»^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمتی را که خدا به شما بخشید، به یاد آورید آن زمان که جمعی (از دشمنان)، قصد داشتند دست به سوی شما دراز کنند (و شما را از میان بردارند)، اما خدا دست آنها را از شما باز داشت! از خدا بپرهیزید! و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند!

داستان آن روز «روز دانش آموز»

آخرین سرمای پاییز دوران پهلوی آرام آرام از اول مهر سال ۵۷ حرکت کرد... به مهر خاطره‌انگیز رسید و در ایستگاه سیزدهم آبان صبحی دیگر را تجربه می‌کرد...

اوضاع ایران، ناآرام و به هم ریخته بود...

هیچ مسئولی پاسخگو نبود...

هر روز اعتصاب و ناامنی...

شاه هم در اوج ناتوانی و سردرگمی راه به جایی نداشت و از روی

۱. سوره‌ی مبارکه‌ی مائده، آیه‌ی ۱۱.



بیچارگی آخرین دست و پاهای خود را برای ماندن می زد...

هر چه مهره‌ی وطن فروش حسرت بر دل که عمری دندان برای چپاول تیز کرده بودند را رو کرد و به صحنه آورد! اما افاقه نکرد...

هر چه به ذهنش رسید...

هر توصیه‌ای که به او کردند...

هر کار که توانست...

هر کس را که مدعی اصلاح بود...

نه!... کار تمام است...

بوی حلوای بساط شاه و شاهنشاهی و آریا مهر و قدر قدرت و والاحضرت و بدجور به مشام می رسد...

هر روز وضعیت بدتر از روز قبل بود...

مردم به هیچ چیز آرام نمی شدند و همه یک هدف را دنبال می کردند...

نابودی شاه و در ادامه خواهان استقلال از دست رفته‌ی خویش بودند...

خاک پُر افتخار ایران که مردان بزرگ را زیاد دیده بود...

خیلی دلش پُر بود...

از خون‌هایی که به ناحق در خود فروخورده و دم بر نیاورده...

ایران خاک سرزمینی بود که انتظارِ حاکمیتِ مردانی را می کشید که از

سال‌ها قبل قد کشیده بودند و قرار بود نامشان جاودانه‌ی تاریخ شود...

وقایع آن روز این چنین در تاریخ ثبت شد:

صبح روز ۱۳ آبان ۱۳۵۷، دانش آموزان در حالی که مدارس را تعطیل کرده بودند، رو به سوی دانشگاه تهران نهادند تا بار دیگر پیوندشان را با رهبر

بت شکن خویش اعلام کنند. این نوجوانان پر شور و خداجو، گروه، گروه به دانشگاه وارد شدند و به همراه دانشجویان و گروه‌های دیگری از مردم در

زمین چمن دانشگاه اجتماع کردند. از آن سوی، مأموران شاه، دانشگاه را

محاصره کرده بودند تا چنانچه فریاد حق طلبانه‌ای از گلویی برخاست، آن را با گلوله پاسخ دهند، اما دانش آموزان در کنار نرده‌ها و زمین چمن اجتماع کرده، فریاد مقدس «الله اکبر» آنان فضا را شکافت و تا فاصله‌های دور طنین انداخت.

ساعت یازده صبح ۱۳ آبان ۱۳۵۷، مأموران رژیم شاه، ابتدا چند گلوله گاز اشک آور در میان دانش آموزان و دانشجویان معترض و انقلابی پرتاب کردند، ولی اجتماع کنندگان در حالی که به سختی نفس می کشیدند، صدای خود را رساتر کرده و با فریاد دشمن شکن «الله اکبر» بر اندام مأموران مسلح شاه لرزه افکندند.

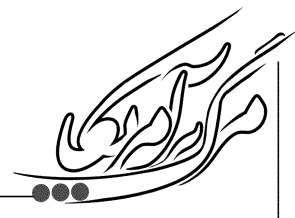
در این هنگام، تیراندازی آغاز شد و لاله‌های انقلاب یکی پس از دیگری در خون غلتیدند. جوانان با فریاد «الله اکبر» و با شعارهای «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر شاه» به شهادت رسیدند و انقلاب خونین اسلامی شان را تداوم بخشیده و دشمنان اسلام را بیش از پیش رسوا ساختند. در این واقعه، ۵۶ تن شهید و صدها نفر مجروح شدند.

امام خمینی علیه السلام در پیامی که به مناسبت قیام دانش آموزان در ۱۳ آبان از پاریس برای امت قهرمان ایران فرستادند، فرمودند: «عزیزان من! صبور باشید که پیروزی نهایی نزدیک است و خدا با صابران است. ایران امروز جایگاه آزادگان است. من از این راه دور، چشم امید به شما دوخته‌ام و صدای آزادی خواهی و استقلال طلبی شما را به گوش جهانیان می رسانم»^۱.

بعدها این روز را «روز دانش آموز» نامیدند تا خاطره‌ی شهدای دانش آموز زنده نگهداشته شود.

۱. صفحه‌ی نور ۱۳ : ۱۸۱.





واقعه‌ی طبس طوفان رسوایی و ذلت آمریکا

«شکستِ حمله‌ی نظامی آمریکا به ایران در طبس»

آمریکائیه‌ها پس از پیگیریهای فراوان دیپلماتیک برای آزادیِ گروگانهایِ خود (که در دست دانشجویان پیرو خط امام بودند) تصمیم به حمله نظامی گرفتند. برای این امر، تیمی شامل ۹۰ نفر از بهترین کماندوهای آمریکایی به مدت پنج ماه در صحرانی «آریزونا» به تمرینهای پیچیده نظامی پرداختند.

برژینسکی در کتاب توطئه در ایران می‌نویسد: «طرح عملیات نجات را من ابتدا به عنوان آخرین چاره یا یک اقدام اضطراری در صورت به خطر افتادن جان گروگانها تعقیب می‌کردم و به مؤثر بودن عملیات نظامی، نظیر محاصره دریایی ایران، تصرف جزیره خارک و حملات هوایی به هدفهایی در داخل خاک ایران، بیشتر اعتقاد داشتم.» (۱۲)

سرانجام به دستور کارتر، رئیس جمهور وقت آمریکا، عملیات آغاز شد. در نیمه شب چهارم اردیبهشت ۱۳۵۹، تعداد هشت فروند هلی کوپتر و یک هواپیمای C-۱۳۰ از عرشه ناو «نیمیتز» در دریای عمان برخاستند و با پرواز در ارتفاع کم راهی صحرای طبس شدند. طبق برنامه می‌بایست ابتدا در فرودگاه متروکی در صحرای طبس فرود می‌آمدند. پس از سوختگیری، هلی کوپترها، کماندوها را تا قبل از طلوع آفتاب به نزدیکی تهران می‌رساندند. در غروب آن روز، کماندوها توسط کامیونها و ماشینهایی که از قبل تهیه شده



بود، خود را به سفارت رسانده و عملیات اصلی آغاز می‌شد. این برنامه که با محاسبات فراوان آماده شده بود، مورد اطمینان آمریکائیه‌ها بود. در ابتدای عملیات، دو هلی کوپتر در طول مسیر ایران دچار نقص شدند و یکی دیگر از آنها در حال سوختگیری در صحرای طبس دچار نقص فنی شد. این مسائل باعث لغو برنامه گردید. در زمان برگشت آمریکائیه‌ها، طوفان شن - علی‌رغم پیش بینی‌ها - شروع به وزیدن گرفت و باعث تصادف یکی از هلی کوپترها با هواپیما شد. در این حادثه هشت نفر از آمریکائیه‌ها در آتش سوختند. این عملیات نافرجام، لگه ننگ بزرگی برای آمریکا شد.

اوج حقارتِ آمریکائیان

پس از شکستِ عملیات و فرارِ کماندوهای لشکر هواپرد آمریکا از طوفانِ شن صحرای طبس، چارلی بکویت فرماندهی عملیات طبس در یک مصاحبه گفت: «هیچ راهی نبود که اجساد را از درون آتش خارج کنیم... و من در آنجا نشستم و گریه کردم. خودم را بسیار حقیر دیدم و حس کردم دیگر آبرویی برایم باقی نمانده است.»^۱

از جمله اقدامات براندازانه آمریکا پس از شکست حمله نظامی به طبس، طرح ریزی کودتای «نورژه» در هجدهم تیرماه ۱۳۵۹ بود.

دولت آمریکا برای طرح ریزی و اجرای این کودتا، هزینه‌های سنگینی در نظر گرفته بود. کودتای نورژه توسط یک ستاد از پاریس به رهبری شاهپور بختیار هدایت می‌شد. این ستاد دارای شاخه‌های متعدد سیاسی، نظامی و مالی - لجستیکی بود. این توطئه قبل از هر اقدامی با شکست مواجه شد.

۱. روزنامه‌ی جمهوری، ۱۴/۷/۶۹.



سوالات مسابقه فرهنگی

۱. عامل اصلی و سرچشمه‌ی قطع ارتباط با آمریکا چه بود؟

الف) اعتقادات ملت ایران و دستور دین و مکتب اسلام
 ب) آمریکا مظهر استکبار و فرعونیت است

ج) خودباختگی دولت طاغوتی به آمریکا
 د) همه موارد

۲. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار فرماندهان سپاه فرمودند: «مذاکره‌ی با آمریکا ممنوع است به‌خاطر...»

الف) ضررهای بی‌شماری که دارد
 ب) منفعتی که اصلاً ندارد
 ج) دشمن دیرینه‌ی ماست
 د) موارد الف و ب

۳. امام خمینی علیه السلام نظام آمریکا را یک نظام... می‌داند.

الف) ضد دینی ب) ضد اخلاقی ج) ضد بشری د) ضد انقلاب

۴. آیه‌ی ۶۰ سوره‌ی احزاب درباره‌ی چه کسانی می‌باشد؟

الف) کسانی که زیبا سخن می‌گویند.
 ب) در عمل پیشتاز ظلم و فساد هستند.
 ج) رهبران بی‌کفایت آمریکایی
 د) موارد الف و ب

۵. کلمات حذف شده‌ی روایت امام حسین علیه السلام را شما حدس بزنید:

«من مرگ را چیزی جز... و زندگی با ستمگران را چیزی جز... نمی‌بینم.»

الف) خوشبختی - مایه دلنگی
 ب) رهایی - ذلت
 ج) خوشبختی - ظلم‌پذیری
 د) آرامش - مایه دلنگی

۶. کدام عبارت صحیح نیست؟

الف) استکبار به معنای برتری خواهی است
 ب) استکبار به معنای پذیرش حق از روی تکبر است.
 ج) مستکبر از دیدگاه قرآن تمام ابزار تخریب سنت‌های الهی را به کار می‌گیرد.
 د) لغت استکبار ۴۸ بار در قرآن کریم آمده است.

۷. در منطق قرآن، بدترین اقسام استکبار چیست؟

الف) نپذیرفتن آیات و دستورات الهی
 ب) پذیرش حق از روی تکبر
 ج) نداشتن تمکین و تواضع در برابر فرمان خدا و انبیا
 د) تغییر سنت‌های الهی

۸. حضرت امیرمؤمنان علیه السلام در خطبه‌ی قاصعه، چه کسی را پیشکشوت مستکبران معرفی می‌کند؟

الف) یهودیان ب) کفار ج) ابلیس د) مشرکین

۹. بر اساس آیه‌ی ۵۱ سوره‌ی زخرف، چه چیز عامل استکبار فرعون گردیده است؟

الف) تکبر و خودبزرگ بینی

ب) ثروت و قدرت

ج) کفر به خداوند

د) ظلم به مظلومان

۱۰. آیات ۳۱ تا ۳۳ سوره‌ی مبارکه‌ی سبأ، کدام یک از عوامل خودنمایی استکبار را مطرح می‌کند؟

الف) القاء فقر فرهنگی و وابستگی فکری

ب) ثروت و قدرت

ج) توهم برتری در آفرینش

د) غفلت از قدرت نامحدود الهی

۱۱. کدام جمله صحیح نیست؟

الف) یکی از سلاح‌های استکبار تهدید است.

ب) مستکبران گاهی برای قدرت‌نمایی، فرد یا گروه یا کشوری را نابود می‌کنند یا مورد لطف قرار می‌دهند.

ج) علت ظلم قارون بر موسی، غفلت از قدرت نامحدود الهی بود.

د) گاهی مستکبرین با خودنمایی، مردم ساده‌لوح را فریفته‌ی خود می‌کنند.

۱۲. بطور مشخص، دخالت‌های آمریکا در ایران از ... آغاز شد و بهترین طعمه‌ی مورد طمع آمریکا، ... بود.

الف) ۲۸ مرداد - ایمان مردم ایران

ب) کودتای ۲۸ مرداد - نفت ایران

ج) ۱۳ آبان سال ۵۸ - امام خمینی

د) ۱۲ بهمن سال ۵۷ - نفت ایران

۱۳. در کدام آیه، شرط پیروزی بر استعمارگران، صبر و مقاومت معرفی شده است؟

الف) نساء/ ۷۵ ب) اعراف/ ۳۷ ج) محمد/ ۷ د) ابراهیم/ ۲۱.

۱۴. روایتی که دلیل عذاب شصت هزار نفر از نیکان قوم حضرت شعیب علیه السلام را سازش با گناهکاران دانسته کدام بزرگوار است؟

الف) پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله

ب) امام علی علیه السلام

ج) امام حسین علیه السلام

د) امام باقر علیه السلام

۱۵. بر حسب آیه ۲۸ سوره‌ی آل عمران، «اتخاذ الولی» یعنی چه؟

الف) نشستن با شخصی که ادعای بزرگی دارد.

ب) پذیرش ولایت والیان دین بر کفر

ج) پذیرش ولایت کسی توسط مسلمان و غیرمسلمان

د) کسی که ولایت دیگری را قبول کند.

۱۶. درباره‌ی این شعار حضرت امام علیه السلام: «آمریکا شیطان بزرگ است» کدام مورد صحیح نیست؟

الف) سیاست‌های آمریکا سیاست‌های شیطانی است.

ب) پیروان آمریکا و اسرائیل، اولیای شیطان هستند.

ج) این فقط یک شعار سیاسی بود.



د) طبق دستور قرآن، باید به شدت با اولیای شیطان پیکار کرد.

۱۷. کدام آیهی مصداق شعار مرگ بر آمریکاست؟

الف) اعراف/۴۰ ب) عبس/۳ ج) محمد/۱۲۳ د) بقره/۳۲

۱۸. کدام مورد، جزء اثر و پیام تسخیر لانه جاسوسس آمریکا نمی باشد؟

الف) اثبات حقایق رهبری امام خمینی رحمته الله علیه

ب) پاسخ کوبنده به قانون شکنی و تجاوز

ج) اعتراض مردم انقلابی به حمایت آمریکا از شاه جنایتکار

د) شکستن هیبت پوشالی آمریکا

۱۹. طبق آیهی ۷۵ سورهی نساء، کدام مورد صحیح نمی باشد؟

الف) نخستین تقاضای مستضعفان گرفتار در چنگال دشمن، برای نجات خویش، تقاضای ولی از جانب خداوند بوده است.

ب) وجود یار و یاور، بدون استفاده از یک رهبری صحیح، بی نتیجه است.

ج) برای نجات از چنگال ظالمان، پیش از هر چیز، وجود رهبر و سرپرست لایق و دلسوز لازم است.

د) مستضعفان و ملتی که صابر و مقاوم باشند، وارث زمین می شوند.

۲۰. طبق فرمایش رسول اکرم صلی الله علیه و آله، پست ترین مردم چه کسی است؟

الف) کسی که از ظلم پیروی می کند.

ب) کسی که ولایت ناحب را بپذیرد.

ج) کسی که مردمان را خوار می کند.

پاسخنامه

نام و نام خانوادگی: نام پدر: تحصیلات:

تلفن ثابت: تلفن همراه: تلفن همراه:

نام مدرسه؛ اداره یا مرکز مربوطه: نشانی: نشانی:

	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱		
الف																						
ب																						
ج																						
د																						

نظراتان را درباره مطالب این کتاب مرقوم فرمایید. با تشکر:

.....

.....

.....